

حج و عمره در آینه عترت

(خلاصه و بازنویسی کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث)

تألیف: آیت الله محمد محمدی ری شهری
تلخیص کننده: علی رسولی

بسم الله الرحمن الرحیم

حج و عمره در آینه عترت (خلاصه و بازنویسی کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث)

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

حج و عمره در آینه عترت (خلاصه و بازنویسی کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث) ----- ۱۲

مشخصات کتاب ----- ۱۲

اشاره ----- ۱۲

دیباچه ----- ۲۲

مقدمه ----- ۲۴

فصل اوّل: آداب پیش از سفر حج ----- ۲۶

اشاره ----- ۲۶

۱. آمادگی ----- ۲۸

۲. اخلاص ----- ۲۹

۳. شتاب ----- ۳۰

۴. آموختن مناسک حج ----- ۳۰

۵. تهیه مال حلال ----- ۳۲

۶. ره توشه پاکیزه ----- ۳۳

۷. خواندن دعا هنگام خروج ----- ۳۴

فصل دوّم: اهمیت عمره وحج ----- ۳۶

اشاره ----- ۳۶

۱. فضیلت عمره ----- ۳۸

اشاره ----- ۳۸

الف) عمره در ماه رجب ----- ۳۹

ب) عمره گزاردن در ماه مبارک رمضان ----- ۴۰

۲. وجوب حج و شرایط آن ----- ۴۱

اشاره ----- ۴۱

الف) حکمت و فلسفه حج ----- ۴۲
ب) فضیلت حج ----- ۴۳
ج) پاداش حج ----- ۴۴
د) هزینه در راه حج ----- ۴۷
ه) قرض برای حج ----- ۴۸
و) دشواری حج ----- ۴۹
ز) پاداش کسی که در احرام بمیرد ----- ۵۰
ح) آثار حج ----- ۵۱
یک - خیر دنیا و آخرت ----- ۵۱
دو - طهارت ----- ۵۲
سه - ثروت و سلامتی ----- ۵۳
چهار - نور ----- ۵۵
پنج - میهمان خدا ----- ۵۵
شش - حاجی در پناه خداوند ----- ۵۶
ط) پیآمد ترک حج ----- ۵۸
یک - هلاکت ----- ۵۸
دو - کفر ----- ۶۰
سه - ترک دستور اسلام ----- ۶۱
ی) حج گزاری پیامبران ----- ۶۲
فصل سوم: مناسک حج وعمره ----- ۶۳
اشاره ----- ۶۳
۱. احرام و حکمت آن ----- ۶۵
اشاره ----- ۶۵
الف) محل احرام ----- ۶۶

ب) غسل احرام ---- ۶۷
ج) لباس احرام ---- ۶۸
د) نیت احرام ---- ۶۹
ه) تلبیه ---- ۷۰
اشاره ---- ۷۰
یک- ثواب تلبیه و تکرار آن ---- ۷۱
دو - بلند لبیک گفتن ---- ۷۳
سه - قطع لبیک ---- ۷۴
۲. طواف و نماز طواف ---- ۷۴
۳. سعی بین صفا و مروه و فضیلت آن ---- ۷۷
اشاره ---- ۷۷
الف) توقف در صفا و مروه ---- ۷۷
ب) پاداش سعی ---- ۷۸
۴. حلق و تقصیر ---- ۷۸
۵. عرفات و علت نام گذاری آن ---- ۸۰
اشاره ---- ۸۰
الف) وقوف در عرفات ---- ۸۲
ب) مناجات در عرفات ---- ۸۳
۶. مشعرالحرام ---- ۸۴
اشاره ---- ۸۴
وقوف در مشعرالحرام ---- ۸۴
۷. منا و علت نام گذاری آن ---- ۸۷
اشاره ---- ۸۷
الف) منا و ثواب وقوف در آن ---- ۸۷

ب) رمی جمرات ----- ۹۰
اشاره ----- ۹۰
ثواب رمی ----- ۹۱
ج) قربانی کردن ----- ۹۲
اشاره ----- ۹۲
دعا هنگام قربانی کردن ----- ۹۳
۸. طواف نساء و نماز آن ----- ۹۴
۹. فضیلت حج نیابتی ----- ۹۵
۱۰. طواف وداع ----- ۹۶
فصل چهارم: اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه ----- ۹۹
اشاره ----- ۹۹
۱. مکه مکرمه ----- ۱۰۱
الف) نام های مکّه ----- ۱۰۱
ب) فضیلت مکّه مکرمه ----- ۱۰۲
اشاره ----- ۱۰۲
یک - محللات حرم ----- ۱۰۳
دو - محرمات حرم در مکّه ----- ۱۰۴
سه - مکروهات حرم ----- ۱۰۶
ج) مسجدالحرام ----- ۱۰۷
اشاره ----- ۱۰۷
یک - آداب وارد شدن به مسجدالحرام ----- ۱۰۸
دو - مدفن پیامبران در مسجدالحرام ----- ۱۰۹
سه - فضیلت نماز خواندن در مسجدالحرام ----- ۱۰۹
د) خانه خدا ----- ۱۱۱

یک – نام های خانه خدا ----- ۱۱۱

دو – فضیلت کعبه ----- ۱۱۲

سه – فضیلت نگاه کردن به کعبه ----- ۱۱۵

ه) بهترین جای مسجدالحرام ----- ۱۱۶

و) مقام ابراهیم ----- ۱۱۷

ز) حجرالأسود ----- ۱۱۸

اشاره ----- ۱۱۸

استلام و بوسیدن حجرالأسود ----- ۱۱۹

ح) حِجْرِ اسماعیل ----- ۱۲۰

ط) حطیم ----- ۱۲۱

ی) مُلتَزَم ----- ۱۲۲

ک) مُستَجار ----- ۱۲۳

ل) رکن یمانی ----- ۱۲۴

اشاره ----- ۱۲۴

صفا و مروه ----- ۱۲۵

۲. مدینه منوره ----- ۱۲۶

اشاره ----- ۱۲۶

الف) فضیلت اقامت کردن در مدینه ----- ۱۲۷

ب) مدینه هجرتگاه و شهر محبوب پیامبر (ص) و زداینده پلیدی ها ----- ۱۲۸

ج) آداب مدینه ----- ۱۲۹

د) فضیلت مسجد النّبی ----- ۱۳۰

ه) آداب مسجد النبی ----- ۱۳۱

اشاره ----- ۱۳۱

یک – فضیلت خواندن نماز در مسجدالنّبی ----- ۱۳۳

دو - زیارت پیامبر (ص) ۱۳۴
سه - سلام دادن بر پیامبر (ص) ۱۳۵
چهار - شفاعت پیامبر (ص) ۱۳۶
پنج - پاداش زیارت کردن پیامبر (ص) ۱۳۸
شش - رعایت ادب در زیارت پیامبر (ص) ۱۳۹
و) ثواب و آداب زیارت حضرت زهرا (س) ۱۴۰
ز) زیارت امامان اهل بیت (ع) ۱۴۱
ح) زیارت قبور شهدا در مدینه منوره ۱۴۲
فصل پنجم: اخلاق در حج ۱۴۵
اشاره ۱۴۵
۱. اخلاق در موسم حج ۱۴۷
حُسن خُلق ۱۴۷
کمک به همراهان ۱۴۷
حفظ ره توشه ۱۴۸
شریک کردن دیگران در ثواب حج ۱۴۹
طواف کردن به نیابت از امامان ۱۵۰
دیدار امام ۱۵۰
توبه ۱۵۲
اطعام ۱۵۲
وداع با خانه خدا ۱۵۲
به مدینه رفتن ۱۵۳
زود برگشتن از حج ۱۵۳
صدقه دادن ۱۵۴
سوغات حج ۱۵۵

یاری رساندن به خانواده حج گزار ----- ۱۵۵
۲. اخلاق بعد از حج ----- ۱۵۶
وانهادن گناهان ----- ۱۵۶
دیدار با حج گزار ----- ۱۵۷
فصل ششم: امورمتفرقه ----- ۱۵۹
اشاره ----- ۱۵۹
حاجی واقعی ----- ۱۶۱
حدیث شبلی ----- ۱۶۱
آنچه در تاریخ اسلام بر کعبه گذشت ----- ۱۷۶
کتابنامه ----- ۱۷۸
درباره مرکز ----- ۱۸۴

حج و عمره در آینه عترت (خلاصه و بازنویسی کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث)

مشخصات کتاب

سرشناسه : رسولی، علی، ۱۳۶۱ -، اقتباس کننده

عنوان قراردادی : الحج والعمره فی الکتاب والسنه .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : حج و عمره در آیینه عترت (خلاصه و بازنویسی کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث) / تالیف محمد محمدی ری شهری؛ تلخیص و بازنویسی علی رسولی.

مشخصات نشر : تهران: نشرمشعر ، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۱۶۴ ص.

شابک : ۸-۳۷۲-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : حج -- احادیث

موضوع : حج

موضوع : حج -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : محمدی ری شهری،محمد،۱۳۲۵- . الحج والعمره فی الکتاب والسنه . فارسی. برگزیده

رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ /ح۲۷ م۳۲۰۴۲۱۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۴۶۲۵۳

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

دیباچه

حج فریضه ای مهم است و ویژگی ها و ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و. . . دارد. از جمله این دست آوردها، پالایش روح و پاک شدن از آلودگی های روحی و اخلاقی است. ره آورد دیگر سفر حج آشنایی با اماکن و آثار اسلامی مکه و مدینه، است.

اهدافی که به آنها اشاره شد، در سایه آشنایی با معارف اهل بیت (ع) محقق می شود و انتقال این معارف بر عهده روحانیون کاروان ها است.

مجموعه حاضر برای زمینه سازی جهت دستیابی به اهداف فوق تهیه گردیده است تا درگام اول، روحانیون و معین های کاروان های حج و عمره بر آگاهی های خود در این زمینه بیفزایند و آن گاه آن را به زائران حج و عمره منتقل نمایند.

امیدواریم روحانیون محترم کاروان ها با مطالعه این مجموعه و همراه داشتن این اثر، از آغاز تا پایان سفر، در موقعیت های مختلف از احادیث معصومین (ع) برای آموزش مناسک، معرفی اماکن مقدس و تزکیه روحی زائران استفاده نمایند.

ص: ۱۲

در پایـان از محقق محترم حجت الاسـلام علی رسولی که در جمع آوری احـادیث قصـار معصومین (ع) جهت بهره گیری روحانیون کاروان ها تلاش کردند، تشکر می کنیم و توفیق همگان را از خداوند متعال خواستاریم.

إنّه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

ص: ۱۳

مقدمه

اسلام ارکانی دارد که بدون آن خیمه اسلام فرو می ریزد. یکی از این ارکان «حج» است. امام باقر (ع) فرمود:

«بُنِی الاسلامُ علی خَمسهِ أشیاء: عَلی الصَّلاهِ والزَّکاهِ وَالصَّومِ والْحَجِّ وَالوِلایهِ» (۱)؛ «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت» .

بنابراین کسی که با داشتن توانایی و از روی عمد حج نرود، رکنی از ارکان دین الهی خویش را نابود کرده و در نتیجه نمی توان وی را مسلمان حقیقی دانست. حج مهم ترین تجلی گاه دو اصل کلیت و دوام اسلام است و به همین دلیل از مبانی و ارکان مهم اسلام محسوب می شود. حج، اولین مرکز جهانی برای عبادت است:

إنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ * فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ إبْراهِیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ (آل عمران: ۹۶و ۹۷)

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۸.

ص: ۱۴

خداوند در قرآن، شهر مکه را به دلیل قدمت تاریخی آن «بیت عتیق» (۱)می خواند.

از سوی دیگر، حج محور هدایت، و در قرآن کریم نیز محور بندگی جهانیان معرفی شده است.

در پرتو توجه به کعبه، کـار مردم سامـان می گیرد و اسـتوار می شود: (جَعَلَ اللَّهُ الْکَعْبَهَ الْبَیْتَ الْحَرامَ قِیاماً لِلنَّاسِ (مائـده:۹۷) و این استواری نیست، مگر برای قسط و عدل الهی: (. . . لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (حدید:۲۵ ازاین رو، امام صادق (ع) فرمود:

«لایَزالُ الدّینُ قائِماً ما قامَتِ الکَعبَهُ» (۲)؛ «همواره دین پروردگار، قائم و زنده است، مادامی که کعبه پابرجاست» .

به یقین، قیام دین به وسیله مؤمنان خواهد بود؛ همچنان که قیام کعبه به قیام زائران آن است. ازاین رو برای آشناکردن زائران عزیز با آثار، اماکن و مناسک مربوط به خانه دوست، به جمع آوری کلمات قصار معصومین در این باره پرداختیم تا روحانیون کاروان ها با بهره گیری از آن بتوانند درباره حج تمتع و عمره مفرده، معارف اهل بیت (ع) را به زائران منتقل کنند.

این اثر تلخیص کتاب «حج و عمره در قرآن و حدیث» ، تألیف حضـرت آیت الله ری شـهری می باشد که کوشیده ایم با دسته بندی جدیدی از کلمات قصار معصومین، اثر مختصـری را برای اسـتفاده روحانیون آماده کنیم. اگرچه متن بعضـی احادیث از منابع اصلی نقل شده است، ولی بیشتر ترجمه براساس ترجمه کتاب آیت الله ری شـهری است. ازاین رو، لازم می دانم از تلاش ایشان در تألیف این کتاب گران سنگ سپاسگزاری نمایم.

علی رسولی

۱- ر. ک: حج: ۲۹.
۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴.

ص: ۱۵

فصل اوّل: آداب پیش از سفر حج

اشاره

ص: ۱۶

ص: ۱۷

۱. آمادگی

الامام علی (ع) :

إذا أرَدتُمُ الْحَجَّ فَتَقَدَّمُوا فی شِرَی الْحَوائج بِبَعضِ مایقَوّیکُم علَی السَّفَر، فإنّ الله َ عزّوجلّ یقول: وَ لَوْ أرادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّهً. (۱)

امام علی (ع) فرمود: هرگاه خواستید به حج بروید، ابتدا برخی از آنچه شما را در سفر، تقویت می کند، خریداری کنید؛ زیرا خداوند عزّوجلّ می فرماید: «اگر تصمیم به بیرون رفتن داشتند، برای آن، امکانات فراهم می کردند» .

الامام الصادق (ع) لعیسی بن أبی منصورٍ:

یا عیسی إنّی أُحِبُّ أنْ یَراکَ اللهُ عزّوجلّ فیما بَینَ الْحَجِّ إلَی الحَجِّ وأنت تَتَهَیّأُ لِلْحَجِّ. (۲)

امام صادق (ع) به عیسی بن ابی منصور فرمود: ای عیسی! دوست دارم که خداوند تو را در فاصله بین دو حج، در حال آماده شدن برای حج ببیند.

الامام الصادق (ع) :

مَن أرادَ الْحَجَّ فَتَهَیّأَ لَهُ فَحُرِمَه، فَبِذَنْبٍ حُرِمَه. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که تصمیم به رفتن حج دارد و برای آن

۱- بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۸۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶.

۳- المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۸.

ص: ۱۸

آماده شده، ولی از آن محروم می شود، به خاطر گناهی از حج محروم شده است.

۲. اخلاص

رسول الله (ص) :

یَاتی عَلَی النَّاسِ زمانٌ یَکونُ فیهِ حَجُّ المُلوکِ نُزهَهً و حَجُّ الأغنیاءِ تِجارهً و حَجُّ الْمَساکینِ مَسألَهً. (۱)

پیامبر خـدا (ص) فرمود: زمانی بر مردم خواهـد آمـد که زمام داران برای تفریـح، ثروتمنـدان برای تجارت و فقیران برای نیازخواهی حج به جای آورند.

عن أنَسٍ : حَجَّ النّبی (ص)

عَلی رَحْلٍ رَثٍّ وقَطیفَهٍ تُساوی أربعَهَ دَراهِمَ أولا تُساوی، ثمّ قال: ألّلهُمَّ حَجَّهٌ لا ریاءَ فیها ولا سُمْعَهَ. (۲)

انس می گویـد: پیـامبر (ص) بـا وسایلی کهنه و قطیفه ای که چهار درهم می ارزیـد یا به آن هم نمی ارزیـد، حـج انجام داد. سـپس فرمود: خدایا! حجی است که در آن ریا و خودنمایی نیست.

الامام الباقر (ع) : إنَّ النّبی (ص)

حَمَلَ جَهازَه عَلی راحِلَتِهِ، قالَ: هذِهِ حَجَّهٌ لاریاءَ فیها وَلا سُمْعَهَ. (۳)

امـام بـاقر (ع) فرمـود: پیـامبر اکرم (ص) ، بـار و وسایـل خـود را بر روی مرکـب نهـاد و فرمـود: ایـن حجی است کـه در آن، ریـا و خودنمایی نیست.

الامام الصادق (ع) :

اَلْحَجُّ حَجّانِ: حَجٌّ لِلّهِ وَحَجٌّ لِلنّاسِ، فمَنْ حَجَّ لِلّهِ کانَ ثَوابُه عَلَی اللهِ الجنّهَ ومَنْ حَجَّ لِلنّاسِ کان ثوابُه عَلَی النّاسِ یَومَ القِیامهِ. (۴)

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۴۵۲.

۲- سنن ابن ماجه، ج ۲۰، ص ۹۶۵.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۰.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۴.

ص: ۱۹

امام صادق (ع) فرمود: حج دو گونه است: حجی برای خدا و حجی برای مردم است. پس کسی که برای خداوند حج گزارد، خداوند پاداش او را بهشت قرار می دهد و کسی که برای مردم حج به جا آورد، در قیامت، پاداش او بر عهده مردم است.

۳. شتاب

رسول الله (ص) :

مَن أرادَ الْحَجَّ فَلْيَتَعَجَّلْ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس می خواهد به حج برود، پس بشتابد.

رسول الله (ص) : عَجِّلُوا الْخُروجَ إلی مكَّهَ، فإنَّ أحدَكُم لايدری مايعرِضُ له مِن مَرَضٍ أو حاجهٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: برای مکه رفتن شتاب کنید؛ زیرا کسی نمی داند چه برایش پیش می آید؛ بیماری یا کاری.

رسول الله (ص) :

مَن أرادَ الْحَجَّ فليتعجَّل، فانّه قَدْ يَمْرِضُ المَريضُ وتَضِلُّ الضالَّهُ وتَعرِضُ الحَاجهُ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس می خواهد حج برود، پس بشتابد؛ چون شاید بیمار شود، راه گم کند یا کاری پیش آید.

۴. آموختن مناسک حج

رسول الله (ص) :

تَعَلَّمُوا مَناسِكَكُم، فإنَّها مِنْ دينِكُم. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: مناسک خود را بیاموزید که جزو دین شماست.

۱- سنن ابی داوود، ج۲، ص ۱۴۱.

۲- الفردوس، ج۲، ص ۵۶.

۳- عوالی اللئالی، ج۱، ص ۸۶.

۴- کنزالعمال، ج۵، ص ۲۰۳.

ص: ۲۰

عَن ابنِ عُمَرَ: کانَ رسولُ اللهِ (ص)

إذا کانَ قبلَ التَّرویهِ بیوْمٍ خَطَبَ النّاسَ فَأخْبَرَهُم بِمَناسِکِهِم. (۱)

به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا (ص) ، یک روز پیش از ترویه برای مردم سخن می گفت و آنها را از مناسکشان خبر می داد.

الامام الباقر أو الامام الصادق (ع) :

إنَّ الله أمَرَ إبراهیمَ بِبَناءِ الکَعبهِ و أنْ یَرفَعَ قَواعِدَها و یُرِیَ النَّاسَ مناسِکَهُم. (۲)

امام باقر یا امام صادق (ع) فرمود: خداونـد عزوجل به ابراهیم (ع) فرمان داد که کعبه را بسازد و پایه های آن را بالا آورد و به مردم، مناسک و اعمالشان را نشان دهد.

عَن زُرارهَ: قُلتُ لأبی عَبـدِالله: جَعَلَنی اللهُ فِـداکَ، أسألُکَ فِی الْحَـجِّ مُنـذُ أربعینَ عاماً فَتُفتینی! فَقالَ: یا زُرارهَ، بَیتٌ یحَجُّ قبلَ آدمَ بألفَی عامٍ، تریدُ أن تَفنی مسائلُه فی أرْبعینَ عاماً. (۳)

زراره می گویـد: به امام صادق (ع) گفتم: فدایت شوم، چهل سال است که درباره حج از تو می پرسم و به من فتوا می دهی! فرمود: «ای زراره خانه ای که از دو هزار سال پیش از آدم (ع) ، حج و زیارت می شده می خواهی مسائل آن در چهل سال تمام شود.

الامام الصادق (ع) :

إنّما لَبَّی النَّبیُّ (ص) عَلَی الْبَیداءِ لِأنّ النَّاسَ لم یَکُونُوا یَعرفونَ التَّلبیهَ فأَحبَّ أنْ یُعَلِّمَهم کَیفَ التَّلبیهُ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا در صحرای بیدا لبیک گفت؛ زیرا مردم

۱- السنن الکبری، ج۵، ص ۱۸۰.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۰۵.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۴- کافی، ج۴، ص ۳۳۴.

ص: ۲۱

لبیک گفتن را نمی دانستند. دوست داشت که چگونگی لبیک گویی را به آنها بیاموزد.

رُوی عَن أبی حَنیفهَ النُّعمانِ بنِ ثابتٍ أنّه قالَ: لَوْلا جَعفرُ بنُ مُحَمَّدٍ ماعَلِمَ النّاسُ مناسِکَ حَجِّهِم. (۱)

از نعمان بن ثابت، معروف به ابوحنیفه نقل شده که گفت: اگر جعفر بن محمّد (ع) نبود، مردم مناسک حج خود را نمی دانستند.

۵. تهیه مال حلال

رسول الله (ص) :

مَنْ تَجَهَّزَ فی جَهازِهِ عَلَمٌ حرامٌ لَمْ یقبَلِ الله مِنهُ الْحَجَّ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس خود را [برای سفر حج] آماده سازد و در وسایلش [حتی] پرچم حرامی باشد، خداوند حجش را نمی پذیرد.

رسول الله (ص) :

إذا حَجَّ الرَّجُلُ بمالٍ مِن غَیرِ حِلِّهِ فَقالَ: «لبّیک اللّهمَّ لبّیک» قال الله: لا لبّیکَ ولا سَعدیکَ، هذا مَردودٌ عَلیکَ. (۳)

پیامبر (ص) فرمود: هرگاه کسی با مال غیر حلال به حج برود، چون «لبیک اللهم لبیک» بگوید، خداوند می فرماید: لا لبیک ولا سعدیک! این به خودت برمی گردد.

الائمه (ع) : مَنْ حَجَّ بمالٍ حَرامٍ نُودِی عِندَ التَّلْبیهِ: لا لَبّیکَ عَبدی ولاسَعْدَیکَ. (۴)

هرکس با مال غیرحلال به حج برود، خداوند هنگام لبیک گفتنش می فرماید: چه لبیکی؟ ! و چه خوشامدی؟ !

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲- المحاسن، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳- کنزالعمال، ج ۵، ص۲۴.

۴- وسائل الشیعه، ج۸، ص ۱۰۲.

ص: ۲۲

الامام الصادق (ع) :

أربعَهٌ لایُجزنَ فی أرْبعٍ: الخِیانهُ والغُلولُ والسَّرِقهُ والرِّبا لایَجُزنَ فی حَجٍّ ولا عُمْرَهٍ ولا جِهادٍ ولا صَدَقَهٍ. (۱)

امـام صـادق (ع) فرمود: چهـار چیز در چهار مورد جایز نیست: خیانت، اختلاس، دزدی و ربا؛ اینها در حـج و عمره و جهاد و صـدقه جایز نیستند.

الامام الصادق (ع) :

إذا اکتَسبَ الرَّجلُ مالاً مِن غَیرِ حِلِّه، ثُمَّ حَجَّ فَلَبّی نُودِیَ: لا لَبَّیک ولا سَعْدَیک وَإنْ کانَ مِنْ حِلِّه فَلَبّی نُودِی: لبّیکَ وسَعْدَیکَ. (۲)

امـام صـادق (ع) فرمود: کسـی که از راه غیرحلال مالی به دست آورد، پس حـج برود و لبیک بگویـد، نـدا می رسـد: «لا لبیکَ ولا سعدیکَ» و اگر از راه حلال باشد، ندا می رسد: «لبیک و سعدیک» .

الامام الکاظم (ع) : إنّا أهلُ بیتٍ، حَجُّ صَرورَتِنا ومُهورُ نِسائِنا وأکفانُنا مِن طُهورِ أموالِنا. (۳)

امام کاظم (ع) فرمود: حج خاندان ما و مهریه زنانمان و کفن های ما از دارایی پاکیزه ماست.

۶. ره توشه پاکیزه

رسول الله (ص) :

کُلُّ نَعیمٍ مَسئولٌ عَنهُ صاحِبُه، إلاّ ما کانَ فی غَزْوٍ أوْ حجٍّ. (۴)

پیامبر خـدا (ص) می فرمایـد: هر صاحب نعمتی از آن نعمت، سؤال خواهـد شد [که چگونه خرج کرده است] مگر آنچه در جهاد یا حج، مصرف

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۲۴.

۲- وسائل الشیعه. ، ج ۱۲، ص ۶۰.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۹.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

ص: ۲۳

شود. رسول الله (ص) :

ما مِن نَفَقَهٍ أحَبُّ إلی اللهِ عزَّوجَلَّ مِنْ نفَقهِ قَصْدٍ ویُبغِضُ الإسْراف إلّا فی الْحَجِّ وَالعُمره، فَرَحِمَ اللهُ مُؤمناً کَسَبَ طَیّباً وأنفقَ مِن قَصدٍ، أوقَدَّمَ فَضْلاً. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هیچ خرجی نزد خدای عزوجل، محبوب تر از میانه روی در خرج کردن نیست و خداوند از اسراف نفرت دارد؛ مگر در حج و عمره. پس رحمت خدا بر مؤمنی که مال پاکیزه به دست آورد و به میانه روی خرج کند، یا نیکی و احسان را پیش فرستد.

الامام الصادق (ع) :

کانَ عَلیُّ بنُ الْحسینِ (ع) إذا سافَرَ إلَی الحَجِّ والعُمرهِ تَزَوَّدَ مِنْ أطیَبِ الزّادِ، مِنَ اللَّوزِ والسُّکَّرِ والسَّویقِ المُحَمَّصِ والمُحَلّی. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه امام زین العابدین (ع) برای حج و عمره به سفر مکه می رفت، از بهترین ره توشه ها با خود برمی داشت؛ از بادام، شکر و قاووت های ترش و شیرین.

۷. خواندن دعا هنگام خروج

الامام الصادق (ع) :

إذا خَرَجْتَ مِن بَیتِکَ تُریدُ الحَجَّ وَالعُمرهَ إن شاءالله فَادعُ دُعاءَ الفَرَجِ وهو: لا إلهَ الّا اللهُ الحلیمُ الکریمُ، لااله الّاالله العَلیُّ العَظیمُ، سُبحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ ورَبِّ الأرَضینَ السَّبعِ وَ ربِّ الْعَرشِ العَظیمِ، وَالحَمدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه از خانه ات به قصد سفر حج و عمره بیرون

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۰.

۲- کافی، ج۸، ص ۳۰۳.

۳- کافی، ج۴، ص ۲۸۴.

ص: ۲۴

می روی، دعای فرج را بخوان که چنین است: هیـچ خـدایی جز خـدای بردبار بزرگوار نیست. هیـچ خدایی جز خدای والا و بزرگ نیست. منزه است خـدای آسـمان هـای هفتگـانه و زمین هـای هفتگـانه و پروردگـار عرش بزرگ! و سـتایش، مخصوص پروردگـار جهانیان است.

ص: ۲۵

فصل دوّم: اهمیت عمره وحج

اشاره

ص: ۲۶

ص: ۲۷

۱. فضیلت عمره

اشاره

رسول الله (ص) :

إنَّ العُمرَهَ الحَجُّ الأصْغَرُ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: عمره، حج اصغر است.

رسول الله (ص

) : الحَجَّهُ ثَوابُها الجَنَّهُ وَالعُمرَهُ كَفّارَهٌ لِكُلِّ ذَنبٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: پاداش حج بهشت است و عمره، کفاره هر گناهی است.

رسول الله (ص) :

العُمرَهُ إلَى العُمرَهِ كَفّارَهٌ لِما بَينَهُما. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: عمره تا عمره دیگر، کفاره [گناهانِ] میان آن دو عمره است.

رسول الله (ص) :

العُمرَهُ مِنَ الحَجِّ بِمَنزِلَهِ الرَّأسِ مِنَ الجَسَدِ وبِمَنزِلَهِ الزَّكاهِ مِنَ الصِّيامِ. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: عمره نسبت به حج، همچو جایگاه سر است به پیکر و همچو زکات [فطره] است به روزه.

۱- کنزالعمال، ج ۵، ص ۸۴۸.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۳.

۳- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۴.

۴- کنزالعمال، ج ۵، ص۱۱۴.

ص: ۲۸

الصادق (ع) :

السَّنَهُ اثناعَشَرَ شَهراً، يُعْتَمَرُ لِكُلِّ شَهرٍ عُمرَه ٌ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: سال دوازده ماه است، برای هر ماه یک عمره انجام می شود.

الف) عمره در ماه رجب

رسول الله (ص) :

أفضَلُ العُمرَهِ عُمرَهُ رَجَبٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: برترین عمره، عمره رجب است.

عنهم (ع) :

إنَّ العُمرَهَ فی رَجَبٍ تَلِی الحَجَّ فی الفَضلِ. (۳)

از امامان معصوم (ع) روایت شده: عمره ماه رجب، در فضیلت، پس از حج است.

الامام الصادق (ع) :

المُعتمِرُ يَعتَمِرُ فی أیِّ شُهورِ السَّنَهِ شاءَ وأفضلُ العُمرهِ عمرهُ رجبٍ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: عمره گزار، در هر یک از ماه های سال می تواند عمره انجام دهد و برترین عمره، عمره ماه رجب است.

الامام الصادق (ع) – انّه سُئِلَ: أیّ العُمرَهِ أفضَلُ، عُمرهٌ فی رَجَبٍ، أو عُمرهٌ فی شهرِ رمضانَ؟ -: لا بَل عُمرهٌ فی شهرِ رجبٍ أفضلُ. (۵)

امام صادق (ع) – هنگامی که پرسیده شد: کدام عمره، برتر است؟ عمره در ماه رجب یا عمره در ماه رمضان؟ – فرمود: نه، بلکه عمره در ماه رجب بافضیلت تر است.

۱– وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۲۴۵.

۲– بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۳۱.

۳– وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۴۱.

۴– کافی، ج۴، ص ۵۳۶.

۵– من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۳.

ص: ۲۹

الامام الصادق (ع) :

إذا أحرَمتَ وعليکَ مِن رَجَبٍ يَومٌ ولَيلةٌ فعُمرتُک رَجَبيَّهٌ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: اگر احرام بستی و از ماه رجب هنوز یک شبانه روز باقی است، عمره تو رجبیه است.

ب) عمره گزاردن در ماه مبارک رمضان

عَن حمّادِ بنِ عثُمانَ: کان أبو عَبدِاللهِ (ع) إذا أرادَ العُمرَهَ إنتَظَرَ إلی صَبيحَهِ ثَلاثٍ وعشرينَ مِنْ شَهرِ رَمضانَ ثُمَّ يخرُجُ مُهِّلاً فی ذلکَ اليومِ. (۲)

حماد بن عثمان می گوید: هرگاه امام صادق (ع) می خواست به عمره برود، منتظر صبح روز بیست وسوم ماه رمضان می شد، آن گاه همان روز، احرام بسته، بیرون می رفت.

عن وَليد بنِ صبيحٍ: قُلتُ لأبی عَبدِالله (ع) : بَلَغَنا أنَّ عُمرهً فی شَهرِ رمضانَ تَعْدِلُ حَجَّهً، فقالَ: إنَّما کان ذلکَ فی إمرأهٍ وَعَدَها رسولُ اللهِ (ص) فقال لها: إعْتَمِری فی شهرِ رمضانَ فَهِی لکِ حَجَّهٌ. (۳)

ولید بن صبیح می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: به ما چنین رسیده که عمره در ماه رمضان با حج برابر است، فرمود: «این، در مورد زنی است که پیامبر خدا به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان، عمره بگزار، که برای تو یک حج است.

عن علی بنِ حديدٍ: کَتبتُ إلی أبی جعفرٍ (ع) : أسأَلُهُ عَنِ الخُروجِ فی عُمرَهِ شهرِ رمضانَ أفضَلُ أو اُقيمُ حَتّی ينقَضِی الشَّهرُ واُتِمَّ صَومی؟ کَتبَ إلی

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۵۴.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۳۶.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۴۸.

ص: ۳۰

عُمرَهُ شهرِ رمضانَ أفضَلُ یرحَمُکَ الله. (۱)

علی بن حدیـد می گویـد: به امام جواد (ع) نوشـتم: برای عمره ماه رمضان بیرون شوم برتر است یا آنکه صبر کنم تا ماه تمام شود و همه روزه هایم را بگیرم؟ حضرت نوشتند: عمره ماه رمضان برتر است. خدای رحمتت کند.

۲. وجوب حج و شرایط آن

اشاره

الإمام علی (ع) :

فَرَضَ عَلیکُم حَجَّ بَیتِهِ الحرامِ الَّذی جَعلَه قِبلَهً لِلأنام. . . فَرَضَ حقَّهُ وأوجَبَ حَجَّهُ وکَتَبَ علیکم وِفادَتَهُ، فقال سبحانه: وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ

(۲) .

امـام علی (ع) فرمود: خداونـد حـج خـانه خویش را بر شـما واجب کرده است؛ خـانه ای که آن را قبله مردم قرار داده. . . حق آن را فریضه و حج آن را واجب کرده و زیارتش را بر شما نوشته [لازم دانسته] است. خداوند سبحان در قرآن می فرماید: «برای خداست، به عهده مردم، حج خانه خدا؛ هرکس که بتواند راهی بدان بیابد و هر که کفر ورزد، همانا خداوند از جهانیان بی نیاز است» .

الإمام الباقر (ع) :

بُنِی الإسلامُ عَلی خَمسهِ أشیاءَ: عَلَی الصَّلاه والزَّکاهِ والحَجِّ والصَّومِ والوِلایهِ. (۳)

امام باقر (ع) فرمود: اسلام بر پنج چیز استوار شده است: بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص۲۴۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳- کافی، ج ۴، ص ۶۲.

ص: ۳۱

عن عُمَرَ بنِ اُذَينَه قـال: سَألتُه عن قولِ الله عزّوجلّ: وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَهَ لِلَّهِ، قال: يعنى بتمامِهما أداءَهما واتِّقاءَ مايتَّقى المُحرِمُ فيهما. (۱)

عمر بن اذینه می گوید: از امام صادق (ع) درباره این سخن خداوند پرسیدم: حج و عمره را برای خدا تمام کنید، فرمود: مقصود از تمامیت این دو، انجام آنها و پرهیز از هر چیزی است که محرم در این دو، از آن پرهیز می کند.

الف) حکمت و فلسفه حج

الامام علی (ع) :

وفَرضَ عَليكُم حَجَّ بَيتِهِ الْحرامِ عَلامَهً لِتَواضُعِهم لِعَظَمَتِهِ وَإذعانِهم لِعِزَّتِه وَاخْتارَ مِنْ خَلقِه سُمَّاعاً أجابُوا إليه دَعوَته و صَدَّقوا كَلِمَتَهُ وَ وَقَفوا مَواقِفَ أنبيائه و تشَبَّهوا بمَلائِكَتِهِ المُطيفين بِعَرشِهِ. (۲)

امام علی (ع) فرمود: خدای سبحان، حج را نشانه تواضع مردم در پیشگاه عظمتش و [نشانه] پذیرش آنها نسبت به شکوهش قرار داده است و از بندگان خویش، شنوایانی را برگزیده که دعوت او را لبیک گفته و سخن او را پذیرفته اند و در جایگاه های پیام آوران او ایستاده اند و شبیه فرشتگانی شده اند که برگرد عرش خدا در طواف اند.

فاطمه (س) :

فَرضَ اللهُ الايمانَ تَطهيراً مِنَ الشِّركِ. . . والْحَجَّ تَسنِيهً لِلدّينِ. (۳)

حضرت فاطمه (س) فرمود: خداوند، ایمان را برای پاک شدن از شرک. . . و حج را به خاطر جلوه بخشی دین واجب کرده است.

عن أبانِ بنِ عثمانَ: عمَّن أخبَرَه عن الإمامِ الباقِرِ (ع) قالَ:

قُلتُ لَه: لِمَ سُمِّی

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۶۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱.

۳- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۲۴.

ص: ۳۲

الحَجُّ حَجّاً؟ قالَ: حجَّ فلانٌ: أی أفلحَ فلانٌ. (۱)

ابـان بن عثمـان می گویـد: با یک واسطه، از امام باقر (ع) پرسیدم: چرا به حـج، حـج گفته می شود؟ فرمود: فلانی حـج کرد، یعنی رستگار شد.

الإمام الباقر (ع) : فی قولِ الله عزّوجلّ: لِیَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ قال: الْعفوَ. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: منظور از منافع در آیه «تا شاهد منافعی برای خودشان باشند» ، عفو است.

الامام الصادق (ع) : . . .

وهذا بیتٌ اِستَعبدَ اللهُ بِهِ خَلقَه لِیَختَبِرَ طاعَتَهُم فی اتیانِهِ، فَحَثَّهُم علی تَعظیمِهِ و زیارَتِهِ وجَعَلَهُ مَحلَّ أنبیائِهِ وقبلَةً لِلمُصَلّینَ إلیه. . . . (۳)

امـام صـادق (ع) فرمود: این خانه ای است که خداونـد به وسـیله آن، بنـدگانش را به پرسـتش خود فراخوانـده است تا در انجام آن، میزان طـاعتش را بیازمایـد. ازایـن رو، بنـدگان را بـه بزرگ داشت و زیـارت آن تشویـق کرده و آن را جایگـاه پیـامبران و قبله گـاه نمازگزاران قرار داده است.

الإمام الصادق (ع) :

لایَزالُ الدّینُ قائماً ماقامتِ الْکَعبهُ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: «تا وقتی کعبه برپاست دین هم برپاست» .

ب) فضیلت حج

رسول الله (ص) :

الحَجُّ جِهادُ الضَّعیفِ. (۵)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج، جهاد هر ناتوان است.

۱- علل الشرایع، ص ۴۱۱.
۲- تفسیر طبری، ج ۱۰، ص ۱۴۷.
۳- کافی، ج ۴، ص ۱۹۷.
۴- کافی، ج۴، ص ۲۷۱.
۵- کافی، ج۴، ص ۲۵۹.

ص: ۳۳

رسول الله (ص) : لَحَجَّهٌ مَقبولَهٌ خیرٌ من عِشرینَ صلاهً نافِلَهً وَمَن طافَ بهذا البیتِ طَوافاً أحْصَی فیهِ اُسبوعَهُ وأحسَنَ رَکعَتَیهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: به حقیقت، یک حج پذیرفته بهتر از بیست نماز مستحب است و هرکس این خانه را طواف کند و هفت شوطش را بشمارد و دو رکعت آن را نیکو بجا آورد، خداوند او را می آمرزد.

رسول الله (ص) :

النَّفَقَهُ فی الحَجِّ کالنَّفَقَهِ فی سَبیل اللهِ بِسَبعمِائَهِ ضِعفٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: انفاق در حج، هفتصد برابرِ انفاق در راه خدا پاداش دارد.

الامام الصادق (ع) :

ما سَبیلٌ مِن سُبُلِ اللهِ أفضَلَ مِنَ الحَجِّ إلا رَجُلٌ یَخرُجُ بِسَیفِهِ فیُجاهِدُ فی سَبیلِ اللهِ حَتّی یُستَشهَدَ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هیچ راهی از راه های خدا، برتر از حج نیست، مگر آنکه کسی با شمشیر قیام کند و در راه خدا بجنگد تا به شهادت برسد.

ج) پاداش حج

رسول الله (ص

) : لیس لِلحَجَّهِ المَبرورَهِ ثوابٌ الّا الجَنَّهَ. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: پاداش حج نیکو، جز بهشت نیست.

رسول الله (ص) :

ما سَبَّحَ الحاجُّ مِن تَسبیحَهٍ ولا هَلَّلَ مِن تَهلیلهٍ ولا کَبَّرَ مِنْ تَکبیرهٍ إلّا بُشِّرَ بها تَبشیرهً. (۵)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج گزار، هیچ تسبیح و تکبیری نمی گوید، مگر آنکه

به سبب آن بشارتی به او داده می شود.

۱- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۳.

۲- کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۰.

۳- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۳.

۴- کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۱۳.

۵- کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۱۴.

ص: ۳۴

رسول الله (ص) :

الحاجُّ ثَلاثةٌ: فَأفضَلُهم نَصیباً رَجلٌ غُفِرَ لَهُ ذنبُه ماتَقدَّمَ مِنْه وما تأخَّرَ ووَقاهُ اللهُ عَذابَ الْقبرِ وَأمّا الَّذی یَلیهِ فرجلٌ غُفِرَ لَه ذَنبُه ماتَقَدَّمَ مِنه ویَستأنِفُ الْعَملَ فیما بَقِیَ مِن عُمرِه وأمَّا الَّذی یَلیهِ فرَجُلٌ حُفِظَ فی أهلِه ومالِه. (۱)

پیـامبر خـدا (ص) فرمود: حاجیـان سه گونه انـد و بیشترین بهره، از آنِ کسـی است که گناهان گذشـته و آینـده اش بخشوده شود و خداونـد، از عـذاب قبر نگاهش دارد. پس از او، کسـی است که گناهان گذشـته اش آمرزیـده شود و بایـد برای باقی مانده عمرش، عمل از سر گیرد. پس از او کسی است که تنها خانواده و مالش حفظ می شوند.

رسول الله (ص) :

عندَما نَظَرَ إلی قِطارِ جمالِ الحَجیجِ: لاتَرفَعُ خُفّاً الاّ کُتِبَتْ لَهُم حَسَنَهٌ، ولا تَضَعُ الاّ مُحِیَتْ عَنهم سَیّئهٌ وإذا قَضَوا مناسِکَهم قیلَ لهم: بَنَیتُم بِناءً فَلا تَهدِموهُ، کُفِیتُم مامضی فأحسِنوا فیما تَستقْبِلونَ. (۲)

پیامبر خدا (ص) هنگامی که به کاروان شترهای حاجیان نگاه کرد، فرمود: هیچ گامی برنمی دارند، مگر آنکه برایشان حسـنه نوشـته شود و هیـچ گامی نمی گذارنـد، مگر آنکه گناهی از آنها محو می شود و هرگاه اعمال حـج خود را به پایان برند، به آنها گفته می شود: بنایی ساختید، پس ویرانش نکنید. گناهان گذشته شما بخشوده شد، برای آینده کار نیک انجام دهید.

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۶۲.

۲- جعفریات، ص ۶۶.

ص: ۳۵

الامام الصادق (ع) :

إنَّ العَبدَ المؤمِنَ حینَ یَخرُجُ مِن بیتِهِ حاجّاً لایَخطُو خُطوَةً

ولا تَخْطُو بِهِ راحِلَتُهُ إلاّ کَتَبَ اللهُ لَهُ بها حَسَنَةً ومَحا عنه سَیئَةً وَرَفَعَ لَهُ بِها دَرَجَةً. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: بنده مؤمن وقتی به قصد حج از خانه اش بیرون می آید، خود و مرکبش گامی برنمی دارند، مگر اینکه خداوند حسنه ای برای او می نویسد و گناهی را از او محو می کند و درجه ای برایش می افزاید.

الامام الصادق (ع) :

الحُجّاجُ یَصدُرونَ علی ثلاثَةِ أصنافٍ: صِنفٌ یُعتَقُ مِنَ النّار وصِنفٌ یَخرُجُ مِنْ ذنوبِهِ کَهَیئهِ یومٍ وَلَدتهُ اُمُّهُ وصِنفٌ یُحفَظُ فی أهلِهِ ومالِهِ، فذاکَ أدنی مایرجِعُ بِهِ الحاجُّ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: حاجیان سه گونه از حج بازمی گردند: یک گروه از آتش نجات می یابند؛ گروهی از گناهانشان پاک می شوند، مانند روزی که از مادر زاده شده اند و گروهی هم تنها خانواده و مالشان حفظ می شود. این کمترین چیزی است که حج گزار، آن را با خود می آورد.

د) هزینه در راه حج

رسول الله (ص) :

النَّفَقَهُ فِی الحَجِّ کَالنَّفَقَهِ فی سَبیلِ اللهِ سَبعمِائَهِ ضِعفٍ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: انفاق در حج، هفتصد برابر انفاق در راه خدا پاداش دارد.

الإمام علی (ع) : - فی حَدیثِ الأربَعمِائَه: . . . دِرهَمٌ ینفِقُه الرَّجُلُ فی الحَجِّ

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۱۵.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۳.

۳- الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۱۸۱.

ص: ۳۶

یعدِلُ ألفَ دِرهَمٍ. (۱)

امام علی (ع) - در حدیث چهارصد موعظه - فرمود: یک درهم که کسی در راه حج خرج کند، برابر با هزار درهم است.

الإمام الصادق (ع) :

دِرهَمٌ فی الحَجِّ أفضَلُ مِن ألفَی ألفٍ فیما سِوی ذلِکَ مِن سَبیلِ اللهِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: یک درهم در حج، برتر از دو میلیون درهم در غیر آن است که در راه خدا داده شود.

الإمام الصادق (ع) :

دِرهَمٌ تُنفِقُهُ فی الحجِّ أفضلُ مِن عشرینَ ألفَ درهمٍ تُنفِقُها فی حقٍّ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: یک درهم که در راه حج خرج می کنی، برتر از بیست هزار درهم است که در راه حق انفاق می کنی.

الإمام الصادق (ع) :

مَن أنفَقَ درهماً فی الحجِّ کان خیراً له من مائهِ ألفِ درهمٍ یُنفِقُها فی حقٍّ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که در راه حج یک درهم خرج کند، برای او بهتر از صد هزار درهم است که در راه حق انفاق کند.

۵) قرض برای حج

جاءَنی سدیرُ الصَّیرَفی فَقالَ: إنَّ أبا عبدالله یقرَأُ عَلَیکَ السَّلامَ ویقولُ لَکَ: مالَکَ لاتَحُجُّ؟! اِستَقرِض و حُجَّ. (۵)

۱- تحف العقول، ص ۱۱۷.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲.

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

۵- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵.

ص: ۳۷

[عقبه می گوید]: سدیر صیرفی، نزد من آمد و گفت: امام صادق (ع) به تو سلام می رساند و به تو می فرماید: چرا حج نمی روی؟ ! قرض کن و به حج برو.

عن معاویهَ بنِ وَهَبٍ عَن غیرِ واحدٍ: قُلتُ لأبی عبدالله (ع) : إنّی رجلٌ ذو دَینٍ، أفَأتدینُ وأحُجُّ؟ فقال: نَعَم، هُو أقْضَی لِلدِّین. (۱)

از معاویه بن وهب با سندهای متعدد: به امام صادق (ع) گفتم: من مردی بدهکارم. آیا وام بگیرم و به حج بروم؟ ! فرمود: آری! حج، بهتر قرض را ادا می کند.

و) دشواری حج

عن عبدالله بن یحیی الکاهلِی: سَمِعتُ أبا عبدالله یقولُ ویذکُرُ الحَجَّ، فَقالَ: قالَ رَسولُ الله: هُوَ أحدُ الجِهادَینِ وَما مِنْ مَلِک ولا سُوقَهٍ یصِلُ إلَی الحَجِّ إلاَّ بِمَشَقَّهٍ؛ فی تَغییرِ مَطعَمٍ أو مَشرَبٍ أو ریحٍ أو شَمسٍ لایستَطیعُ رَدَّها وذلِکَ قَولُهُ وَ تَحْمِلُ أَثْقالَکُمْ إِلی بَلَدٍ لَمْ تَکُونُوا بالِغِیهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ. (۲)

عبدالله بن یحیی کاهلی می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که از حج یاد می کرد و فرمود: پیامبر خدا (ص) فرمود: حج، یکی از دو جهاد است. نه شاه و نه رعیت، جز با رنج و زحمت به حج نمی توانند رسید؛ جایگاه غذا و آبخوری و نیز آب و هوا تغییر می کند و کسی را یارای جلوگیری از آن نیست و این است سخن خداوند که: «بارهایتان را به شهری

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۳۶.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۳.

ص: ۳۸

می برند که جز با رنجوری جان ها، توان رسیدن به آن را ندارید. به قطع پروردگارتان، دلسوز و مهربان است» .

ز) پاداش کسی که در احرام بمیرد

عن ابن عباس: انّ رجلاً أوْقَصَتْهُ راحِلَتُه وهو مُحرِمٌ، فماتَ، فقالَ رَسولُ الله (ص) : إغْسِلوهُ بماءٍ وسِدرٍ وكَفِّنوهُ فى ثوبَيهِ ولا تُخَمِّروا رأسَه ولاوَجْهَهُ، فإنّه يبعَثُ يومَ القيامهِ مُلَبِّياً. (۱)

ابن عباس می گوید: مرکب مرد مُحرمی او را به زمین زد و [در اثر شکستن گردن،] مُرد. پیامبر خدا (ص) فرمود: او را با آب و سدر غسل دهید و در همان لباس احرامش کفن کنید و سر و صورتش را نپوشانید. همانا او روز قیامت لبیک گویان برانگیخته می شود.

رسول الله (ص) :

مَن ماتَ مُحرِماً حُشِرَ مُلَبِّياً. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس در حال احرام بمیرد، لبیک گو برانگیخته می شود.

رسول الله (ص) : مَن ماتَ فى هذا الوَجهِ مِن حاجٍّ أو مُعتَمِرٍ لم يعرَض و لم يحاسَب وقيلَ لَهُ: اُدخُلِ الجَنَّهَ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که در این مسیر [راه کعبه] بمیرد، به حج آمده باشد یا به عمره، او را برای حساب به محشر نمی آورند و به او گفته می شود: وارد بهشت شو.

الإمام الصادق (ع) :

مَن ماتَ فى طريقِ مكّهَ، ذاهِباً أو جائياً، أمِنَ مِنَ الفَزَعِ

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۷۲.

۲- تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۳۸.

۳- سنن الدار قطنی، ج ۲، ص ۲۹۸.

الأکبرِ یومَ القیامَهِ. (۱)حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۷۲.

(۲)حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۷۲.

(۳)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که در مسیر مکه بمیرد، چه در رفتن و چه در بازگشت، از هول عظیم روز قیامت ایمن خواهد بود.

الإمام الصادق (ع) :

الحجُّ والعُمرَهُ سُوقانِ مِن أسواقِ الآخِرَهِ والعامِلُ بِهما فی جِوارِ الله، إنْ أدْرکَ مایأمُلُ غَفَرَ اللهُ لَهُ وانْ قَصُرَ بِهِ أجلُهُ وَقَعَ أجرُهُ عَلَی اللهِ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: حج و عمره، دو بازار از بازارهای آخرتند و گذارنده آنها در پناه خداست. اگر به آنچه می خواهد برسد، خدا او را می آمرزد و اگر پیش از آن اجلش در رسد، پاداشش برعهده خداست.

ح) آثار حج

یک – خیر دنیا و آخرت

رسول الله (ص) :

مَن أرادَ الدُّنیا والآخِرَهَ فَلیَؤمَّ هذَا البَیتَ، فَما أتاهُ عَبدٌ یَسأَلُ اللهَ دُنیا إلاّ أعطاهُ اللهُ مِنها ولایَسألُهُ آخِرَهً إلاَّ ادَّخَرَ لَهُ مِنها. (۵)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس دنیا و آخرت می خواهد، آهنگ این خانه کند که بنده ای بدان روی نیاورده و از خدا دنیا را نخواسته مگر آنکه خداوند از آن، به او داده است و آخرت را از او نخواسته، جز آنکه از آن برایش اندوخته است.

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص

۲- ۷

۳- .

۴- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۷۲.

۵- کافی، ج ۴، ص ۲۵۲.

ص: ۴۰

دو – طهارت

رسول الله (ص) :

حُجُّوا، فانَّ الْحَجَّ يَغْسِلُ الذُّنوبَ كما يَغْسِلُ الماءَ الدَّرَنَ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: به حج خانه خدا بروید؛ زیرا حج گناهان را می شوید؛ همچنان که آب، چرک را.

رسول الله (ص) :

تابِعُوا بَينَ الحَجِّ والعُمرهِ، فإنَّهما يَنفيانِ الْفَقرَ والذُّنوبَ كَما يَنفى الكِيرُ خَبَثَ الحَديدِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: پیوسته حج و عمره گزارید؛ چراکه این دو، فقر و گناهان را از بین می برد؛ آن گونه که کوره آهنگری، زنگارِ آهن را می بَرَد.

رسول الله (ص) :

مَن حَجَّ لِلهِ، فَلَمْ يَرفَثْ و لَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كيومٍ وَلَدتهُ أمُّهُ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که حج گزارد و [در حال احرام]، آمیزش و گناه نکند، گناهان گذشته اش بخشوده می شود.

رسول الله (ص) :

مَن خَرَجَ حاجّاً يُريدُ وجهَ اللهِ فقد غَفَرَ الله لَهُ ماتَقَدَّمَ مِن ذَنْبِه وما تأخَّرَ وشُفِّعَ فيمَن دَعا لَهُ. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که به قصد حج به راه افتد و جز خدا نیتی نداشته باشد، به یقین خداوند عزوجل گناهان گذشته و آینده اش را می بخشاید و شفاعت او را درباره کسی که دعایش کند، می پذیرد.

۱- کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۰.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۳- حلیه الاولیاء، ج ۷، ص ۱۴۳.

۴- حلیه الاولیاء، ج ۷، ص۲۳۵.

ص: ۴۱

رسول الله (ص) :

اللّهمَّ اغفِر لِلْحاجِّ ولِمَنِ اسْتَغفَرَ لَهُ الحاجُّ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: خدایا! حج گزار و کسی را که حج گزار برای او آمرزش می طلبد، بیامرز.

سه – ثروت و سلامتی

رسول الله (ص) :

حُجُّوا لَن تَفتَقِروا (۲).

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج کنید که هرگز نیازمند نمی شوید.

رسول الله (ص

) : الحَجُّ والعُمرَهُ یَنفیانِ الفَقرَ، کما یَنفِی الکِیرُ خَبَثَ الحَدید. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج و عمره فقر را می زدایند؛ همان گونه که کوره آهنگری، زنگار آهن را می زداید.

رسول الله (ص) :

حُجُّوا تَستَغنَوا. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج کنید که بی نیاز می شوید.

الامام زین العابدین (ع) :

حُجُّوا وَاعتَمِروا تَصِحَّ أبدانُکُم وتَتَّسِعَ أرزاقُکُم وتُکفَونَ مَؤوناتِ عِیالِکُم. (۵)

امام زین العابدین (ع) فرمود: حج و عمره بروید تا تندرست شوید و روزی های تان وسعت یابد و مخارج خانواده شما تأمین شود.

عن إسحاق بن عمّار: قُلتُ لأبی عبدالله: إنّی قدوَطَّنتُ نفسی علی لُزومِ الحَجِّ کُلَّ عامٍ بِنَفسی، أو بِرَجُلٍ مِن أهلِ بَیتی بِمالی. فقالَ:

۱- حلیه الاولیاء، ج ۷، ص ۲۳۵.

۲- الجعفریات، ص ۶۵.

۳- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۸۲.

۴- المحاسن، ج ۲، ص ۷۹.

۵- کافی، ج ۴، ص ۲۵۲.

ص: ۴۲

و قَد عَزَمتَ عَلی ذلکَ؟ قُلتُ نعم، قالَ:

إن فَعَلتَ ذلکَ فَأبشر بِکَثرهِ الْمالِ. (۱)

اسحاق بن عمار می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: من خود را آماده کرده ام که هر سال، خود یا کسی از خانواده ام با مال من به حج برود. فرمود: آیا بر این کار مصمم هستی؟ گفتم: آری! فرمود: اگر چنین کنی، مژده باد که مالت زیاد خواهد شد.

چهار – نور

الامام الصادق (ع) :

الحاجُّ لایَزالُ عَلیه نورُ الحَجِّ ما لَم یُلِمَّ بِذَنبٍ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: حج گزار تا خود را به گناهی نیالوده، نورانیت حج با اوست.

الإمام الصادق (ع) :

ضَمانُ الحاجِّ المؤمِنِ عَلَی اللهِ، إن ماتَ فی سَفَرِهِ أدخَلَهُ الجَنَّهَ وإن رَدَّهُ إلی أهلِهِ لَم یُکتَب عَلَیهِ ذَنبٌ بَعدَ وُصولِهِ إلی أهلِهِ إلی مُنتَهی سَبعینَ لَیلَهً. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: ضمانت حج گزار با ایمان، بر خداست. اگر در سفرش بمیرد، او را وارد بهشت می کند و اگر او را به خانواده اش بازگرداند، پس از رسیدن به خانواده تا سپری شدن هفتاد شب، گناهی برای او نوشته نمی شود.

پنج – میهمان خدا

الإمام الصادق (ع) :

إنَّ ضَیفَ اللهِ عزَّوجلَّ رَجُلٌ حَجَّ واعتَمَرَ، فَهُوَ ضَیفُ

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۵۲.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۲.

۳- دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۹۴.

ص: ۴۳

اللهِ حَتّی یَرجِعَ إلی مَنزِلِهِ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: میهمان خداوند کسی است که به حج و عمره برود؛ تا او به خانه اش برگردد میهمان خداست.

الإمام الصادق (ع) - بِعَرَفَهَ -: اللّهُمَّ. . . أنا ضَیفُکَ فَاجعَل قِرای اللَّیلَهَ، الجَنَّهَ. (۲)

امام صادق (ع) - در عرفات - فرمود: خدایا! من میهمان توام، پس بهره ام را در این شب، بهشت قرار بده.

الإمام الصادق (ع) : - عِندَما سَأَلَهُ سائلٌ: لِمَ کُرِهَ الصِّیامُ فی أیامِ التَّشریقِ؟ - لأنّ القومَ زُوّارُ اللهِ وَهُم أضْیافُه وفی ضِیافَتِهِ ولا ینبَغی لِلضَّیفِ أنْ یصُومَ عِندَ مَن زارَهُ وأضافَهُ. (۳)

امام صادق (ع) در پاسخ کسی که از ایشان پرسید: چرا روزه در ایام تشریق مکروه است؟ فرمود: زیرا این گروه، زائران خدا و در میهمانی اویند و سزاوار نیست که میهمان نزد کسی که به زیارتش رفته و او را میهمان کرده است، روزه بگیرد.

شش - حاجی در پناه خداوند

رسول الله (ص) :

الحاجُّ فی ضَمانِ اللهِ عزّوجلّ مُقبلاً ومُدبراً، فإنْ أصابَهُ فی سَفرِهِ تَعَبٌ أوْ نَصَبٌ غُفِرَ له بذلک سیِّئاتُه وکانَ لَهُ بِکُلِّ قَدَمٍ یَرفَعُه ألفُ درجهٍ فی الجنّهِ وبکلِّ قَطرَهٍ تُصیبُهُ مِن مَطَرٍ أجرُ شهیدٍ. (۴)

۱- الخصال، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲- اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۴.

۴- کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۴.

ص: ۴۴

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج گزار چه در رفتن و چه در بازگشتن، در ضمانت خداست. پس اگر در سفرش به او رنج یا خستگی برسد به خاطر آن، گناهانش آمرزیده می شود و در برابر هر گامی که برمی دارد، هزار درجه در بهشت بالا می رود و مقابل هر قطره بارانی که به او ببارد، پاداش یک شهید دارد.

الإمام الصادق (ع) :

الحَجُّ والعُمرَهُ سوقان مِن أسواقِ الآخرَهِ، اللاّزِمُ لَهُما فی ضَمانِ اللهِ إن أبقاهُ أدّاهُ إلی عِیالِهِ وإن أماتَهُ أدخَلَهُ الجَنَّهَ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: حج و عمره، دو بازار از بازارهای آخرتند؛ کسی که پیوسته به حج و عمره می رود، در ضمانت خداست. اگر او را باقی بدارد، به خانواده اش می رساند و اگر او را بمیراند، وارد بهشتش می کند.

الامام الصادق (ع) :

الحاجُّ والمُعتَمِرُ فی ضَمانِ اللهِ، فإنْ ماتَ متوَجِّهاً غَفَرَ اللهُ لَهُ ذنوبَه وإنْ ماتَ مُحرِماً بَعَثَهُ اللهُ مُلبّیاً وإنْ ماتَ بأحَدِ الحرمَیْنِ بَعثه اللهُ مِنَ الآمِنینَ وإنْ ماتَ مُنصَرِفاً غَفَرَ اللهُ لَهُ جَمیعَ ذُنوبِهِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: حج گزار و عمره گزار، در ضمانت خدایند. اگر در راه رفتن به حج بمیرد، خداوند گناهانش را می آمرزد و اگر در حال احرام بمیرد، خداوند او را لبیک گوی برمی انگیزاند و اگر در یکی از دو حرم [خانه خدا و حرم پیامبر (ص)] بمیرد، خداوند او را در زمره ایمن شدگان [از عذاب] محشور می کند و اگر در بازگشت بمیرد، خداوند همه گناهانش را می آمرزد.

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۶.

ص: ۴۵

ط) پیآمد ترک حج

یک – هلاکت

قال رسول الله (ص

) : لَوتَرَکَ النّاسُ الحَجَّ عاماً واحِداً مانوظِروا. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: اگر یک سال همه مردم، حج رفتن را ترک کنند، به آنها مهلت داده نخواهد شد [و کیفر می شوند].

قال رسول الله (ص) :

إذا تَرَکَتْ اُمَّتی هذَا البَیتَ أن تَؤُمَّهُ لَم تُناظَر. (۲)

هرگاه امتم، قصد آمدن به زیارت خانه خدا را ترک کنند، به آنان مهلت داده نخواهد شد.

الإمام الباقر (ع) :

کانَ فی وَصیَّهِ أمیرالْمؤمنینَ لاتَترُکوا حَجَّ بَیتِ رَبِّکُم فَتَهلِکوا. (۳)

امام باقر (ع) فرمود: در وصیت امیرمؤمنان (ع) چنین آمده بود: حج خانه پروردگارتان را ترک نکنید که هلاک خواهید شد.

الإمام الصادق (ع) :

لیس فی تَرکِ الحَجِّ خَیرَهٌ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: در ترک حج، هیچ خیری نیست.

الإمام الصادق (ع) :

إنَّ اللهَ لَیدفَعُ بِمَن یَحُجُّ مِن شیعَتِنا عَمَّن لایحُجُّ ولَو أجمَعوا عَلی تَرکِ الحَجِّ لَهَلَکوا. (۵)

امام صادق (ع) فرمود: همانا خداوند به سبب شیعیانی از ما که حج

۱- جامع الأحادیث قمی، ص ۱۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۲.

۳- ثواب الاعمال، ص ۲۸۱.

۴- کافی، ج ۴، ص ۲۷۰.

۵- کافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

ص: ۴۶

می گزارند، [عذاب را] از آنها که حج نمی کنند، دفع می کند. اگر همه بر ترک حج همدستی کنند، هلاک می شوند.

دو – کفر

رسول الله (ص)

فی وَصیَّتِهِ لِعَلیٍ ّ: یا عَلِیُّ، کَفَرَ بِاللهِ العَظیمِ مِن هذِهِ الامَّهِ عَشَرَهٌ: . . . و مَن وَجَدَ سَعَهً فَماتَ و لم یَحُجَّ. (۱)

پیامبر خدا (ص) در وصیتش به علی (ع) فرمود: ای علی! از این امت ده گروه به خداوند، کافر شده اند: . . . و کسانی که توانگرند و بی آنکه به حج رفته باشند، از دنیا می روند.

رسول الله (ص) :

مَن مَلَکَ زاداً وراحلَهً تُبَلِّغُهُ إلی بَیتِ اللهِ ولَم یَحُجَّ فَلا علیه أن یَموتَ یَهودیّاً أو نَصرانیّاً وذلکَ أنَّ اللهَ یَقولُ فی کِتابِهِ: (وَ لِلَّهِ عَلَی النَّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس ره توشه و مرکبی داشته باشد که او را به خانه خدا برساند، ولی حج نرود، فرقی نیست که یهودی بمیرد یا نصرانی (مسلمان نمی میرد) . این، بدان جهت است که خداوند در قرآن می فرماید: «برای خدا برعهده مردم است که هرکس می تواند، حج خانه خدا کند» .

رسول الله (ص) :

مَن لم یمنَعهُ عَنِ الحَجِّ حاجَهٌ ظاهرهٌ أو سُلطانٌ جائرٌ أو مَرَضٌ حابسٌ، فَماتَ ولَم یَحُجَّ فَلیَمُتْ إن شاءَ یَهودیّاً وإن شاءَ نَصرانِیاً. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که حاجتی آشکار یا حاکمی ستمگر یا بیماری بازدارنده ای او را از حج باز ندارد، ولی بی آنکه حج انجام دهد از دنیا برود، می خواهد یهودی بمیرد یا نصرانی!

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۶۰.

۲- کنزالعمال، ج ۵، ص ۲۲.

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۶۸.

ص: ۴۷

سه – ترک دستور اسلام

الإمام الصادق (ع) :

إذا قَدَرَ الرَّجُلُ عَلی ما یحُجُّ بِهِ ثُمَّ دَفَعَ ذلکَ عَنهُ ولیسَ لَهُ شُغلٌ یَعذِرُهُ بِهِ، فَقد تَرَک شریعَهً مِن شرائِعِ الإسلامِ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: هرکس توان حج رفتن داشته باشد، ولی نرود، بی آنکه کاری داشته باشد که عذر او به حساب آید، به یقین دستوری از دستورهای اسلام را ترک کرده است.

الامام الصادق (ع) :

أنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ یُسَوِّفُ الحَجَّ لایمنَعُهُ مِنهُ إلا تجارَهٌ تشغَلُهُ أو دَینٌ لَهُ، فقال: لاعُذرَ لَهُ، لَیسَ یَنبَغی لَهُ أن یُسَوِّفَ الحَجَّ، فَإن ماتَ فقد تَرَکَ شریعَهً مِن شَرائعِ الإسلامِ. (۲)

امام صادق (ع) – آن گاه که از ایشان درباره مردی پرسیدند که حج رفتن را به تأخیر می اندازد و جز تجارتی که او را مشغول ساخته، یا قرضی که دارد، چیزی مانع رفتن او نیست – فرمود: بهانه اش را نمی پذیرم؛ سزاوار نیست که حج را تأخیر بیندازد [و امروز و فردا کند]. پس اگر بمیرد، قطعاً یکی از دستورهای اسلام را ترک کرده است.

الإمام الکاظم (ع) : فی قولِهِ تعالی: هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَ-رِینَ أَعْمالاً إنَّهُمُ الّذینَ یتمادَونَ بِحَجِّ الإسلامِ ویسَوِّفونَهُ. (۳)

امام کاظم (ع) در تفسیر آیه «آیا به شما خبر دهیم که زیان کارترین افراد، چه کسانی هستند؟» فرمود: آنها کسانی اند که حج واجب را به تأخیر می اندازند و امروز و فردا می کنند [تا از دست برود].

۱- تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸.

۲- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳- عوالی اللئالی، ج۲، ص ۸۶.

ص: ۴۸

ی) حج گزاری پیامبران

. . . سُئِلَ أبو جَعفرٍ عن البَیتِ: أکـانَ یحَـجُّ إلیهِ قَبـلَ أن یبعَثَ النَّبِی؟ قالَ: نَعَم، لایعلَمون أنَّ النّاسَ قـدکانوا یحُجّونَ ونُخبِرُکُم أنَّ آدَمَ ونوحاً وسلیمانَ قدحَجُّوا البَیتَ بالجِنِّ والإنسِ والطَّیرِ وَلَقَد حَجَّهُ موسی عَلی جَمَلٍ أحمَرَ. (۱)

از امام باقر (ع) سؤال شـد: آیا پیش از بعثت پیامبر (ص) ، خانه خـدا زیارت می شـد؟ فرمود: آری! نمی دانند که مردم، پیش تر هم حج می گزاردند و ما به شـما خبر می دهیم که آدم، نوح و سـلیمان، با جن و انس و پرندگان، حج خانه خدا کرده اند. موسی سوار بر شتری سرخ مو حج گزارد، [در حالی که می گفت: لبیک، لبیک!].

الامام الباقر (ع) : إنَّ سلیمانَ بنَ داوودَ (ع) حَجَّ البَیتَ فی الجنِّ والإنسِ والطَّیرِ والرّیاحِ وَکَسَا البَیتَ القُباطِی. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: سلیمان بن داوود (ع) همراه جن و انس و پرندگان و بادها، خانه خدا را حج کرد و بر کعبه، قباطی (۳)پوشاند.

الإمام الصادق (ع) :

لمَّا أفاضَ آدمُ مِن مِنا تَلَقَّتْهُ الملائکهُ، فقالوا: یا آدمُ، بُرَّ حّجُّکَ، أما إنَّهُ قَد حَجَجْنا هَذا الْبیتَ قبلَ أنْ تَحُجَّهُ بِألفَی عامٍ. (۴)

امـام صـادق (ع) فرمود: چون آدم (ع) از منا کوچ کرد، فرشـتگانی به اسـتقبال او آمدنـد و گفتنـد: ای آدم! حجّت قبول! ما دو هزار سال پیش از حج تو، این خانه را زیارت کرده ایم [حج گزارده ایم].

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۴۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۷۵.

۳- نوعی پارچه سفید و نازک مصری.

۴- کافی، ج ۴، ص ۱۹۴.

ص: ۴۹

فصل سوم: مناسک حج وعمره

اشاره

ص: ۵۰

ص: ۵۱

اعمال و مناسک این سفر معنوی از دو بخش عمره و حج تشکیل شده است. به دلیل همسان بودن بعضی اعمال و مناسک در حج و عمره این موارد فقط یکبار مطرح می شود مانند طواف، نماز طواف و سعی بین صفا و مروه که هم در حج مطرح است و هم در عمره.

۱. احرام و حکمت آن

اشاره

الامام الباقر (ع) :

عِندَما سُئِلَ: هَل یدخُلُ الرَّجُلُ مَکَّهَ بغیرِ إحرامٍ؟ لا، إلاّ مَریضٌ أو مَن بِهِ بَطَنٌ. (۱)

امام باقر (ع) هنگامی که از ایشان پرسیده شد: آیا کسی می تواند بدون احرام وارد مکه شود؟ فرمود: نه، مگر بیمار یا کسی که دل درد [ناراحتی در شکمش] دارد.

الامام الصادق (ع) :

حَرَّمَ الله المَسجِدَ لِعِلَّهِ الکَعبهِ وحَرَّمَ الحَرَمَ لِعِلَّهِ المَسجِدِ وَوَجَبَ الإحرامُ لِعِلَّهِ الحَرَمِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: خداوند مسجدالحرام را به خاطر کعبه، حرام قرار داد و حرم را به خاطر مسجدالحرام، حرام و احرام به خاطر حرم، واجب شد.

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۶۶.

ص: ۵۲

الامام الكاظم (ع) :

مَن كانَ مِن مَكَّةَ على مَسيرَةِ عَشَرَةِ أميالٍ لم يَدْخُلها إلاّ بِإحْرامٍ. (۱)

امام کاظم (ع) فرمود: هرکس از مکه به اندازه ده میل فاصله دارد، جز با احرام، وارد آن نشود.

الامام الرضا (ع) : فَإن قيلَ: فَلِمَ اُمِروا بِالإحرام؟

قيلَ لأن يَخشَعوا قَبلَ دُخولِهِم حَرَمَ الله وأمنَهُ ولِئلاّ يَلهُوا وَيَشتَغِلوا بِشَىءٍ مِن اُمورِ الدُّنيا ولَذّاتِها وَيَكونوا صَابرينَ فيما هُم فيهِ قاصِدينَ نَحوَهُ مُقبلينَ عَلَيهِ بكُلِّيتهِم. (۲)

امام رضا (ع) فرمود: همانا مردم، مأمور شده اند که احرام ببندند، تا پیش از ورود به حرم امن خداوند خشوع پیدا کنند و به چیزی از کارهای دنیا و زینت ها و لذّت های آن، سرگرم و مشغول نباشند و در راه آنچه به سوی آن آمده اند، شکیبا باشند و با همه وجودشان رو به خانه خدا آورند.

الف) محل احرام

عَنْ ابنِ عبّاس: إنّ النّبى وَقَّتَ لأهْلِ المَدينَهِ ذَاالحُلَيفَهِ ولأهْلِ الشّامِ الجُحْفَهَ ولأهْلِ نَجْدٍ قَرنَ المَنازِلِ ولأهْلِ اليمَنِ يلَمْلَمَ. هُنَّ لَهُنَّ ولِمَن أتى عَلَيهِنَّ مِنْ غَيرِهِنَّ مِمَّنْ أرادَ الْحَجَّ والعُمرَهَ وَمَنْ كانَ دُونَ ذلكَ فَمِنْ حَيثُ أنْشَأ حتّى أهلُ مكَّهَ مِن مَكَّهَ. (۳)

ابن عباس می گوید: پیامبر خدا (ص) برای اهل مدینه، «ذو الحُلَيفه» و برای

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۶۸.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۰۴.

۳- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۵۴.

ص: ۵۳

شامیان، «جُحفه» و برای اهل نجد، «قرن المنازل» و برای اهل یمن،

«یلملم» را میقات قرار داد. این میقات ها برای آنها و کسانی هستند که بر این مکان ها وارد می شوند و هر کس که از اینها به مکه نزدیک تر باشد، از هر جا که حرکت کند، [همان جا میقات او خواهد بود] حتی اهل مکه [میقات آنها] از مکه است.

الإمام الصادق (ع) : الإحرامُ مِن مَواقیتَ خَمْسَهٍ وَقَّتَها رَسولُ اللهِ (ص) لاینبَغی لِحاجٍّ ولا لِمُعتَمِرٍ أنْ یُحرِمَ قَبلَها ولا بَعدَها. . . ولا ینبَغی لأحَدٍ أنْ یرغَبَ عَنْ مَواقیتِ رَسولِ اللهِ (ص) . (۱)

امام صادق (ع) فرمود: احرام از میقات های پنج گانه است که پیامبر خدا (ص) تعیین کرده است. سزاوار نیست که حج گزار و عمره گزار پیش از آنها یا پس از آنها احرام ببندد. . . و سزاوار نیست کسی از میقات های پیامبر خدا (ص) روی گرداند.

ب) غسل احرام

الامام الصّادقِ (ع) :

إذَا انتَهَیتَ إلی العَقیقِ مِن قِبَلِ العِراقِ. . . وَأنتَ تُریدُ الإحرامَ إن شاءَاللهُ فَانْتُفِ إبطَیکَ. . . ثُمَّ استَکْ وَاغْتَسِلْ. . . . (۲)

امام صادق (ع) فرمود: وقتی از سوی عراق به «عقیق» یا به یکی از میقات ها رسیدی و به خواست خداوند خواستی احرام ببندی، موهای زیر بغلت را بزدای. . . سپس مسواک بزن و غسل کن.

الامام الصادق (ع) :

إنَّ الغُسْلَ فی أرْبَعَهَ عَشَرَ مَوْطِناً: غُسْلُ المَیِّتِ وغُسلُ الجُنُبِ، . . . والعِیدینِ ویَومِ عرفهَ وغُسلِ الإحرامِ وَدخولِ الکَعبهِ وَدخولِ

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۱۹.

۲- کافی، ج ۴، ص ۳۲۶.

ص: ۵۴

المَدینهِ وَدخولِ الحرمِ، والزِّیارهِ و. . . . (۱)

امام صادق (ع) فرمود: غسل در چهارده جا ثابت شـده است: غسل میت، غسل جنب، غسل مس میت، غسل جمعه، غسل عیـد فطر و عیـد قربان، غسل روز عید عرفه، غسل احرام و غسل هنگام دخول در خانه کعبه و غسل هنگام دخول در مدینه و غسل هنگام دخول در حرم مکه و غسل زیارت و. . . .

ج) لباس احرام

الامام الصّادقُ (ع

) : . . . وأنتَ تُریدُ الإحرامَ. . . وَاغْتَسِلْ وَألْبِسْ ثَوبَیک، وَلْیکُنْ فِراغُک مِنْ ذلک إن شاءَاللّهُ عندَ زوالِ الشَّمسِ. (۲)

امـام صـادق (ع) فرمود: هنگـامی که خواستی احرام ببنـدی. . . غسـل کن و دو جـامه احرام را بپوش و چنان کن که فارغ شـدنت از اینها، هنگام ظهر باشد.

عَنْ بَعضِهِم (ع) قال:

أحْرمَ رَسولُ الله (ص) فی ثَوبَی کُرْسُفٍ. (۳)

یکی از ائمه (ع) فرمود: پیغمبر اکرم (ص) در دو لباس پنبه ای محرم شد. [یعنی سفید].

عَن الحُسَـینِ بنِ المُختار قال: قُلْتُ لأبی عَبـدِالله (ع) . یحرِمُ الرَّجُلُ بالثَوبِ الأسوَدِ؟ قالَ: لا یحرِمُ فی الثّوبِ الأسْوَدِ ولا یکَفَّنُ بِهِ المَیتُ. (۴)

از امام صادق (ع) پرسیده شد: آیا می شود در لباس سیاه احرام بست؟

۱- الخصال، ج ۲، ص ۲۷۱.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۵۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶.

ص: ۵۵

حضرت فرمود: با لباس سیاه احرام نبندند و میت با لباس سیاه کفن نمی شود.

الامام الرّضا (ع) :

إذا بَلَغْتَ المِيقات فَاغْتَسِلْ أو تَوَضَّأ وَألبِسْ ثيابَک. . . . (۱)

امام رضا (ع) فرمود: هنگامی که به میقات رسیدی غسل کن یا وضو بگیر و لباس احرام بپوش. . . .

د) نیت احرام

قالَ سيدُ السّاجدين زينُ العابدين لِشِبْلي: فَحينَ تَنَظَّفْتَ وأحْرَمْتَ وعَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيتَ أنّکَ تَنَظَّفْتَ بِنُورَهِ التَّوبهِ الخالصهِ لِلّهِ تعالى. (۲)

حضرت امام سجاد (ع) به شبلی فرمود: آیا هنگامی که نظافت می کردی و احرام می بستی و عقد حج می بستی، نیت کردی که نظافت کردی به نور توبه خالصانه برای خداوند متعال؟ !

الامام الصادق (ع) :

فإذا بَلَغْتَ فَاغتسِلْ وَألبِسْ ثَوبىَ الإحرام. . . فأحْمَدِ اللهَ وَأثْنِ عَليهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبيِّ (ص) ثُمّ تَقولُ: أللّهمَّ إنّى اُريدُ ما أمَرْتَ بِهِ مِنَ التَّمتُّعِ بالعُمرهِ إلَى الْحَجِّ عَلى کتابکَ وَسنَّهِ نبيِّکَ صَلواتُکَ عليه وآلِه، فإنْ عَرَضَ لى عارضٌ يَحْبِسُنى فَحِلَّنى حَيثُ حَبَسْتَنى لِقَدَرِک الّذى قَدَّرْتَ عليّ. . . . (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که به میقات رسیدی غسل کن و دو لباس احرامت را بپوش. . . سپس حمد خداوند سبحان را به زبان آور و بر پیغمبراکرم (ص) درود فرست و ثنا بگو بر او و بعد از آن بگو: خدایا من

۱- فقه الرضا، ص ۲۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۶.

۳- الهدایه، صص ۵۴ - ۵۶.

ص: ۵۶

من اراده کردم آنچه را که تو امر کردی از حج بر اساس قرآنت و سنت پیغمبرت که درود و سلامت بر او و خاندانش باد، پس خدایا اگر عارض و مانعی برایم پیش آید، تو خودت آن را برطرف کن، همان طور که آن مانع در نامه عمل من مقدَر بود. . . .

ه) تلبیه

اشاره

عَن خُزَیمَهَ بنِ ثابتٍ: إنّ النّبی (ص) : کَانَ إذا فَرَغَ مِن تَلبِیهٍ سَألَ اللهَ رِضوانَه ومَغفِرَتَه وَاسْتَعاذَ بِرَحمتِهِ مِنَ النّارِ. (۱)

خزیمه بن ثابت می گوید: هرگاه پیامبر اکرم (ص) از لبیک گویی فارغ می شد، از خداوند عزوجل رضوان و آمرزش می طلبید و از آتش دوزخ به رحمتش پناه می برد.

عَن أبانَ، عَمَّن أخْبَرَهُ، عَنِ الإمام الباقِرِ (ع) : قُلْتُ لَهُ لِمَ سُمِّیتِ التَّلبیهُ تَلْبیهً؟ قالَ: إجابهً، أجابَ موسی (ع) ربَّهُ. (۲)

به نقل از أبان، از کسی که برای او چنین روایت کرد: به امام باقر (ع) گفتم: چرا به لبیک گویی «تلبیه» می گویند؟ حضرت (ع) فرمود: به خاطر اینکه کلمه اجابت است، موسی (ع) پروردگارش را چنین جواب داد.

عَن سلیمانِ بنِ جَعفرٍ: سألتُ أبا الْحسنِ (ع) عَنِ التَّلبیهِ وعِلَّتِها، فقال: إنّ النّاسَ إذا أحرَموا ناداهُم اللهُ عزَّوجلَّ، فَقالَ: عِبادی وَإمائی، لَأُحَرِّمَنَّکُم عَلی النّارِ کَما أحْرَمْتُم لی، فَقولُهم: «لَبَّیکَ أللّهُمَّ لبَّیک» ، إجابهٌ لِلّهِ عزّوجلّ عَلی نِدائه لَهُم. (۳)

۱- السنن الکبری، ج ۵، ص ۷۲.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۱۵.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶.

ص: ۵۷

سلیمان بن جعفر می گوید: از امام رضا (ع) درباره لبیک گفتن و علت آن پرسیدم. فرمود: وقتی مردم احرام بندند، خداوند متعال ندای شان می دهد و می گوید: ای بندگان و کنیزان من! شما را بر آتش حرام خواهم کرد، آن گونه که شما به خاطر من احرام بستید. آن گاه مردم در مقابل اجابت خداوند سبحان که آنها را ندا داد، می گویند: «لبیک، ای خدا، لبیک» .

یک- ثواب تلبیه و تکرار آن

رسول الله (ص) :

ما مِن حاجٍّ یَضحَی مُلَبِّیاً حَتّی تَزولَ الشَّمسُ، إلاّ غابَت ذُنوبُهُ مَعَها. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هیچ حج گزاری نیست که روز را به لبیک گفتن به سر آورد مگر آنکه همراه غروب خورشید، گناهانش پنهان می شود.

رسول الله (ص) :

مَن أضحی یَوماً مُلَبِّیاً حَتّی تَغرُبَ الشَّمسُ غَرَبَت بِذُنوبِهِ، فَعادَ کَما وَلَدَتهُ اُمُّهُ. (۲)

رسول خدا (ص) فرمود: کسی که یک روز تا غروب آفتاب، لبیک بگوید، گناهانش از بین می رود و همچون زمانی می شود که مادرش او را به دنیا آورده است.

رسول الله (ص) :

ما مِن مُلَبٍّ یُلَبّی إلاّ لَبّی ماعَن یَمینِهِ وشِمالِهِ مِن حَجَرٍ أو شَجرٍ أو مَدَرٍ، حَتّی تَنقَطِعَ الأرضُ مِن هاهُنا وهاهُنا. (۳)

رسول خدا (ص) فرمود: هیچ لبیک گویی نیست، مگر آنکه آنچه از سنگ و

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- السنن الکبری، ج ۵، ص ۶۷.

۳- سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۴.

ص: ۵۸

درخت و کلوخ در چپ و راست اوست تا آنجا که چشم کار می کند [همصدا با او] لبیک می گوید.

رسول الله (ص) :

مَن لَبّی فی إحرامِهِ سَبعینَ مَرَّهً إیماناً وَاحتِساباً، أشهَدَ اللهُ لَهُ ألفَ مَلَکٍ بِبَراءَهٍ مِنَ النّارِ وبَراءَهٍ مِنَ النِّفاقِ. (۱)

رسول خدا (ص) فرمود: کسی که در احرامش، از روی ایمان و امید [به پاداش خداوند] هفتاد بار لبیک بگوید، خداوند، هزار هزار فرشته را شاهد می گیرد که او را از دوزخ و نفاق، رهایی داده است.

الإمام علی (ع) :

ما مِن مُهِلٍّ یَهِلُّ بالتَّلبیهِ إلاّ أهَلَّ مَن عَن یَمینِهِ مِن شَیءٍ إلی مَقطَعِ التُّرابِ ومَن عَن یَسارِهِ إلی مَقطَعِ التُّرابِ وقالَ لَهُ المَلکانِ: أبشِر یا عبدَاللهِ وما یُبَشِّرُ اللهُ عَبداً إلاّ بِالجَنَّه. (۲)

امام علی (ع) فرمود: هیچ لبیک گویی نیست، مگر آنکه هر چه در سمت راست و سمت چپ او در چشم انداز اوست، [همصدا با او] لبیک می گوید و دو فرشته به او می گویند: مژده باد بر تو ای بنده خدا! و خداوند هیچ بنده ای را جز به بهشت، مژده نمی دهد.

عَن مُحمَّدِ بن المُنکَدِر: إنَّ النَّبی کان یکثِرُ مِنَ التَّلبِیهِ. (۳)

محمد بن منکدر می گوید: پیامبر (ص) ، لبیک را بسیار تکرار می کرد.

الامام الصّادقُ (ع) :

إذا أحرَمتَ مِن مَسجِدِ الشَّجَرهِ فَإن کُنتَ ماشِیاً لَبَّیتَ مِن مَکانِکَ مِنَ المَسجِد تَقولُ: «لَبَّیک أللّهُمَّ لَبّیکَ، لبّیکَ لاشریکَ لکَ لبّیکَ، لَبَّیکَ ذا المَعارجِ لَبَّیک، لَبَّیکَ بِحَجَّهٍ تَمامُها عَلَیکَ» واجهَر بِها کُلَّما

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۳۷.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۳- کتاب الأم، ج ۲، ص ۱۵۷.

ص: ۵۹

رَکِبتَ، کُلَّما نَزَلتَ، وکُلَّما هَبَطتَ وادِیاً، أو عَلَوتَ أکَمَهً، أو لَقیتَ راکِباً، وبِالأسحارِ. (۱)

امـام صـادق (ع) فرمود: هرگاه از مسـجد شـجره احرام بستی، اگر پیاده ای از همان جا که در مسـجد هستی، لبّیك بگو. و چنین می گویی: لبیـک! ای خـدا! لبیـک! لبیك! تو شـریکی نـداری، لبیك! لبیك، ای صاحب والایی ها! لبیك! لبیك، با حجی که اتمام آن برعهـده توست. و هرگاه سوار یا پیاده شـدی، و هرگاه به دشتی سـرازیر شـدی یا بر فراز تپه ای برآمدی یا سواره ای دیدی و هنگام سحر، لبیك را آشکارا بگو.

دو – بلند لبیک گفتن

رسول الله (ص) : أتانِی جَبرئیلُ فَقالَ:

إنَّ اللّهَ یأمُرُکَ أن تَأمُرَ أصحابَک أنْ یَرفَعوا أصواتَهُم بِالتَّلبِیَهِ فَإنَّها شِعارُ الحَجِّ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خداوند به تو دستور می دهد که به یارانت فرمان دهی صداهایشان را به لبیک گفتن بلند سازند؛ زیرا لبیک، شعار حج است.

الامام الصادق (ع) : إن کُنتَ ماشِیاً فَاجهَر بِإهلالِکَ وتَلبِیتِکَ مِنَ المَسجِدِ وإن کُنتَ راکِباً فإذا عَلَت بِکَ راحِلَتُکَ البَیداءَ. (۳)

امـام صادق (ع) فرمود: اگر پیاده بودی، صـدایت را به «لا إله إلاّ الله» و لبیک گفتن از مسـجد [شـجره] بلنـد کن و اگر سواره بودی، وقتی مرکبت تو را به بیابان بیداء رساند.

۱– حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۲۱.

۲– کنز العمال، ج ۵، ص ۳۱.

۳– حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۲۵.

ص: ۶۰

سه – قطع لبیک

الامام الصادق (ع) :

المُتَمتِّعُ إذا نَظَرَ إلى بُيوتِ مَكَّة قَطَعَ التَّلبِيَة. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: حج گزار در عمره تمتّع هنگامی که چشمش به خانه های مکه افتاد تلبیه گفتن را قطع کند.

الامام الصادق (ع) :

إذا دَخلتَ مَكّة وأنتَ مُتَمتِّعٌ فَنَظَرتَ إلى بُيوتِ مَكَّة فَاقطَعِ التَّلبِيَة وحَدُّ بُيوتِ مَكّة الَّتى كانَت قَبلَ الْيوم عَقَبَةُ المَدَنِيّينَ وإنَّ النّاسَ قَد أحدَثوا بِمكّة ما لَم يَكُن، فَاقطَعِ التَّلبِيَة وعَلَيكَ بِالتَّكبيرِ والتَّهليلِ والتَّحميدِ والثَّناءِ عَلَى اللهِ بِمَا استَطَعتَ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه در عمره تمتع وارد مکه شدی، چون به خانه های مکّه نگاه انداختی، لبیک گفتن را قطع کن. حد خانه های مکّه پیش از امروز، عقبه اهل مدینه بود؛ ولی مردم در مکه بناهایی پدید آوردند که پیشتر نبود. پس لبیک را قطع کن و تا می توانی تکبیر و تهلیل [لاإله إلّا الله] بگو و خدا را حمد و ثنا بگو.

۲. طواف و نماز طواف

رسول الله (ص) :

زَينُ الكَعبَةِ الطَّوافُ. (۳)

إنَّ اللهَ يُباهى بِالطّائِفينَ. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: طواف، زینت کعبه است.

رسول الله (ص) :

پیامبر خدا (ص) فرمود: خداوند به طواف کنندگان، افتخار می کند.

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۹۹.

۲- کافی، ج ۴، ص ۳۹۹.

۳- جامع الاحادیث للقمّی، ص ۸۵.

۴- تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۳۶۹.

ص: ۶۱

رسول الله (ص) : ینزِلُ الله کُلَّ یومٍ عِشرینَ ومِائَهَ رَحمَهٍ، سِتّون مِنها لِلطّوّافینَ وأربَعونَ لِلعاکِفینَ حَولَ البَیتِ وعِشرونَ مِنها لِلنّاظِرینَ إلَی البَیتِ. (۱)

خداوند در هر روز، یکصدوبیست رحمت فرو می فرستد: شصت رحمت برای طواف کنندگان، چهل رحمت برای مقیمان اطراف خانه خدا و بیست رحمت برای تماشاگران خانه خدا است.

رسول الله (ص) :

مَن طافَ بِالبَیتِ سَبعاً یُحصیهِ کُتِبَتْ لَهُ بِکُلِّ خُطوَهٍ حَسَنَهٌ ومُحِیَت عَنهُ سَیِّئَهٌ ورُفِعَت لَهُ بِهِ دَرَجَهٌ وکان لَهُ عَدلُ رَقَبَهٍ. (۲)

رسول خدا (ص) فرمود: هرکس هفت بار خانه خدا را طواف کند و آن را بشمارد، برای هر گامش حسنه ای نوشته می شود و گناهی از او محو می شود و یک درجه بر او افزوده می شود و [ثوابی] برابر با آزاد کردن یک برده دارد.

رسول الله (ص) :

إنَّمَا الطَّوافُ صَلاهٌ، فَإذا طُفتُم فَأَقِلّوا الکَلامَ. (۳)

رسول خدا (ص) فرمود: طواف کعبه [همچون] نماز است. پس هنگام طواف، کم حرف بزنید.

رسول الله (ص) :

الطَّوافُ بِالبَیتِ صَلاهٌ، إلاّ أنَّ اللهَ أحَلَّ لَکُم فیهِ الکَلامَ، فَمَن یَتَکَلَّمُ فَلایَتَکَلَّمُ إلاّ بِخَیرٍ. (۴)

طواف خانه خدا [همچون] نماز است جز اینکه خداوند، سخن گفتن در طواف را برای تان حلال کرده است. پس اگر کسی سخنی می گوید، جز به خیر سخن نگوید.

۱- المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۰۲.

۲- السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۷۸.

۳- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۳۷.

۴- المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۶۳۰.

ص: ۶۲

رسولُ اللهِ (ص) :

ماءُ زَمزَمَ لِما شُرِبَ لَهُ، فإنْ شَرِبْتَهُ تَستَشْفی بِهِ شَفاکَ اللهُ وإنْ شَرِبْتَه مُستَعیذاً أعاذَکَ اللهُ و إنْ شَرِبْتَه لِیقْطَعَ ظَمَأَک قَطَعَهُ. (۱)

رسول خدا (ص) فرمود: آب زمزم به همان انگیزه ای که نوشیده می شود [اثرگذار است]؛ اگر آن را به قصد شفای خود بنوشی، خداوند شفایت می دهد و اگر به قصد پناه جویی بیاشامی، خدا پناهت می دهد و اگر به قصد سیراب شدن بنوشی، تشنگی ات را برطرف می کند.

الإمام الباقر (ع) :

ما مِن عَبدٍ مُؤمِنٍ طافَ بِهذَا البَیتِ اُسبوعاً وصَلَّی رَکعَتَینِ وأحسَنَ طَوافَهُ وصَلاتَهُ إلاّ غَفَرَ اللهُ لَهُ. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: هیچ بنده با ایمانی نیست که هفت بار این خانه [کعبه] را طواف کند و دو رکعت نماز گزارد و طواف و نمازش را نیکو بجا آورد، مگر آنکه خداوند او را می آمرزد.

الإمام الباقر (ع) :

کانَ النَّبِیُّ یَسْتَهدی مِن ماءِ زَمْزمَ وَهُو بِالْمدینهِ. (۳)

امام باقر (ع) فرمود: پیامبر اکرم (ص) وقتی در مدینه بود، درخواست می کرد که از آب زمزم برایش هدیه بیاورند.

عَن أبی أیوب المَدائنی: کانَ ابوالحسنِ (ع) یقولُ إذا شَرِبَ مِن زَمْزمَ: بسم اللهِ، الحمدللهِ، الشکرُ لله. (۴)

ابوایوب مداینی می گوید: هرگاه امام کاظم (ع) از آب زمزم می نوشید، می فرمود: به نام خداوند، ستایش برای خداست، شکر برای خداست.

۱- الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۷۶.

۲- دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۱۲.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۴.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۴۵.

ص: ۶۳

۳. سعی بین صفا و مروه و فضیلت آن

اشاره

الإمام الصّادقُ (ع) :

ما مِنْ بُقعَهٍ أحَبَّ الی اللهِ مِنَ المَسْعی، لأنّه یذِلُّ فیها کلُّ جبّارٍ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: نزد خداوند، هیچ بقعه ای محبوب تر از محل سعی نیست؛ زیرا هر گردنکشی در آن خوار می شود.

الإمام الصّادقُ (ع) :

جُعِلَ السَّعیُ بَینَ الصَّفا والمَروَهِ مَذَلَّهً لِلجَبّارینَ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: سعی بین صفا و مروه واجب شده است برای خوار کردن جباران.

الإمام الصّادقُ (ع) :

صارَ السَّعیُ بَینَ الصَّفا وَالْمَروهِ لأنَّ إبراهیمَ (ع) عَرَضَ له إبلیسُ، فأَمَرَهُ جَبرئیلُ (ع) ، فَشَدَّ علیهِ فَهَرَبَ منهُ، فَجَرَت بِهِ السُّنَّهُ –یَعنی بِالهَروَلَهِ –. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: سعی بین صفا و مروه، از آن جهت واجب شد که شیطان، خود را به ابراهیم (ع) نشان داد. جبرئیل (ع) به ابراهیم (ع) دستور داد که به او حمله کند، شیطان هم گریخت. ازاین رو، سنت «هروله» مرسوم شد.

الف) توقف در صفا و مروه

الإمام الصّادقُ (ع) :

مَن أرادَ أنْ یَکثُرَ مالُه فَلیُطِلِ الوُقوفَ عَلَی الصَّفا وَالْمَروهِ. (۴)

۱- کافی، ج ۴، ص ۴۳۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۶۸.

۳- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۷۹.

۴- کافی، ج ۴، ص ۴۳۳.

ص: ۶۴

امام صادق (ع) فرمود: هرکه می خواهد ثروتش افزون شود، ایستادن بر صفا و مروه را طول دهد.

الإمام الصّادقُ (ع) :

لایُجلَسُ بَینَ الصَّفا والمروهِ الاّ مِن جَهْدٍ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: میان صفا و مروه نباید نشست مگر از روی خستگی.

ب) پاداش سعی

رسول اللّٰه (ص) :

الحَاجُّ. . . إذا سَعی بَینَ الصَّفا والمَروَهِ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج گزار. . . وقتی بین صفا و مروه سعی کند، از گناهانش بیرون می آید.

الإمام زین العابدین:

السّاعی بَینَ الصَّفا وَالمَروهِ تَشفَعُ لَهُ الملائکَهُ فَتُشفَّعُ فیهِ بِالإیجابِ. (۳)

امام زین العابدین (ع) فرمود: فرشتگان برای کسی که میان صفا و مروه سعی کند، شفاعت می کنند و شفاعتشان درباره او پذیرفته می شود.

۴. حلق و تقصیر

رسولُ اللهِ (ص) :

أللّهُمَّ اغْفِر لِلمُحَلِّقینَ ولِلمُقَصِّرینَ. (۴)

رسول خدا (ص) فرمود: خدایا کسی که [در عمره مبتوله (مفرده)] موی سر را می تراشد و همچنین موی صورت یا ناخن را کوتاه می کند، بیامرز.

الإمام الصّادقُ (ع) :

المُعْتَمِرُ عُمْرَهً مفردهً إذا فَرَغَ مِنْ طَوافِ الْفَریضهِ

۱- روضه المتقین، ج۴، ص ۵۷.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳- روضه المتقین، ج ۴، ص ۵۷.

۴- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۳.

ص: ۶۵

وَصلاهِ الرَّکعَتینِ خَلْفَ المَقامِ وَالسَّعْی بَینَ الصَّفا وَالمَروهِ، حَلَقَ أو قَصَّرَ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که عمره مفرده انجام می دهد، پس از مناسک طواف و نماز طواف و سعی بین صفا و مروه، مخیر است بین حلق و تقصیر.

الإمام الصّادقُ (ع) :

لَیسَ عَلَی النّساء حَلقٌ وعَلَیهِنَّ التَّقصیرُ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: بر زن، تراشیدن موی سر واجب نیست و بر آنها تقصیر [کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن] لازم و واجب است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

. . . ثمّ ائتِ مَنزلَکَ فَقَصِّر مِنْ شَعْرِکَ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: . . . پس از سعی بین صفا و مروه، به منزل خود برو، آن گاه تقصیر کن.

الإمام الصّادقُ (ع) :

طَوافُ المُتَمَتِّعِ أن یَطوفَ بِالکَعبهِ ویَسْعی بَینَ الصَّفا والمَروهِ ویقَصِّرَ مِن شَعْرِهِ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: طواف متمتع آن است که کعبه را طواف کند، میان صفا و مروه سعی کند و از موی خود کوتاه کند.

۵. عرفات و علت نام گذاری آن

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

الحَجُّ عَرَفاتٌ، الحَقُّ عَرَفاتٌ، الحَقُّ عَرَفاتٌ، أیامُ مِنی ثَلاثٌ، فَمَن تَعَجَّلَ فی یومَینِ فَلا إثمَ عَلَیهِ وَمَن تَأخَّرَ فَلا إثمَ عَلَیهِ ومَن أدرَکَ عَرَفَهَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۳۹.

۴- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۹۱.

ص: ۶۶

قَبلَ أن يَطلُعَ الفَجرُ فَقَد أدرَكَ الحَجَّ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج عرفات است، حق عرفات است، حق عرفات است. روزهای منا، سه روز است «پس هر که عجله کند در دو روز، پس گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کنـد گناهی بر او نیست» . هرکس پیش از طلوع فجر عرفه را دریابـد، حـج را درک کرده است.

عن عَبـدِالرَّحمنِ بن يعمُر: إنَّ ناساً مِن أهلِ نَجدٍ أتَوا رَسولَ اللهِ وهُوَ بِعَرَفَهَ فَسَألوهُ، فأمَرَ مُنادياً فَنادىَ: الحَجُّ عَرَفَهُ. مَن جاءَ لَيلَهَ جَمعٍ قَبلَ طُلوعِ الفَجرِ فَقَد أدرَكَ الحَجَّ. أيامُ مِنى ثَلاثَهٌ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِى يَوْمَيْنِ فَلا إِثْم عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْم عَلَيْهِ . (۲)

عبـدالرحمان بن یعمر می گویـد: در عرفات، عده ای از مردم نجد نزد پیامبرخدا (ص) آمدند و از ایشان سؤال کردند، فرمود: منادی ندا دهد: حج عرفه است، هرکس شب هنگام پیش از طلوع فجر به مشعرالحرام بیاید، حج را درک کرده است. روزهای منا، سه روز است. «پس هرکه شتاب کند در دو روز، گناهی بر او نیست و هرکه به تأخیر اندازد، پس گناهی بر او نیست» .

عن معاويه بنِ عَمّارٍ: سألتُ أبا عَبدِالله مِن عَرفاتٍ: لِمَ سُمِّى عرفاتٍ؟ فقالَ:

إنَّ جَبرئيـلَ (ع) خَرَجَ بـإبراهيمَ صـلواتُ اللهِ عَليهِ يومَ عَرفهَ، فَلَمّا زالَتِ الشَّمْسُ قالَ له جَبرئيلُ (ع) : يا إبراهيمُ، إعْتَرِفْ بِـذنبِكَ وَاعْرِفْ مَناسِكَكَ فَسُمِّيت عَرفاتٍ لقَولِ جَبرئيلَ (ع) : إعتَرِفْ، فَاعتَرَفَ. (۳)

معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق (ع) درباره علت نام گذاری

۱- السنن الکبری للنسائی، ج ۲، ص ۴۲۴.

۲- سنن ترمذی، ج ۳، ص ۲۳۷.

۳- المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵.

ص: ۶۷

عرفات پرسیدم، فرمود: جبرئیل (ع) ، ابراهیم (ع) را روز عرفه بیرون آورد. چون ظهر شد به وی گفت: ای ابراهیم به گناهت اعتراف کن و عبادت هایت را بشناس. ازاین رو، عرفات نامیده شد، چون جبرئیل گفت: اعتراف کن و او هم اعتراف کرد.

الإمـام الکاظم عن آبائه (ع) : قیلَ: یا رسولَ اللهِ، أی أهلِ عرفاتٍ أعظَمُ جُرماً؟ قالَ: الَّذی ینصَرِفُ مِن عَرَفاتٍ وهُوَ یظُنُّ أنَّهُ لَم یغفَر لَهُ. قالَ جعفرُبنُ محمّدٍ (ع) : یعنِی الّذی یقنَطُ مِن رَحمَهِ اللهِ. (۱)

امام کاظم (ع) از پـدرانش نقل می کند: از پیامبر خدا (ص) پرسیده شد: چه کسـی از اهل عرفات، جرمش بزرگ تر است؟ فرمود: آن که از عرفات برمی گردد و می پنـدارد که آمرزیـده نشده است. امام صادق (ع) فرمود: مقصود ایشان کسـی است که از رحمت خداوند مأیوس باشد.

الف) وقوف در عرفات

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنَّ مِنَ الذُّنوبِ ما لایُغفَرُ الّا بِعَرَفَهَ والمَشْعَرِ الحَرامِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: برخی از گناهان بخشیده نمی شود، مگر در عرفه و مشعرالحرام.

الإمام الصّادقُ (ع) :

عَرفاتٌ کُلُّها مَوقفٌ وأفضلُ المَوقفِ سَفْحُ الجَبَلِ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: همه سرزمین عرفات، محل وقوف است. اما بهترین مکان برای وقوف، پایین کوه است.

۱- الجعفریات، ص ۶۵.

۲- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۱.

۳- کافی، ج ۴، ص ۴۶۳.

ص: ۶۸

عَن محمّد بنِ عثمانِ عَمْری: وَاللهِ إنَّ صاحبَ هذا الأمرِ لَیحضُرُ المَوسِمَ کُلَّ سَنهٍ، یرَی النَّاسَ ویعْرِفُهم ویرَوْنَه ولا یعرِفونَه. (۱)

محمـد بن عثمـان عمری می گویـد: به خـدا قسم حضـرت صاحب الامر (عـج) در مراسم حـج به ویژه در عرفات و منا حضور دارد، مردم را می بیند و آنها را می شناسد، ولی مردم او را می بینند، اما نمی شناسند.

ب) مناجات در عرفات

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا غَدَوتَ إلی عَرَفهَ فَقُلْ وأنتَ مُتَوجّهٌ إلیهـا: أللّهُمَّ إلیـکَ صَمَدتُ وإیّاکَ اعْتَمَدتُ وَوَجْهکَ أرَدْتُ، فاسئَلُکَ أنْ تُبارِکَ لی فی رِحلَتی وأنْ تَقضِیَ لی حَاجَتی وأنْ تَجعَلَنی مِمَّن تُباهی بِهِ الیومَ مَنْ هُوَ أفضلُ مِنّی. . . . (۲)

امـام صـادق (ع) فرمود: هرگـاه صبح به طرف عرفـات رفتی، در حال رفتن بگو: خـدایا! رو به تو آورده و بر تو اعتماد کردم و تو را طلبیـده ام و از تو می خواهم که کوچ مرا مبـارک گردانی، حاجتم را برآوری و مرا از کسانی قرار دهی که امروز به آنها، بر برتر از من مباهات می کنی. . . .

الإمام الصّادقُ (ع) : . . .

وَلْیکُن فیما تَقولُ: أللّهُمَّ اجْعَلنی مِمَّنْ رَضیتَ عَملَه وأطَلْتَ عُمرَه وأَحْیَیتَهُ بَعدَ الموتِ حَیاهً طَیبهً. (۳)

امـام صادق (ع) فرمود: در دعاهایت این باشـد: خـدایا! مرا از آنهایی قرار ده که عملشان را پسـندیده ای و عمرشان را طولانی کرده ای و پس از مرگ آنها را به حیات پاکیزه زنده ساخته ای.

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲- المقنعه، ص ۴۰۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۵.

ص: ۶۹

۶. مشعرالحرام

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

وهُوَ بِمِنی: لَو یَعلَمُ أهلُ الجَمع بِمَن حَلُّوا أو بِمَن نَزَلوا لَاستَبشَروا بِالفَضلِ مِن رَبِّهِم بَعدَ المَغفِرِه. (۱)

پیامبر خدا (ص) هنگامی که در منا بود، فرمود: اگر اهل مشعر بدانند که در آستانه چه کسی فرود آمده و بر چه کسی وارد شده اند، پس از آمرزش خواهی، یکدیگر را به فضل پروردگارشان، مژده می دهند.

رسولُ اللهِ (ص) :

المُزدَلِفَهُ کُلُّها مَوقِفٌ وارتَفِعوا عَن بَطنِ مُحَسِّرٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: همه جای مزدلفه [نام دیگر مشعرالحرام] موقف است، از وادی محسّر بالاتر بروید.

الامام الصّادقُ (ع) :

. . . یا ابراهیمُ! ازدَلِفْ إلَی الْمَشعرِ الْحرامِ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: [جبرئیل (ع) در هنگام تعلیم مناسک به ابراهیم (ع) ، به وی گفت:] ای ابراهیم! به مشعرالحرام نزدیک شو.

الإمام الصّادقُ (ع) :

سُمّیتِ الْمُزدلِفَهُ جَمعاً لأنَّ آدمَ جَمَعَ فیها بینَ الصَّلاتَینِ المَغربِ وَالعِشاءِ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: مزدلفه به اسم جمع نامیده شد؛ زیرا آدم در آنجا بین نماز مغرب و عشا جمع کرد و هر دو را در یک زمان خواند.

وقوف در مشعرالحرام

عن ابنِ عَبّاس: أفاضَ رسولُ اللهِ (ص) مِن عَرَفَهَ وعَلَیهِ السَّکینَهُ ورَدیفُهُ اُسامَهُ

۱- المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۵.

۲- الموطّأ، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۶.

۴- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۶.

ص: ۷۰

وقالَ: أيهَا النّاسُ، عَلَيكُم بِالسَّكينَهِ، فَإنَّ البِرَّ لَيسَ بِإيجافِ الخَيلِ والإبِلِ، فَما رَأيتُها رافِعَهً يدَيها عادِيهً حَتّى أتَى جَمعاً. (۱)

ابن عباس می گویـد: پیامبر خدا (ص) ، با آرامش درحالی که اسامه پشت سـرش سوار بود، از عرفات کوچ کرد و فرمود: ای مردم! آرامش داشـته باشید. نیکی آن نیست که اسب و شتر را تند برانید. [ابن عباس می گوید] من ندیدم که حضرت دستش را برای زدن مرکب بالا ببرد تا اینکه به مزدلفه رسید.

عن ابنِ عَبّـاس: أنَّهُ دَفَعَ مَعَ النَّبی (ص) : یومَ عَرَفَه، فَسَـمِعَ النَّبی (ص) : وَراءَهُ زَجراً شَدیـداً وضَـرباً وصَوتـاً لِلإبِـلِ، فَأَشـارَ بِسَوطِهِ إلَيهِم وقالَ: أيها النّاسُ، عَلَيكُم بِالسَّكينَهِ، فَإنَّ البِرَّ لَيسَ بِالإيضاعِ. (۲)

ابن عباس می گوید: روز عرفه، همراه پیامبر (ص) از عرفات کوچ کردم. پیامبر (ص) از پشت سـرش سروصدای بسیاری شنید که بر شتران می زدنـد و سـروصدا می کردنـد. بـا شـلاقی که در دسـتش بود، به آنها اشاره کرد و فرمود: ای مردم! آرامش داشـته باشـید؛ نیکی در تند تاختن نیست.

الإمام الصّادقُ (ع) :

مَن مَرَّ بِالمـأزِمَينِ ولَیسَ فی قَلبِهِ کِبرٌ نَظَرَ اللهُ إلَيهِ، قُلتُ: مـا الکِبرُ؟ قـالَ: یُغمِصُ النّـاسَ وَیَسْـفَهُ الحَقَّ وقـالَ: ومَلَکـانِ مُوَکَّلانِ بِالمأزِمَينِ یَقولانِ: «ربِّ سَلِّم وسَلِّم» . (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرکس بر مأزمین [دو تنگه سـر راه مشـعر] بگـذرد و در دلش تکبر نباشـد، خداوند [با نظر رحمت] به او می نگرد. پرسیدم: کبر چیست؟ فرمودند: مردم را برنجاند و حق را نپذیرد و فرمود: دو

۱- المحاسن، ج ۲، ص ۶۵؛ سنن أبی داوود، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۰۱.

۳- المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۱.

ص: ۷۱

فرشته گمارده شده در مأزمین می گویند: «خدایا! به سلامت دار! به سلامت دار!»

۷. منا و علت نام گذاری آن

اشاره

الإمام الصّادقُ (ع) : إنَّ جَبرئيلَ أتَى إبراهيمَ فَقالَ: تَمنَّ يا إبراهيمُ! فَكانتْ تُسمَّى مِنى فَسمّاها النَّاسُ مِنى. (۱)

امام صادق (ع) [درباره علت نام گذاری مِنا] فرمود: چون در این سرزمین، جبرئیل (ع) به ابراهیم (ع) گفت: از خداوند خواسته و آرزویی بخواه، آنجا مِنا نامیده شد و مردم هم آنجا را منا نامیدند.

الإمام الرّضا (ع) : العِلَّةُ الَّتی مِن أجلِها سُمِّیت مِنی، أنَّ جَبرئیلَ قالَ هناکَ لإبراهیمَ: تَمَنَّ عَلی رَبِّکَ ماشِئتَ. فَتَمَنّی إبراهیمُ فی نفسِهِ أن یجعَلَ اللهُ مَکانَ ابنِهِ إسماعیلَ کَبْشاً یأمُرُهُ بِذبحِهِ فِداءً لَهُ، فأُعطِی مُناهُ. (۲)

امام رضا (ع) فرمود: علت نام گذاری آن به مِنا، این است که جبرئیل (ع) در آنجا به ابراهیم (ع) گفت: هر چه می خواهی از خداوند تمنا کن. ابراهیم (ع) هم در دل خود از خدا خواست که به جای فرزندش اسماعیل، قوچی به عنوان فدیه قرار داده شود و خداوند دستور دهد که آن را سر بِبُرد. خداوند هم خواسته او را عطا کرد.

الف) منا و ثواب وقوف در آن

سَألتُ أبا جَعفرٍ (ع) : هَلْ صَلّی رَسولُ اللهِ (ص) الظُّهرَ بِمِنی یومَ التَّرویهِ؟ فقالَ نَعَم، وَالغداهَ بِمِنی یومَ عَرَفَه. (۳)

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۱.

۲- عیون اخبار الرضا (ع) ، ج ۲، ص ۶۱.

۳- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۴۱۹.

ص: ۷۲

از امام باقر (ع) پرسیدم: آیا رسول اکرم (ص) روز ترویه، نماز ظهر را در منا خواند؟ فرمود: آری! نماز صبح را هم روز عرفه در منا خواند.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا أخَذَ النّاسُ مَنازِلَهم بِمِنی نادی مُنادٍ: لَوْ تَعلَمونَ بِفِناءِ مَنْ حَلَلْتُم لأيقَنْتُمْ بِالخَلَفِ بَعدَ المَغفِرَه. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه مردم در جایگاه خود در منا استقرار یافتند، منادی ندا می دهد: اگر می دانستید در آستان چه کسی فرود آمده اید، پس از آمرزش الهی به جایگزینی [مخارجی که کرده اید]، یقین پیدا می کردید.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا أخَذَ النّاسُ مَواطِنَهم بِمِنی نادی مُنادٍ مِنْ قِبَلِ اللهِ عزَّوجلَّ: إنْ أرَدْتُم أنْ أرضی فَقَدْ رَضیتُ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: چون مردم در منا در جای خود قرار گرفتند، از سوی خداوند منادی ندا می دهد: اگر می خواستید که من از شما راضی شوم، پس راضی شدم.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا أفاضَ الرَّجلُ مِنْ مِنی وَضَعَ مَلَکٌ یدَهُ بَینَ کَتِفَیهِ، ثُمَّ قالَ: إسْتَأنِفْ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: وقتی کسی از منا کوچ کرد، فرشته ای دست خود را بر شانه های او می گذارد و می گوید: عمل، از سر گیر.

رُوِی (فِی الحاجِّ إذا نَفَر مِنْ مِنی إلی مَکَّهَ) : أنَّهُ یخْرُجُ مِنْ ذُنوبِهِ کَهَیئَهِ یوْمٍ وَلَدتهُ اُمُّهُ. (۴)

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۵۷.

۲- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۱.

۳- المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۱.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸۰.

ص: ۷۳

درباره کسی که از منا به مکّه کوچ می کند، روایت شده که از گناهانش خارج شده (پاک می شود) ، همچون روزی که مادرش او را زاییده است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا كانَ يومُ التَّرويهِ. . . فَأَهِلَّ بالحجِّ - إلی أنْ قالَ: - وَصلِّ الظُّهرَ إنْ قَدرتَ بِمِنی. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: روز ترویه که شد، احرام حج ببند. . . و اگر توانستی، نماز ظهر را در منا بخوان.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا انْتَهَيتَ إلی مِنی فَقُـلْ: أللّهُمَّ هـذِهِ مِنی، وهـذِهِ مِمّـا مَنَنْتَ بهـا عَلَينا مِن المَناسِكِ، فَأسألُكَ أنْ تَمُنَّ عَلَينا بِما مَنَنْتَ بِهِ علی أنبيائِكَ، فَإنَّما أنا عبدُكَ وَ فی قَبْضَتِكَ - إلی أنْ قالَ: -

وَحَدُّ مِنی مِنَ العَقَبَهِ إلی وادی مُحَسِّرٍ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: چون به منا رسیدی بگو: خـدایا! این مِناست و این از جمله عباداتی است که با آن، بر ما منت نهاده ای. از تو می خواهم که با آنچه بر پیامبرانت منت نهاده ای، بر من منت نهی. همانا من بنـده تو و در اختیار توام، تا آنجا که فرمود: حدِّ مِنا، از عقبه تا وادی مُحسِّر است.

عَن معاويه بن عمّار، عن ابی عبدالله (ع) : إذا تَوجَّهْتَ إلی مِنی فَقُلْ: أللّهُمَّ إياكَ أرجُو وإياكَ أدْعُو، فَبَلِّغْنی أَمَلی وَأَصْـلِحْ لی عَمَلی. (۳)

معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می کند: هنگامی که رو به سوی منا کردی بگو: بار خدایا! به تو امید دارم و تو را می خوانم، پس آرزویم را برآور و عملم را پاک گردان.

۱- وسائل الشيعه، ج ۱۰، ص ۴.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۴۱۹.

۳- وسائل الشيعه، ج ۱۰، ص ۷.

ص: ۷۴

ب) رمی جمرات

اشاره

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنّ عِلَّهَ رَمی الجَمَراتِ أنَّ ابراهیمَ (ع) تَراءی لَه ابلیسُ عِندَها، فَأمَرَه جبرَئیلُ بِرَمْیِهِ بِسَبعِ حَصَیاتٍ وأنْ یُکبِّرَ مَع کلِّ حَصاهٍ، فَفَعَلَ وَجَرَتْ بِذلکَ السُّنّهُ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: علت رمی جمره ها آن است که نزدیک آن محل، شیطان بر ابراهیم (ع) نمایان شد. جبرئیل به او دستور داد که با هفت سنگ ریزه شیطان را بزند و با هر سنگ، تکبیر بگوید. او هم چنان کرد و سنت، بر این جاری شد.

عَن یعقوبِ بنِ شُعیبٍ: سَألْتُ ابا عَبدالله عَن الجِمارِ، فقالَ: قُمْ عندَ الجَمَرَتَینِ ولا تَقُم عندَ جَمرهِ العَقَبَهِ، قلتُ: هذا مِن السُّنَّهِ؟ قالَ: نَعَم، قلتُ: ما أقولُ اذا رَمَیتُ؟ فقال: کَبِّرْ مَعَ کلِّ حَصاهٍ. (۲)

یعقوب بن شعیب می گوید: از امام صادق (ع) در مورد جمره ها پرسیدم، فرمود: کنار دو جمره بایست، ولی کنار جمره عقبه نَایست. پرسیدم: این سنت است؟ فرمود: آری! گفتم: هنگامِ پرتاب سنگ چه بگویم؟ فرمود: با هر سنگ، تکبیر بگو.

عَن عمّارٍ عن الإمام الصّادقِ (ع) :

خُذْ حَصَی الجِمارِ. . . وتَقولُ والحَصی فی یدِکَ: اللّهُمَّ هؤُلاءِ حَصَیاتی فَأحصِهِنَّ لی وارفَعْهُنَّ فی عَمَلی. . . . (۳)

عمار از امام صادق (ع) نقل می کند: سنگ ریزه های جمره را برگیر. . . درحالی که سنگ ریزه ها در دست توست، می گویی: خدایا! اینها سنگ ریزه های من است. آنها را برای من به شمار آور و همراه عملم به سوی خود بالا ببر.

۱- کنز الفوائد، ج ۲، ص ۸۲.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۸۱.

۳- کافی، ج ۴، ص ۴۷۸.

ص: ۷۵

ثواب رمی

رسولُ اللهِ (ص) :

رَمی الجِمارِ ذُخرٌ یومِ القِیامَه. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: سنگ زدن به جمره ها، ذخیره روز قیامت است.

رسولُ اللهِ (ص) :

إذا رمیتَ الجِمارَ کانَ لَکَ نوراً یومَ القیامهِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرگاه رمی جمرات کردی، برای تو نوری در قیامت خواهد بود.

رسولُ اللهِ (ص) :

الحاجُّ إذا رَمی الجِمارَ خَرَجَ مِن ذُنوبِهِ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حج گزار وقتی بر جمره ها سنگ بزند، از گناهانش بیرون می آید.

عن ابن عُمَر: سَألَ رَجُل النَّبی عَن رَمی الجِمارِ: ما لَهُ فیه؟ فَسَمِعتُهُ یقولُ: تَجِدُ ذلک عِندَ ربِّکَ أحوَجَ ماتَکون إلَیهِ. (۴)

ابن عمر می گوید: مردی درباره رمی جمرات از پیامبر خدا (ص) پرسید که چه پاداشی دارد؟ شنیدم که ایشان فرمود: آن را نزد پروردگارت، در روزی که بیشترین نیاز را به آن داری، می یابی.

رسولُ اللهِ (ص) :

إذا کانَ یومُ عَرَفَه غَفَرَ اللهُ (تعالی) لِلحاجِّ الخُلَّصِ وإذا کانَ لَیلَهُ المُزدَلِفَهِ غَفَرَ اللهُ (تعالی) لِلتُّجارِ وإذا کانَ یومُ مِنی غَفَرَ اللهُ لِلجَمّالینَ وإذا کانَ عِندَ جَمَرهِ العَقَبهِ غَفَرَ الله لِلسُّؤالِ، فَلایشهَدُ ذلِکَ المَوقِفَ خَلقٌ مِمَّن قالَ «لاإله إلّاالله» إلّا غَفَرَ اللهُ لَهُ. (۵)

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲- کنزالعمال، ج ۵، ص ۷۸.

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۴.

۴- حلیه الاولیاء، ج ۵، ص ۲۸.

۵- أمالی طوسی، ص ۳۰۹.

ص: ۷۶

رسول اکرم (ص) فرمود: چون روز عرفه شود، خداوند حاجیان خالص را می بخشاید و چون شام مزدلفه فرا رسد، خداوند متعال بازرگانان را می آمرزد و روز مِنا، خداوند شترداران [و کرایه چیان] را می آمرزد. چون زمان حضور در جمره عقبه فرا رسد، خداوند درخواست کنندگان را می بخشاید. از آن انبوه مردم از کسانی که «لا‌إله إلّاالله» می گویند کسی نمی ماند، مگر آنکه خداوند او را می آمرزد.

الإمام الصّادقُ (ع) فی رَمی الجِمارِ: لَهُ بِکُلِّ حَصاةٍ یرمی بِها تُحَطُّ عَنهُ کَبیرةٌ موبِقَه. (۱)

امام صادق (ع) درباره رمی جمره ها فرمود: برای او (حج گزار) در مقابل هر سنگی که می زند، گناه کبیره هلاکت باری محو می شود.

ج) قربانی کردن

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

إنّما جُعِلَ هذا الأضحی لِتَتَّسِعَ مَساکینُکُم مِنَ اللَّحمِ، فَأطْعِمُوهم. (۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: قربانی کردن برای آن واجب شده است که بینوایان، از گوشت به وسعت و نوا برسند [از گوشت سیر شوند] پس به آنها بخورانید.

عَن ابی بکر:

انَّ النَّبیَّ سُئِلَ أیُّ الحجِّ أفضَلُ؟ قالَ: العَجُّ والثَّجُّ. (۳)

ابوبکر می گوید: از رسول خدا (ص) پرسیدند کدام عمل حج بافضیلت تر است؟ فرمود: لبیک گفتن و خون قربانی را ریختن.

۱- کافی، ج ۴، ص ۴۸۰.

۲- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۹۶.

۳- السنن الکبری، ج ۴، ص ۵۴۰.

ص: ۷۷

الإمام زین العابدین (ع) :

أَمّا حَقُّ الهَدی فَأنْ تُخْلِصَ بِها الإرادهَ إلی ربِّکَ والتَّعرُّضَ لِرَحمَتِهِ وقَبولِهِ وَلا تُرِیدَ عیونَ النّاظرینَ دونَه، فإذا کُنْتَ کذلکَ لَم تَکُنْ مُتکلِّفاً وَلا مُتَصَنِّعاً وکُنتَ إنما تَقصِدُ إلَی اللهِ. (۱)

امام سجاد (ع) فرمود: حق قربانی آن است که نیت آن را برای خدا خالص سازی و خود را در معرض رحمت و قبول الهی قرار دهی و در پی نگاه بینندگان نباشی. اگر چنین بودی، خود را بیهوده به رنج نیفکنده ای و ظاهرسازی نکرده ای و مقصودت خدا بوده است.

الامام الباقرُ (ع) :

إنَّ اللهَ عزَّوجلَّ یُحِبُّ إطعامَ الطَّعامِ وإراقَهَ الدِّماءِ. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: خداوند سبحان اطعام کردن و ریختن خون (قربانی کردن) را دوست دارد.

دعا هنگام قربانی کردن

الإمام الصادق (ع) :

إذَا اشتَرَیتَ هَدیَکَ فاستَقبل بِهِ القِبلَهَ وانحَرهُ أوِ اذبَحهُ وقُل: «وَجَّهتُ وَجهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّماواتِ والأرضَ حَنیفاً وما أنا مِنَ المُشرکینَ، إنَّ صَلاتی ونُسُکی ومَماتی لِلهِ رَبِّ العالَمینَ لاشریکَ لَهُ وبذلک اُمِرتُ وأنا مِنَ المُسلمینَ. اللهُمَّ مِنکَ ولَکَ، بِسمِ اللهِ واللهُ أکبَرُ، اللهُمَّ تَقَبَّل مِنّی» . ثُمَّ أمِرَّ السِّکّینَ ولا تَنخَعها حتّی تَموتَ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: وقتی قربانی خود را خریدی، آن را رو به قبله کرده قربانی کن و بگو: «رویم را به سوی آفریدگار آسمان ها و زمین کرده ام. پیرو [آیین] حنیفم و از مشرکان نیستم. نمازم و عبادتم و

۱- تحف العقول، ص ۲۵۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۶۸.

۳- کافی، ج ۴، ص ۴۹۸.

ص: ۷۸

زنـدگی ام ومرگم برای پروردگار جهانیان است که شـریکی ندارد. به این، فرمان یافته ام و از مسـلمانانم. خدایا! از تو و برای تو. به نام خدا، الله اکبر. خدایا از من قبول کن» . آن گاه، کارد به گلویش بکش و تا جان نداده، سر را از بدنش جدا مکن.

عن ابی خَدیجَه: رَأیتُ أبا عبـدالله وهو ینحَرُ بَدَنَتَهُ مَعقولَةً یـدُها الیسـری، ثُمَّ یقومُ مِن جانِبِ یدِهَا الیمنی ویقولُ: «بِسم اللهِ واللهُ أکبَرُ، اللّهُمَّ هذا مِنکَ ولکَ، اللهُمَّ تَقبَّلهُ مِنّی» . ثُمَّ یطعُنُ فی لَبَّتها، ثُمَّ یخرِجُ السِّکّینَ بِیدِهِ، فاذا وَجَبَت قَطَعَ مَوضِعَ الذَّبحِ بِیدِهِ. (۱)

ابوخدیجه می گوید: امام صادق (ع) را در حالی دیدم که دست چپ شترِ قربانی خود را برای نحر کردن بسته و خود، سمت راست آن ایسـتاده بود و می گفت: «بسم الله والله اکبر، خـدایا این [قربـانی] از تو و برای توست. خـدایا از من قبول کن» . آن گـاه، کارد را زیر گلوی شتر فرو برد. سـپس آن را بـا دست خود بیرون آورد. چون شتر بر زمین افتـاد، با دست خویش، از محل ذبـح، سـر را قطع کرد.

۸. طواف نساء و نماز آن

الإمام الصّادق (ع) –

فی ذِکرِ فَرائضِ الحَجِّ –: طوافُ النِّساءِ فَریضهٌ. (۲)

امام صادق (ع) در ذکر واجبات حج فرمود: طواف نساء، واجب است.

الإمام الصّادق (ع) : . . .

إذا فَعلتَ ذلک – طواف الزّیاره – فَقَدْ أحلَلْتَ مِن کُلِ ّ شَیءٍ أحرمتَ منه اِلّا النّساءَ، ثُمّ ارْجعْ الی الْبَیتِ وَطُفْ به اُسبوعاً آخر، ثُمّ

۱– کافی، ج ۴، ص ۴۹۸.

۲– الخصال، ج ۲، ص ۶۰۶.

ص: ۷۹

صلِّ رکعَتینِ عندَ مقامِ ابراهیمَ (ع) . (۱)

امام صادق (ع) فرمود: . . . چون چنین کردی [طواف زیارت]، از هر چیزی که بر تو حرام بوده بیرون آمده ای، مگر زنان. سپس به کعبه برگرد و هفت دور آن را طواف کن. سپس دو رکعت نماز، کنار مقام ابراهیم (ع) بخوان.

الإمام الرّضا (ع) فی قول الله عزّوجلّ: وَ لْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ الْعَتِیقِ : طَوافُ الفَریضهِ، طَوافُ النِّساءِ. (۲)

امام رضا (ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ: «و باید بر گِرد خانه کعبه طواف کنند» فرمود: مقصود از طواف واجب، طواف نساء است.

۹. فضیلت حج نیابتی

رسولُ اللهِ (ص) :

إنَّ اللهَ یُدخِلُ بِالحَجَّهِ الواحِدَهِ ثَلاثَهَ نَفَرٍ الجَنَّهَ: المَیّتَ، والحاجَّ عَنهُ والمُنفِذَ ذلِکَ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: خداوند عزوجل با یک حج، سه گروه را وارد بهشت می کند: مرده و کسی که برای او حج نیابتی کرده، و نیز کسی را که برای او نایب گرفته است.

رسولُ اللهِ (ص) :

حَجَّهٌ لِلمَیّتِ ثَلاثَهٌ: حَجَّهٌ لِلمَحجوجِ عَنهُ وحَجَّهٌ لِلحاجِّ وحَجَّهٌ لِلموصی. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: یک حج به نیابت از مرده، سه حجّ است: حجی

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۱۹.
۲- کافی، ج ۴، ص ۵۱۲.
۳- السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۹۳.
۴- الفردوس، ج ۲، ص ۱۳۶.

ص: ۸۰

برای مرده، حجی برای نایبش و حجی برای عمل کننده به وصیت مرده.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن حَجَّ عَن مَیّتٍ کُتِبَت عَنِ المَیّتِ وکُتِبَ لِلحاجِّ بَراءَةٌ مِنَ النّارِ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که از طرف مرده ای حج انجام دهد، هم برای آن مرده و هم برای حج گزار، رهایی از آتش نوشته می شود.

عن ابنِ مُسکانَ عَن أبی عبدِاللهِ قالَ: قُلتُ لَهُ: الرَّجُلُ یحُجُّ عَن آخَرَ، ما لَهُ مِنَ الأجرِ والثّوابِ؟ قال: لِلَّذی یحُجُّ عَن رَجُلٍ أجرٌ وثوابُ عَشرِ حِجَجٍ. (۲)

ابن مسکان می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: کسی که به نیابت از دیگری حج می گزارد، چه پاداشی برای اوست؟ فرمود: کسی که به نیابت از دیگری حج می گزارد، پاداش ده حج را دارد.

۱۰. طواف وداع

الإمام الصّادق (ع) :

فإذا أرَدْتَ وِداعَ البَیتِ فَطُفْ بِهِ أسبُوعاً ثُمَّ صَلّی رَکعَتَینِ. (۳)

امام صادق فرمود: پس هرگاه خواستی با خانه خدا وداع کنی، هفت بار دور آن طواف کن و سپس دو رکعت نماز بخوان.

الامام الصادق (ع) :

إذا أرَدتَ أن تَخرُجَ مِن مَکَّةَ وتَأتِی أهلَکَ فَوَدِّعِ البَیتَ وطُف بِالبَیتِ اُسبوعاً. . . . (۴)

۱- کنزالعمال، ج ۵، ص۱۲۵.

۲- کافی، ج ۴، ص ۳۱۲.

۳- الهدایه، ص ۶۵.

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۳۰.

ص: ۸۱

امام صادق (ع) فرمود: چون خواستی از مکّه خارج شوی و نزد خانواده ات برگردی، با کعبه وداع کن و هفت بار طواف به جا آور. . . .

الإمام الرّضا (ع) :

فإذا فَرَغْتَ مِنَ الْمناسكِ كلِّها. . . وإذا أردْتَ الخُروجَ مِن مكّةَ فَطُفْ بِالبيتِ أسبوعاً طوافَ الوِداعِ. . . . (۱)

امام رضا (ع) فرمود: هنگامی که از همه اعمال مناسک فارغ شدی. . . و وقتی قصد خارج شدن از مکّه را داشتی، به عنوان وداع هفت دور، دور خانه خدا طواف کن. . . .

عَلی بنِ مَهزِیار: رَأیتُ أبا جَعفَرٍ الثّانی فی سَنَهِ خَمسٍ وعِشرینَ ومِائَتَینِ وَدَّعَ البَیتَ، بَعدَ ارتِفاعِ الشَّمسِ وطافَ بِالبَیتِ یستَلِمُ الرُّکنَ الیمانِی فی کُلِّ شَوطٍ. . . . (۲)

علی بن مهزیار می گوید: امام جواد (ع) را در سال دویست و بیست و پنج دیدم که پس از بالا آمدن خورشید، با خانه خدا وداع کرد. خانه خدا را طواف می کرد، درحالی که در هر دور، دست به رکن یمانی می کشید. . . .

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۳۲.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۳۲.

ص: ۸۲

ص: ۸۳

فصل چهارم: اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه

اشاره

ص: ۸۴

ص: ۸۵

۱. مکه مکرمه

الف) نام های مکّه

الإمام علی (ع) : - لمّا سَألَه رَجلٌ مِن أهلِ الشّام: لِمَ سُمّیتْ مکَّهُ أُمَّ القری - قالَ: لأنّ الأرضَ دُحِیتْ مِن تَحتِها. (۱)

حضرت علی (ع) در پاسخ مردی از شامیان که پرسید: چرا مکّه را «ام القری» نامیده اند، فرمود: زیرا زمین از زیر آن، گسترده شده است.

الإمام الباقر (ع) : إنّ بَکَّهَ موضعُ البیتِ وإنَّ مکّهَ الحرمُ وذلکَ قولُه: وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً . (۲)

امام باقر (ع) فرمود: بکّه، جایگاه خانه خداست و مکه، حرم است و این همان سخن خداوند است که: «هرکس وارد آن شود، ایمن است» .

الإمام الصّادقُ (ع) :

مَوضِعُ البیتِ بَکَّهُ والقریهُ مَکَّهُ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: محل خانه خدا «بکّه» است و آبادی «مکّه» است.

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۱۷.

۲- تفسیر طبری، ج ۳، ص ۹.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۷۸.

ص: ۸۶

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنّما سُمِّيتْ مَكَّهُ بَكَّهَ لأنَّ النّاسَ يَتباكَونَ فيها. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: مکّه را از این جهت «بکّه» گفته اند که مردم در آن [به هنگام طواف] به یکدیگر فشار می آورند [و یکدیگر را هُل می دهند].

الإمـام الصّادقُ (ع) : أسـماءُ مكّهَ خَمسهٌ: اُمُّ القُرى ومَكَّهُ وبَكَّهُ، والبَسّاسَهُ كانُوا إذا ظَلَموا بِها بَسَّتْهم أى أخرَجَتهُم وأهْلَكَتْهُم و اُمُّ رُحْمٍ كانُوا إذا لَزِموها رُحِموا. (۲)

نام های مکّه پنج تا است: ام القری، مکّه، بکّه، بسّاسه [یعنی نابودکننده]؛ چون مردم وقتی در مکّه ظلم می کردند، آنها را بیرون می کرد و هلاک می ساخت و امّ رُحْم؛ زیرا هرگاه معتکف مکّه می شدند، مورد رحمت قرار می گرفتند.

ب) فضیلت مکّه مکرمه

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

إنّ لِلّهِ عزَّوجلَّ خِياراً مِن كلِّ ماخَلَقَه. . . فأمّا خِيارُهُ مِن البُقاعِ فمَكَّهُ وَالمدينهُ وَبَيتُ المقدسِ. (۳)

پیامبر خـدا (ص) فرمود: خداونـد از هر چه آفریده، برگزیده ای دارد. . . ، اما برگزیده او از سـرزمین ها مکّه، مدینه و بیت المقدس است.

رسولُ اللهِ (ص) : – مُخاطباً مكَّهَ – ما أطْيَبَكِ مِن بلدٍ وأحبَّكِ إلىَ! ولولا أنّ قومى أخرَجونى منكِ ماسَكَنْتُ غيرَكِ. (۴)

پیامبر خدا (ص) – خطاب به مکّه – فرمود: چه شهر پاکی! و چه قدر نزد من

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۱۷.

۲- الخصال، ج ۱، ص ۲۷۸.

۳�- لخصال، ج ۱، ص ۲۲۵.

۴- عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۸۶.

ص: ۸۷

من محبوب هستی! اگر نبود که قومم مرا از تو بیرون کردند، در جایی جز تو ساکن نمی شدم.

الإمام الباقر (ع) :

النّائِمُ بِمَکَّهَ کَالمُتَهَجِّدِ فِی البُلدانِ. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: کسی که در مکه بخوابد، همچون کسی است که در شهرهای دیگر به تهجّد (شب زنده داری) می پردازد.

الإمام الصّادقُ (ع) :

أحَبُّ الأرضِ إلَی اللهِ تَعالی مکَّهُ وما تُربهٌ أحبَّ إلی اللهِ عزّوجلّ مِن تُربَتِها ولا حَجَرٌ أحبَّ إلَی اللهِ عزّوجلّ مِن حَجَرِها ولا شَجَرٌ أحبَّ إلی الله عزّوجلّ مِن شَجَرِها. . . . (۲)

امام صادق (ع) فرمود: محبوب ترین سرزمین نزد خداوند مکّه است و هیچ خاکی نزد خداوند محبوب تر از خاک آن و هیچ سنگی نزد خداوند محبوب تر از سنگ آن و هیچ درخت و کوه و آبی نزد خداوند محبوب تر از درخت و کوه و آب آن نیست.

الامام الصّادق (ع) :

مَن أماطَ أذیً عَن طریقِ مکَّهَ کَتَبَ اللهُ له حَسَنهً ومَن کَتَبَ له حَسَنهً لَم یُعذِّبْهُ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که مایه آزاری را از مکه بردارد، خداوند برای او حسنه ای (ثوابی پایدار) می نویسد و خدا، هرکس را حسنه ای برایش نوشته باشد، عذاب نمی کند.

یک – محللات حرم

رسول الله (ص) :

خَمسٌ فواسِقُ یُقتَلنَ فِی الحَرَم: الفَأرَهُ والعَقرَبُ والحُدَیّا

۱- المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۴۹.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۴۷.

ص: ۸۸

والغُرابُ والکَلبُ العَقورُ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: پنج نوع حیوان اند که در حرم کشته می شوند: موش، عقرب، زاغ، کلاغ و سگ هار.

الإمام الصادق (ع) :

لابَأسَ بِقَتلِ البُرغوثِ والقُمَّلَهِ والبَقَّهِ فی الحَرَمِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: کشتن کک، شپش و پشه در حرم اشکالی ندارد.

الإمام الصادق (ع) :

یُقتَلُ فی الحرمِ والاحرامِ، الأفْعی والأسودُ الغَدِر وکلُّ حیهٍ سَوءٍ والعقربُ والفَأرهُ وهی الفُوَیْسِقَهُ ویُرجَمُ الغُرابُ والحِدَأَهُ رجماً فإنْ عَرَضَ لکَ لَصوصٌ إمتَنَعْتَ منهم. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: در حرم و در حال احرام [این چند حیوان:] افعی، شیر درنده، هر مار خطرناک، عقرب و موش که فاسق اند، کشته می شوند و کلاغ و زاغ هم با سنگ، رانده می شوند. پس اگر دزدان متعرض تو شدند، دفاع کن.

دو – محرمات حرم در مکّه

رسول الله (ص) :

إنّ اللهَ حَرَّمَ مکَّهَ یومَ خَلَقَ السَّماواتِ والأرضَ، وهی حرامٌ إلی أنْ تَقومَ السّاعهُ، لَمْ تَحِلَّ لأحدٍ قبلی، ولا تَحِلُّ لأحدٍ بَعدی، و لَم تَحِلَّ لی إلّا ساعهً مِن نهارٍ. (۴)

پیامبر خدا (ص) در روز فتح مکه فرمود: خداوند، روزی که آسمان ها و زمین

۱- صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۲۰۴.

۲- کافی، ج ۴، ص ۳۶۴.

۳�- افی، ج ۴، ص ۳۶۳.

۴- بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۵.

ص: ۸۹

زمین را آفرید، مکه را حرام ساخت و تا برپایی قیامت نیز حرام است و برای هیچ کس پیش از من حلال نشده و برای هیچ کس پس از من نیز حلال نخواهد شد و برای من جز ساعتی از یک روز، حلال نشده است.

الإمام علی (ع) :

لاتَخرُجوا بِالسُّیوفِ إلی الحَرَمِ ولا یُصَلِّیَنَّ أحَدُکُم وبَینَ یدیهِ سَیفٌ، فَإنَّ القِبلَةَ أمنٌ. (۱)

امام علی (ع) فرمود: با شمشیرها به سوی حرم بیرون نروید و هیچ یک از شما درحالی که در برابرش شمشیر است، نماز نخواند؛ زیرا قبله، امن است.

الإمام الصادق (ع) :

لاینبَغی أن یدخُلَ الحَرَمَ بِسِلاحٍ إلاّ أن یدخِلَهُ فی جَوالِقَ أو یَغیبَهُ یعنی یلُفُّ عَلَی الحَدیدِ شیئاً. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: سزاوار نیست که سلاح وارد حرم کند، مگر اینکه آن را در کیسه ای بگذارد یا [با پیچیدن آن در چیزی] پنهانش کند.

عن أبی بصیرٍ عن الإمام الصادق (ع) ،

قال: سَألتُه عنِ الرَّجُلِ یُریدُ مکَّةَ أوِ المدینهَ، یُکرَهُ أنْ یخرُجَ مَعهُ بالسِّلاحِ؟ فقالَ: لا بأسَ بأنْ یخْرُجَ بالسِّلاحِ مِن بَلَدِهِ، ولکن إذا دَخَلَ مکَّةَ لَمْ یُظهِرْهُ. (۳)

ابو بصیر می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که کسی می خواهد به مکّه یا مدینه برود، آیا همراه داشتن سلاح برای او مکروه است؟ فرمود: اشکالی ندارد که سلاح را از شهر خود بیرون ببرد؛ ولی وقتی وارد مکه می شود، آن را آشکار نسازد.

۱- الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۲۸.

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۲۸.

ص: ۹۰

سه - مکروهات حرم

الامام الباقر (ع) :

لایَنبغی لِلرَّجلِ أن یقیمَ بِمَکَّهَ سَنَهً، قُلتُ: کیفَ یصنَعُ؟ قال: یتَحَوَّلُ عَنها. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: شایسته نیست که انسان در مکّه یک سال بماند. گفتم: پس چه کند؟ فرمود: به جای دیگر برود.

الإمام الباقر (ع

) : لاینبغی لأحدٍ أن یرفَعَ بِناءً فَوقَ الکَعبَهِ. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: برای هیچ کسی سزاوار نیست که ساختمانی بالاتر از کعبه بسازد.

عن أحمد بن محمد السیاری قالَ: رَوی جَماعَهٌ مِن أصحابِنا رَفعوهُ إلی أبی عَبدِاللهِ (ع) أنَّهُ کَرِهَ المُقامَ بِمَکَّهَ وذلکَ أنَّ رسولَ اللهِ اُخرِجَ عنها والمُقیمُ بِها یقسو قلبُهُ حَتّی یأتِی فی غَیرِها. (۳)

احمد بن محمد سیاری می گوید: از امام صادق (ع) روایت شده که آن حضرت، اقامت در مکّه را پسندیده نمی دانست و این به خاطر آن بود که پیامبر (ص) را از این شهر بیرون کردند و کسی که مقیم مکه شود، سنگ دل می شود تا آنکه در جای دیگر اقامت کند.

عن أبی عبدِاللهِ: سَألتُهُ عن رَجُلٍ لی عَلَیهِ مالٌ، فَغابَ عَنّی زَماناً، فَرَأیتُهُ یطوفُ حَولَ الکَعبهِ، أفَأَتَقاضاهُ مالی؟ قالَ: لا، لا تُسَلِّم عَلَیهِ ولا تُرَوِّعهُ حَتّی یخرجَ مِنَ الحَرَمِ. (۴)

از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی به من مالی بدهکار است. مدتی از چشمم

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۳۰.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۳۰.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۸۰.

۴- کافی، ج ۴، ص ۲۴۱.

ص: ۹۱

چشم پنهـان بود، تـا اینکه او را در حـال طواف کعبه دیـدم، آیا مال خود را از او طلب کنم؟ فرمود: نه، به او سـلام نـده و هراسانش مکن، تا آنکه از حرم بیرون رود.

ج) مسجدالحرام

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

أعظمُ المساجِدِ حُرمهً وأحبُّها إلَی اللهِ وأکرمُها عَلَی اللهِ تَعالی، المسجدُ الحرامِ. (۱)

پیامبراکرم (ص) فرمود: محترم ترین و محبوب ترین و گرامی ترین مساجد نزد خداوند متعال، مسجدالحرام است.

رسولُ اللهِ (ص) : فَضْلُ المسجدِ الحرامِ عَلی مَسجدی کَفَضْلِ مَسجدی عَلَی المَساجِدِ. (۲)

پیامبراکرم (ص) فرمود: برتری مسجدالحرام بر مسجد من، همچون برتری مسجد من بر مساجد دیگر است.

الإمام علی (ع) : أربعهٌ مِن قصورِ الجنَّهِ فِی الدُّنیا: المسجدُ الحرامِ ومسجدُ الرَّسولِ ومَسجدُ بَیت المقدسِ ومَسجدُ الکوفَهِ. (۳)

امام علی (ع) فرمود: چهار مکان انـد که از قصـرهای بهشتی در دنیا هسـتند: مسـجدالحرام، مسـجد الرسول، مسـجد بیت المقـدس و مسجد کوفه.

الإمام الصّادقُ (ع) :

خَطَّ ابراهیمُ بِمکَّهَ مابَینَ الحَزْوَرَهِ إلَی المَسْعی، فذلِکَ الّذی کانَ خَطَّ ابراهیمُ (ع) ، یعنی المسجدَ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: ابراهیم در مکّه بین حزوره [نام محلی در مکّه

۱- کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۶۲۴.

۲- سنن نسائی، ج ۲، ص ۳۲.

۳- امالی طوسی، ص ۳۶۹.

۴- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۰۴.

ص: ۹۲

نزدیك باب الحنّاطین] تا مسعا را خط کشید و این همان خطّی بود که ابراهیم (ع) رسم کرد؛ یعنی مسجد.

یک – آداب وارد شدن به مسجدالحرام

الإمام الباقر (ع) :

إنَّه [عَلیاً] کانَ إذا قَدِمَ مَکَّهَ بَدَأ بِمنزلِهِ قَبلَ أن یَطوفَ. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: هرگاه علی (ع) به مکّه وارد می شد، پیش از آنکه طواف کند، ابتدا به محل فرود آمدن خویش می پرداخت.

الإمام الباقر (ع) :

إذا دَخَلتَ المَسجدَ الحَرامَ وَحاذَیتَ الحَجَرَ الأسوَدَ فَقُل: «أشهدُ أن لا إله إلاّ الله وحدَهُ لاشَریکَ لَهُ وأشهَدُ أنَّ مُحمّداً عَبدُهُ ورسولُهُ، آمَنتُ بِاللهِ وکَفرتُ بالطّاغوتِ وبِاللّاتِ والعُزّی وبِعبادَهِ الشَیطانِ وبعبادَهِ کُلِّ نِدٍّ یُدعی من دونِ اللهِ. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: هرگاه وارد مسجدالحرام شدی و روبه روی حجرالأسود قرار گرفتی، بگو: گواهی می دهم که جز خداوند یکتا معبودی نیست و شریکی ندارد و شهادت می دهم که محمّد (ص) ، بنده و فرستاده اوست. به خدا ایمان آورده به طاغوت و لات و عزّی و پرستش شیطان و عبادت هر که جز خدا خوانده شود، کفر ورزیده ام.

الإمام الصادق (ع) :

إذا دَخَلَ الحاجُّ أوِ المُعتَمِرُ مَکَّهَ بَدَأ بِحیاطَهِ رَحلِهِ، ثُمَّ قَصَدَ المَسجدَ الحرامَ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی که حج یا عمره گزار است، وارد مکّه می شود، ابتدا وسایل خود را مستقر سازد و سپس آهنگ مسجدالحرام کند.

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۹۹.

۲- کافی، ج ۴، ص۴۰۳.

۳- دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۱۱.

ص: ۹۳

دو – مدفن پیامبران در مسجدالحرام

رسولُ اللهِ (ص) :

کـانَ النَّبیُّ مِنَ الأنبیـاءِ إذا هَلَکَت اُمَّتُه لَحِقَ بِمکّهَ فَیَتَعَبَّدُ فیهَا النَّبیُّ ومَن مَعَه حتّی یَموتَ فیهـا، فَمـاتَ بهـا نوحٌ وهودٌ وصالـحٌ وشـعیبٌ وقبورُهم بینَ زَمزَمَ والحَجَرَ. (۱)

رسول خـدا (ص) فرمود: از میان پیامبران، هر پیامبری که امتش هلاک می شدنـد، به مکّه می آمد و با همراهانش تا زمان مرگ در آنجا به عبادت می پرداختند. نوح، هود، صالح، شعیب، در مکّه از دنیا رفتند و قبرهاشان میان زمزم و حجرالأسود است.

الإمام الباقر (ع) :

إنَّ مابَینَ الرُّکنِ والمَقامِ لَمَشحُونٌ مِن قبورِ الأنبیاءِ، وانَّ آدمَ لَفی حَرَمِ اللهِ عزّوجلّ. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: مابین رکن و مقام، پر است از قبور پیامبران، آدم نیز در حرم خدای عزوجل است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

دُفِنَ مابَینَ الرُّکنِ الیمانی والحَجَرِ الأسودِ سَبْعُونَ نبیّاً. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: میان رکن یمانی و حجرالأسود، هفتاد پیامبر مدفون اند.

سه – فضیلت نماز خواندن در مسجدالحرام

الإمام الباقر (ع) :

مَن صَلَّی فی المَسجدِ الحرامِ صَلاهً مَکتوبَهً قَبِلَ اللهُ بِها مِنهُ کُلَّ صَلاهٍ صَلّاها مُنذُ یَومٍ وَجَبَت عَلَیهِ الصَّلاهُ وکُلَّ صَلاهٍ یُصَلّیها

۱- حـج و عمره در قرآن و حـدیث، ص ۱۷. لازم به یـادآوری است که روایـاتی دلالت دارد بر اینکه قبر نوح (ع) در کنار قبر علی (ع) است.

۲- وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۶۹.

۳- حج و عمره در قرآن، ص۱۱۷.

ص: ۹۴

إلی أنْ یَموتَ. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: هرکس که در مسجدالحرام یک نماز واجب بخواند، خداوند همه نمازهایی را که از روز واجب شدن نماز بر او خوانده و همه نمازهایی که تا زمان مرگ می خواند را از او قبول می کند.

الإمام الصادق (ع) :

أکثِروا مِنَ الصَّلاهِ والدُّعاء فی هذَا المَسجِدِ، أما إنَّ لِکُلِّ عَبدٍ رِزقاً یُجازُ إلیهِ جوزاً. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: در این مسجد، نماز و دعا زیاد بخوانید. آگاه باشید که برای هر بنده، روزی ای است که به سوی او سوق داده می شود.

عن أبی الحَسَن، قال:

سَألْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ یُصَلّی فی جَماعَهٍ فی مَنزِلِه بِمَکّهَ أفضلُ أو وَحدَهُ فی المَسجِدِ الحرامِ؟ فَقالَ: وَحدَهُ. (۳)

از امام رضا (ع) پرسیدم: کسی که نماز را در خانه اش در مکّه به جماعت بخواند افضل است یا در مسجد الحرام و به تنهایی بخواند؟ فرمود: به تنهایی.

عن موسی بن سَلامٍ:

إعتَمَرَ أبو الحَسَنِ الرِّضا، فَلَمّا وَدَّعَ البَیتَ وصارَ إلی بابِ الحَنّاطینَ لِیَخرُجَ مِنهُ وَقَفَ فی صَحنِ المَسجِدِ فی ظَهرِ الکَعبهِ، ثُمَّ رَفَعَ یَدَیه فَدَعا، ثُمّ التَفَتَ إلینا، فقال: نِعمَ المَطلوبُ بِهِ الحاجَهُ إلیه، الصَّلاهُ فیه أفضَلُ مِنَ الصَّلاهِ فی غَیرِهِ سِتّین سَنَهً أو شَهراً. (۴)

موسی بن سلام می گوید: امام رضا (ع) عمره انجام داد، چون با کعبه

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۳۱.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۲۶.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۲۷.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۰.

ص: ۹۵

وداع کرد و به در حنّاطین رسید که از آنجا خارج شود، در محوطه مسجد

پشت کعبه ایستاد. سپس دستانش را بلند کرد و دعا فرمود. آن گاه به ما توجه کردند و فرمودند: چه جای خوبی است برای حاجت بردن به نزد او؛ نماز در آن، برتر از شصت سال نماز در جای دیگر است و یا فرمودند: برتر از شصت ماه.

د) خانه خدا

یک – نام های خانه خدا

عَن أبی جعفرٍ (ع) : قالَ: قُلتُ له: لِمَ سُمّی البَیتُ العتیقَ؟ قالَ: هو بَیتٌ حُرٌّ عَتیقٌ مِن النّاسِ، لَم یمْلِکْهُ أحدٌ. (۱)

از امام باقر (ع) پرسیدم: چرا کعبه را بیت عتیق [خانه آزاد] نامیده اند؟ فرمود: چون خانه ای است آزاد و رها شده از سلطه مردم و هیچ کس مالک آن نیست.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنَّ اللهَ عزّوجلّ أغْرقَ الأرضَ کُلَّها یَومَ نوحٍ إلّا البَیتَ، فیَومئذٍ سُمِّی العتیقَ؛ لأنَّهُ اُعْتِقَ یومئذٍ مِنَ الغَرَقِ. (۲)

خداوند متعال در ماجرای نوح، همه زمین را زیر آب بُرد، جز خانه خدا را، آن روز این خانه عتیق نام نهاده شد؛ زیرا آن روز از غرق شدن رها شد.

الإمام الصّادقُ (ع) :

حینَ سُئِلَ: لِمَ سُمِّی البیتُ العتیقَ لأنَّ اللهَ أعتَقَهُ مِنَ الطّوفانِ. (۳)

۱- کافی، ج ۴، ص ۱۸۹.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۱.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۱۵.

ص: ۹۶

آن گاه که از ایشان پرسیده شد: چرا کعبه بیت العتیق نامیده شد؟ فرمود:

چون خداوند آن را از طوفان آزاد کرد.

عن حنّان: قلت لأبی عبدالله (ع) :

لِمَ سُمِّی بیتَ اللهِ الحَرامَ؟ قالَ: لأَنَّهُ حُرِّمَ عَلَی المُشرکینَ أنْ یدْخُلُوهُ. (۱)

حنّان می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: چرا کعبه را بیت الله الحرام نامیده اند؟ فرمود: چون بر مشرکان حرام است که وارد آن شوند.

دو – فضیلت کعبه

رسولُ اللهِ (ص) :

أوّلُ مسجدٍ وُضِعَ فِی الأرضِ الکعبهُ، ثمَّ بیتُ المقدسِ وکانَ بینَهما خَمْسُ مائَهِ عامٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: نخستین مسجدی که در زمین قرار داده شد، کعبه بود و سپس بیت المقدس و میان این دو، پانصد سال فاصله بود.

رسولُ اللهِ (ص) :

أکرمُ البُیوتِ عَلی وَجهِ الأرضِ أربعهٌ: الکَعبهُ وبیتُ المقدسِ وبَیتٌ یقرَأُ فیهِ القرآنُ والمَساجِدُ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: گرامی ترین خانه ها بر روی زمین، چهار خانه اند: کعبه، بیت المقدس و خانه ای که در آن قرآن خوانده شود و مساجد.

الإمام الصّادقُ (ع) عن آبائِه: –

فی وصفِ الکَعبهِ – البَیتُ حُجَّهُ اللهِ فی أرضِهِ عَلی خَلقِهِ. (۴)

امام صادق (ع) به نقل از پدرانش در وصف کعبه فرمود: خانه خدا در روی زمین، حجت خدا بر بندگانش است.

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص۵۹.

۲- کنزالعمال، ج ۲، ص ۲۱۲.

۳- المواعظ العددیه، ص ۱۵۸.

۴- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۹.

ص: ۹۷

الإمام الصّادقُ (ع) :

هذا بَیتٌ إسْتَعْبَدَ اللهُ بِهِ خَلقَهُ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: این خانه ای است که خدا به سبب آن، بندگانش را به عبادت فرا خوانده است.

اول - آرایش و پوشش کعبه

رسول الله (ص) - لِعُثمانَ -:

إنّی نَسیتُ أن آمُرَکَ أن تُخَمِّرَ القَرنَینِ؛ فَإنَّهُ لَیسَ یَنبَغی أن یَکونَ فی البَیتِ شَیءٌ یَشغَلُ المُصلِّیَ. (۲)

رسول الله (ص) به عثمان می فرمود: من فراموش کردم به تو فرمان دهم که روی دو شاخ [گوسفندی که فدیه اسماعیل شد] را بپوشانی؛ چرا که سزاوار نیست در خانه چیزی باشد که نمازگزار را مشغول کند.

الإمام الباقر (ع) : إنَّ علی بن أبی طالبٍ (ع) کانَ یبعَثُ بِکِسوَهِ البَیتِ فی کلِّ سَنَهٍ مِنَ العِراقِ. (۳)

امام باقر (ع) فرمود: علی بن ابی طالب (ع) همه ساله از عراق، پوشش کعبه را می فرستاد.

دوم - تبرک جستن به پوشش کعبه

عن عبدالملکِ: سَألتُ أبَا الحَسَنِ الإمام الکاظم (ع) عَن رَجُلٍ اِشتَری مِن کِسوَهِ الکَعبَهِ شَیئاً، فَقَضی بِبَعضِهِ حاجَتَهُ وبَقِیَ بَعضُهُ فی یدِهِ، هَل یصلُحُ بَیعُهُ؟ قالَ: یبیعُ ما أرادَ ویهَبُ ما لَم یرید ویستَنفِعُ بِهِ ویطلُبُ بَرَکَتَهُ، قُلتُ: أیکَفَّنُ بِهِ المَیتُ؟ قالَ: لا. (۴)

۱- کافی، ج ۴، ص ۴۱۰.

۲- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۰۴.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۶۰.

۴- کافی، ج ۳، ص ۱۴۸.

ص: ۹۸

عبدالملک می گوید: از امام کاظم (ع) درباره مردی پرسیدم که مقداری از پوشش کعبه را خریده و با بخشی از آن، نیاز خود را برطرف ساخته؛ ولی بخشی هم در دست او مانده است. آیا می تواند آن را بفروشد؟ فرمود: آنچه را می خواهد، بفروشد و آنچه را نمی خواهد، هدیه دهد و از آن سود ببرد و برکت آن را بطلبد. گفتم: آیا می توان با آن، مرده را کفن کرد؟ فرمود: نه.

عبدالملِکِ بن عُتبَه: سَألتُ أبا عبدالله عمّا یصِلُ إلینا مِن ثِیابِ الکَعبَهِ، هل یصلُحُ لَنا أن نَلبَسَ شیئاً مِنها؟ قالَ: یصلُحُ لِلصِّبیانِ والمَصاحِفِ والمِخَدَّهِ، تَبتَغی بِذلکَ البَرَکهَ إن شاءَ اللّه. (۱)

عبدالملک بن عتبه می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: آنچه از پوشش کعبه به دستمان می رسد آیا می توانیم بخشی از آن را بپوشیم؟ فرمود: می توان برای کودکان، قرآن ها و بالش از آن استفاده کرد. [می توانی] به خواست خدا بدین وسیله برکت بجویی.

الإمام صادق (ع) :

لا بَأس أن یأخُذَ مِن دیباجِ الکَعبهِ فَیجعَلَهُ غِلافَ مُصحَفٍ أو یَجعَلَهُ مُصَلًّی یُصَلّی عَلَیهِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: اشکالی ندارد که از دیبای کعبه برگرفت و آن را روکش قرآن یا جانماز ساخت و روی آن نماز خواند.

سه - فضیلت نگاه کردن به کعبه

رسولُ اللهِ (ص

) : النَّظَرُ إلَی الکَعبهِ عِبادَهٌ. (۳)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: نگاه کردن به خانه کعبه عبادت است.

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۲۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۶۰.

۳- امالی طوسی، ص ۴۵۵.

ص: ۹۹

رسولُ اللهِ (ص) :

النَّظَرُ إلَی الکعبَهِ حُبّاً لَها عبادهٌ، وَیهدِمُ الخَطایا هَدْماً. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: از روی محبت نگاه کردن به کعبه، عبادت است و خطاها را به طور کامل از بین می برد.

رسولُ الله (ص) :

تُفتَحُ أبوابُ السَّماء ویستَجابُ الدُّعاءُ فی أربعهِ مَواطِنَ. . . وعِندَ رُؤیهِ الکعبهِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: در چهار مورد درهای آسمان گشوده می شود و دعای بندگان به استجابت می رسد. . . [یکی هم] هنگام دیدن کعبه.

الإمام الصّادقُ (ع) :

مَن نَظَرَ إلَی الکعبهِ لَم یزَلْ تُکتَبُ لَهُ حَسَنَهٌ وتُمْحی عنه سَیّئهٌ، حتّی یَنصَرِفَ بِبَصرِهِ عَنها. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرکس به کعبه بنگرد، پیوسته برای او حسنه نوشته می شود و گناه از او محو می شود، تا آنکه نگاهش را از کعبه برگیرد.

ه) بهترین جای مسجدالحرام

. . . قالَ لَنا علی بنُ الحسینِ زَینُ العابِدین (ع) : أی البِقاعِ أفضلُ؟ فقلتُ: اللهُ ورسولُه وابنُ رسولِه أعلَمُ، فقالَ: إنَّ أفْضَلَ البِقاعِ مابَینَ الرّکنِ والمَقامِ. (۴)

. . . امام زین العابدین (ع) به ما فرمود: کدام قطعه زمین، برتر است؟ گفتم: خدا و پیامبرش و فرزند پیامبرش داناترند. فرمود: بهترین قطعه زمین، میان رکن و مقام است.

۱- المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- سنن الکبری، ج ۳، ص ۵۰۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۰.

۴- امالی طوسی، ص ۱۳۲.

ص: ۱۰۰

عَن أبی عُبَیدَه: قُلْتُ لأبی عَبدِاللهِ (ع) : . . . فأی بِقاعِهِ أفضلُ؟ قالَ: مابَینَ البابِ

إلَی الحَجَرِ الأَسْوَدِ. (۱)

ابوعبیده می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: کدام جای مسجدالحرام برتر است؟ فرمود: میان در کعبه و حجرالأسود.

الإمام الصّادقُ (ع) : إنْ تَهَیأَ لَکَ أنْ تُصَلِّی صَلَواتِکَ کلَّها الفرائضَ وغیرَها عندَ الحَطیمِ فَافْعَلْ، فَإنَّهُ أفضلُ بُقعَهٍ عَلی وَجهِ الأرضِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: اگر برایت فراهم شد که همه نمازهای واجب و غیر واجب را در حطیم [حطیم اسماعیل] بخوانی، بخوان؛ زیرا آنجا برترین نقطه روی زمین است.

و) مقام ابراهیم

و) مقام ابراهیم (۳)

رسولُ اللهِ (ص) : إنَّ اللهَ فَضَّلَ مَکَّهَ وجَعَلَ بعضَها أفضلَ مِن بعضٍ فقال: وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إبْراهِیمَ مُصَلًّی . (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: خداوند مکّه را فضیلت داد و بخشی از آن را برتر از بخش دیگر قرار داد و فرمود: «از مقام ابراهیم، جایگاه نماز بگیرید» .

الامام الحسین (ع) : إنّ اللهَ قَدْ جَعَلَهُ عَلَماً لَمْ یکنْ لِیذْهَبَ بِهِ. (۵)

امام حسین (ع) فرمود: همانا خداوند سبحان مقام ابراهیم (ع) را علم و نشانه خود قرار داده است و هرگز از بین نمی رود [آن را از بین نمی برد].

عَن ابنِ سنانٍ: سألتُ أبا عبدِاللهِ (ع) عَن قَولِ الله عزَّوجلَّ: إنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۳۹.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳- ر. ک: بقره: ۱۲۵.

۴- کافی، ج ۴، ص ۲۲۳.

۵- کافی، ج ۴، ص ۲۲۳.

ص: ۱۰۱

وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ * فِیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ ما هذِهِ الآیاتُ

البّیناتُ؟ قالَ: مقامُ ابراهیمَ حَیثُ قامَ عَلَی الحَجَرِ فأثَّرَت فیه قدماه. . . . (۱)

از ابن سنان: از امام صادق (ع) درباره آیه «همانا اولین خانه ای که برای مردم قرار داده شد همان است که در مکّه و فرخنده و هدایتگر برای جهانیان است، در آن نشانه هایی روشن است» پرسیدم که این نشانه های روشن چیست؟ فرمود: مقام ابراهیم؛ آنجا که بر روی سنگ ایستاد و قدم های او بر سنگ اثر گذاشت.

ز) حجرالأسود

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

الحَجَرُ یمینُ اللهِ فی أرضِهِ، فَمَن مَسَحَهُ مَسَحَ یدَ اللهِ. (۲)

پیامبراکرم (ص) فرمود: حَجر، دست خداوند در زمین است، هر که آن را لمس کند، دستِ خدا را لمس کرده است.

رسولُ اللهِ (ص) :

الحَجَرُ الأسوَد یمینُ اللهِ فِی الأرضِ یُصافِحُ بِها عِبادَهُ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: حجرالأسود دست خداوند در زمین است که با آن، با بندگانش دست می دهد.

رسولُ اللهِ (ص) :

الحَجَرُ یمینُ اللهِ، فَمَن شاءَ صافَحَهُ لَها. (۴)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: حجر، دست خداست. هرکس بخواهد، به وسیله آن با خدا دست می دهد.

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۲۳.

۲- جامع الأحادیث للقمی، ص ۷۱.

۳- الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۲۸.

ص: ۱۰۲

رسولُ اللهِ (ص) :

الحَجَرُ الأسوَدُ مِنَ الجَنَّهِ. (۱)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: حجرالأسود از بهشت است.

رسولُ اللهِ (ص) :

الحَجَرُ الأسوَدُ مِن حِجارَهِ الجَنَّهِ. (۲)

رسول خدا (ص) فرمود: حجرالأسود، از سنگ های بهشت است.

استلام و بوسیدن حجرالأسود

الحارث عَن الإمام علی (ع) :

أنّه کانَ إذا مَرَّ بالحَجَرِ الأسودِ فَرَأی علیهِ زِحاماً استَقْبَلَه وَکَبَّرَ وقال: ألّلهُمَّ تصدیقاً بکتابکَ وسُنَّهِ نَبیکَ. (۳)

حارث می گوید: هرگاه علی (ع) بر حجرالأسود می گذشت و بر گرد آن ازدحام می دید، رو به آن کرده تکبیر می گفت و می گفت: خدایا! به کتاب تو و سنت پیامبرت، یقین و باور دارم.

الإمام الصّادقُ (ع) :

کانَ رسولُ اللهِ (ص) یسْتَلِمُهُ [الحَجَر] فی کلِّ طوافِ فریضهٍ ونافلهٍ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) در هر طواف واجب و مستحب، بر حجرالأسود دست می کشید.

عن معاویه بن عمّار: سألتُ أبا عبدالله (ع) عَن رَجُلٍ حَجَّ ولَمْ یستَلِمِ الحَجَرَ، فقالَ: هُوَ مِنَ السُّنَّهِ، فإن لَمْ یقْدِرْ فاللهُ أولی بالعُذْرِ. (۵)

معاویه بن عمّار می گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی حج انجام

۱- سنن نسائی، ج ۵، ص ۲۲۶.
۲- السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۵۹.
۳- السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۲۸.
۴- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۲۵.
۵- کافی، ج ۴، ص ۴۰۵.

ص: ۱۰۳

داده ولی بر حجرالأسود دست نکشیده است. فرمود: این مستحب است، اگر نتواند، خداوند به عذرپذیری شایسته تر است.

ح) حِجْرِ اسماعیل

عَنْ طاوُوسِ الفقیهِ: رأیتُ فی الحِجْرِ زَینَ العابدینَ (ع) یصَلّی وَیدعُو: «عُبَیدکَ ببابِکَ، أسیرُکَ بِفِنائکَ، مِسکینُکَ بفنائکَ، سائلُکَ بِفِنائکَ، یشکُو إلیکَ ما لایخفی إلیکَ» وَفی خَبَرٍ: لاتَرُدَّنی عَنْ بابِکَ. (۱)

طاووس فقیه می گوید: امام زین العابدین (ع) را در حجر دیدم که نماز می خواند و چنین دعا می کرد: بنده ناچیز تو به درگاه توست. اسیر تو در آستان توست. نیازمند تو به درگاه توست. گدای تو به آستان توست. نزد تو شکایتی دارد که بر تو پنهان نیست. در روایتی فرمود: مرا از درگاهت مران.

الإمام الصّادقُ (ع) :

الحِجْرُ بَیتُ إسماعیلَ وفیهِ قَبْرُ هاجَرَ وقبرُ اسماعیلَ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: حِجر، خانه اسماعیل است و قبر هاجر و اسماعیل در آن قرار دارد.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنّ اسماعیلَ صَلَواتُ اللهِ علیهِ تُوفِّی وهُوَ ابنُ مائهٍ وثلاثینَ سَنَهً ودُفِنَ بِالحِجْرِ مع اُمِّهِ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: اسماعیل که درود خداوند بر او باد، در صد و سی سالگی از دنیا رفت و در حجر، همراه مادرش دفن شده است.

عن ابی بلال المکّی: رأیتُ ابا عبدالله دَخَلَ الحِجرَ مِن ناحیهِ البابِ، فقامَ یصَلّی علی قَدْرِ ذِراعَینِ مِن البیتِ، فقلتُ له: ما رأیتُ أحداً مِن أهلِ بَیتِک

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۱۶۰.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۱۳.

ص: ۱۰۴

یصَلِّی بِحیالِ المیزابِ! فقالَ: هذا مُصَلّی شَبَّرَ وشَبیرٍ ابنَی هارونَ. (۱)

ابو بلال مکی می گوید: امام صادق (ع) را دیدم که از سمت در کعبه، وارد حجر شد و به فاصله دو ذراع از کعبه، به نماز ایستاد. گفتم: هیچ یک از خاندان تو را ندیده ام که در مقابل ناودان نماز بخواند. فرمود: اینجا محل نماز شَبَّر و شَبیر، پسران هارون (ع) است.

عن ابی نعیم الانصاری عنِ الإمام المهدی (عج) کان سیدُ العابدینَ (ع) یقولُ فی سجودِهِ فی هذَا الموضِعِ - وأشارَ بِیدِه الی الحِجر نحوَ المیزابِ: «عُبیدکَ بفنائکَ، مِسکینُکَ ببابکَ، أسألکَ ما لایقدِرُ عَلَیهِ سِواکَ» . (۲)

ابو نعیم انصاری از امام زمان (عج) روایت کرده است که ایشان با اشاره به حجر و به سمت ناودان فرمود: امام زین العابدین (ع) در سجده خود در این مکان می گفت: بنده ناچیزت در آستان توست، نیازمندت در آستان توست، از تو می خواهم آنچه را که جز تو بر آن توانا نیست.

ط) حطیم

ط) حطیم (۳)

رسولُ اللهِ (ص) :

أمَّنی جَبرئیلُ عندَ بابِ الکَعبهِ مَرَّتینِ. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کنار در کعبه، جبرئیل دو بار امام جماعت من شد [و من به او اقتدا کردم].

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۱۴.

۲- الغیبه للطوسی، ص ۲۶۰.

۳- قسمتی از سطح مسجدالحرام است و مردم در این قسمت برای دعا جمع می شوند و به یکدیگر فشار می آورند. محدوده آن از حجرالأسود آغاز می شود و به سمت چاه زمزم و از آنجا تا مقام ابراهیم و پس از آن تا حجر اسماعیل ادامه می یابد.

۴- تفسیر ثعلبی، ج ۶، ص ۱۲۲.

ص: ۱۰۵

عن معاويهِ بنِ عمّار: سألتُ أبا عبدالله (ع) عَن الحَطيمِ، فقال: هُو ما بَينَ الحَجَرِ الأسودِ وبينَ البابِ وسألتهُ لِمَ سُمِّی الحَطيمَ؟ فَقالَ: لأنَّ النّاسَ يحطِمُ بَعْضُهم بَعضاً هُناكَ. (۱)

معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق (ع) درباره حطیم پرسیدم، فرمود: میان حجرالأسود و در کعبه است. پرسیدم: چرا به آن حطیم می گویند؟ فرمود: چون در آنجا مردم همدیگر را فشار می دهند.

الإمام الصّادقُ (ع) :

عِندَما سَألَهُ الحَلَبی عن الحَجَرِ: انَّكُم تُسَمُّونَه الحَطيمَ وانّما كانَ لِغَنَمِ اسماعيلَ وإنَما دُفِنَ فيهِ اُمُّهُ وكَرِهَ أنْ يوطَأَ قبرُها، فَحَجَرَ عليه وفيهِ قُبورُ أنبياءَ. (۲)

امام صادق (ع) ، آن گاه که حلبی از ایشان درباره حجر پرسید که: شما آن را حطیم می نامید، فرمود: آنجا محل گوسفندان اسماعیل بود و مادرش را آنجا دفن کرد و خوش نداشت که پا بر آن گذاشته شود. پس دور آن را حصاری کشید. قبر پیامبرانی هم در آنجا است.

ی) مُلتَزَم

ی) مُلتَزَم (۳)

رسولُ اللهِ (ص) :

ما دَعا أحَدٌ بِشَیءٍ فی هذَا المُلتَزَمِ إلاَّ استُجيبَ لَهُ. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هیچ کس در این ملتزم، چیزی از خدا نخواست مگر آنکه اجابت شد.

رسولُ اللهِ (ص) :

المُلتَزَمُ مَوضِعٌ يُستَجابُ فيهِ الدُّعاءُ وما دَعا عَبدٌ اللهَ دَعوَةً

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۲۷.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۱۶۳.

۳- قسمتی از دیوار کعبه در کنار رکن یمانی که مردم به دیوار ملتزم شده، می چسبند و دعا می خوانند.

۴- الفردوس، ج ۴، ص ۹۴.

ص: ۱۰۶

إلّا استَجابَها. (۱)

پیامبر خـدا (ص) فرمود: ملتزم، جایی است که دعا در آن پـذیرفته است و هیچ بنده ای [در ملتزم] چیزی از خدا نخواست مگر اینکه آن را پذیرفت.

رسولُ اللهِ (ص) :

بَینَ الرُّکنِ والمَقامِ مُلتَزَمٌ، مایدعو بِهِ صاحِبُ عاهَةٍ إلّا بَرِیَ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: میان رکن و مقام، ملتزم است. هیچ دردمندی آنجا دعا نمی کند، مگر آنکه بهبود یابد.

الإمام علی (ع) :

أَقِرُّوا عندَ المُلتَزَمِ بِما حَفِظْتُم مِن ذنوبِکُم وَما لَم تَحفَظُوا، فَقُولُوا: «وَما حَفِظْتَهُ عَلینا حَفَظْتُکَ ونَسیناهُ فَاغفِرْ لَنا» . (۳)

امـام علی (ع) فرمـود: کنـار ملـتزم، بـه گناهـان خـویش چه آنچه در یـاد داریـد و چه در یادتـان نیست، اقرار کنیـد و بگوییـد: آنچه نگهبانان تو از گناهان ما حفظ کرده اند و ما فراموش کرده ایم را ببخشای.

ک) مُستَجار

ک) مُستَجار (۴)

الإمام الصّادقُ (ع) :

بَنی ابراهیمُ البیتَ. . . وجَعَلَ لَهُ بابَینِ. . . والبابُ الّذی إلَی المغربِ یسَمَّی المُستَجارَ. (۵)

امام صادق (ع) فرمود: ابراهیم (ع) کعبه را ساخت. . . و برای آن، دو در قرار

۱- إتحاف الساده المتقین، ج ۴، ص ۳۵۴.

۲- المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۵۴.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۹۶.

۴- دیوار کنار رکن یمانی را «مستجار» می نامند «جار» به معنای همسایه و «مستجار» به معنای پناه بردن به همجوار و به صورت کلی تر «پناه بردن» است.

۵- مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۱.

ص: ۱۰۷

قرار داد؛ دری به مشرق و دری به مغرب. مستجار، دری است که رو به مغرب است.

عَن علی بنِ جعفَر:

رأیتُ أخی یَطوفُ السُّبوعَینِ والثَّلاثهِ یَقْرِنُها، غیرَ أنَّهُ یَقِفُ فِی المُستَجارِ فَیدْعُو فی کُلِّ اُسبوعٍ ویَأتی الحَجَرَ فَیسْتَلِمُهُ، ثُمَّ یطُوفُ. (۱)

علی بن جعفر می گوید: برادرم [موسی بن جعفر (ع)] را دیدم که دو یا سه طواف می کرد [هر کدام هفت دور] و طواف ها را به هم می پیوست جز اینکه در مستجار می ایستاد و سر هر هفت دور، دعا می کرد و سراغ حجرالأسود می آمد و آن را لمس می کرد، سپس طواف می کرد.

ل) رکن یمانی

اشاره

الإمام الصّادقُ (ع) :

الرّکنُ الیمانی بابٌ مِنْ أبوابِ الجنّهِ، لَمْ یغلِقْهُ اللهُ مُنذُ فَتَحَه. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: رکن یمانی دری از درهای بهشت است. خداوند آن را از وقتی که گشوده، نبسته است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

الرُّکنُ الیمانی بابُنَا الّذی نَدخُل مِنهُ الجَنَّهَ. (۳)

امام صادق فرمود: رکن یمانی درِ ماست که از این در، وارد بهشت می شویم.

الإمام الصّادقُ (ع) : قالَ رسولُ اللهِ (ص) :

ما أتَیتُ الرُّکنَ الیمانیَّ الاّ وَجَدْتُ

جَبرئیلَ (ع) قَدْ سَبَقَنی إلیهِ یلتَزِمُهُ. (۴)

۱- قرب الاسناد، ص ۲۴۱.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۰۹.

۳- مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۷.

۴- وسائل الشیعه، ج ۹، ص۴۱۹.

ص: ۱۰۸

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) می فرمود: هرگز سراغ رکن یمانی نیامدم، مگر آنکه جبرئیل را دیدم که پیش از من خود را به آن چسبانده است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنَّ اللهَ عزَّوجلَّ وَكَّلَ بالرُّكنِ اليمانِيِّ مَلَكاً هِجّيراً يؤَمِّنُ عَلى دُعائِكُم. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: خداوند عزّوجلّ، فرشته ذکرگویی را بر رکن یمانی مأمور ساخته است که دعاهای شما را آمین می گوید.

صفا و مروه

عَن جابرِ بن عبدالله: إنَّ رسولَ اللهِ (ص) كانَ يقِفُ عَلَى الصَّفا يكَبِّرُ ثَلاثاً ويقولُ: «لا إله إلّاالله، وحدَه لا شريك له، لهُ المُلكُ ولَهُ الحَمدُ وهو على كلِّ شيءٍ قديرٍ» . يصنَعُ ذلكَ ثَلاثَ مرّاتٍ ويدعو ويصنعُ عَلى المَروهِ مثلَ ذلكَ. (۲)

جابر بن عبدالله می گوید: پیامبر خدا (ص) ، هرگاه بر صفا می ایستاد، سه بار تکبیر می گفت و می گفت: «جز خدای یکتا معبودی نیست. شریکی ندارد. سلطنت و ستایش از آنِ اوست و او بر همه چیز تواناست» . این کار را سه بار انجام می داد و دعا می خواند و مانند همین را در مروه نیز انجام می داد.

عَن على بنِ جعفرٍ عن الإمامِ الكاظمِ (ع) قالَ: سَألتُه عن السَّعى بينَ الصَّفا والمَروهِ، فقال:

جُعِلَ لِسَعْى ابراهيمَ (ع) . (۳)

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۰۱.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۳۲.

۳- قرب الاسناد، ص ۲۳۷.

ص: ۱۰۹

علی بن جعفر می گوید: از امام کاظم (ع) ، درباره سعی میان صفا و مروه پرسیدم، فرمود: به خاطر سعی ابراهیم (ع) قرار داده شده است.

عَن بعضِ أصحابه: کنتُ وَراءَ أبی الحسن موسی عَلَی الصَّفا - أو عَلَی المرَوهِ- وهو لایزیدُ عَلی حرفین: «أللّهُمّ انّی اسئلکَ حُسنَ الظَّنِّ بِکَ فی کلِّ حالٍ وصِدقِ النیهِ فِی التَّوکّلِ علیکَ» . (۱)

یکی از یاران امام کاظم (ع) می گوید: پشت سر امام کاظم (ع) بالای صفا یا مروه بودم و او بیش از این دو سخن چیزی نمی گفت: «خدایا! از تو می خواهم حسن ظن به خودت را در هر حال و نیت صادق در توکل بر تو را» .

۲. مدینه منوره

اشاره

رسولُ اللهِ (ص) :

إنَّ اللهَ أَمَرَنی أنْ أُسَمِّی المدینهَ طَیبَهَ. (۲)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: خداوند سبحان، مرا فرمان داد که مدینه را طیبه [پاک] بنامم.

رسولُ اللهِ (ص

) : لِکُلِّ نَبیٍّ حَرَمٌ و َحَرَمی المدینهُ. (۳)

پیامبر اکرم (ص) فرمود: برای هر پیامبری حرمی است و حرم من، مدینه است.

عَن سَهلِ بنِ حُنَیفٍ: أهوی رَسولُ اللهِ (ص) بِیدِهِ إلَی المَدینهِ، فَقالَ: إنَّها حَرَمٌ آمِنٌ. (۴)

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۳۷۶.

۲- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

۳- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۴- صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۰۳.

ص: ۱۱۰

سهل بن حنیف می گوید: پیامبر خدا (ص) ، با دست خویش به مدینه اشاره کرد و فرمود: این، حرم امنی است.

رسولُ اللهِ (ص) :

المَدینهُ قُبَّهُ الإسلامِ ودارُ الإیمانِ وَأرضُ الهِجْرَهِ وَمَبَوّأُ الحَلالِ وَالحَرام. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: مدینه گنبد اسلام و خانه ایمان و سرزمین هجرت و جایگاه حلال و حرام است.

رسولُ اللهِ (ص) :

اُفْتُتِحَتِ القُری بِالسَّیفِ وَافْتُتِحَتِ المدینهُ بِالقُرآنِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: آبادی ها با شمشیر فتح شد؛ ولی مدینه با قرآن فتح شد.

الف) فضیلت اقامت کردن در مدینه

رسولُ اللهِ (ص) :

المدینهُ خیرٌ مِن مَکَّهَ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: مدینه، بهتر از مکّه است.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَنِ استَطاعَ أنْ یَموتَ بِالمَدینهِ فَلْیمُتْ بِها، فَإنّی أشْفَعُ لِمَنْ یمُوتُ بِها. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: کسی که بتواند در مدینه بمیرد، چنین کند؛ چراکه من برای کسی که در مدینه بمیرد، شفاعت می کنم.

رسولُ اللهِ (ص) : رَمَضانُ بالمَدینَهِ خَیرٌ مِن ألفِ رَمَضانَ فیما سِواها مِنَ البُلدانِ وجُمُعَهٌ بِالمَدینَهِ خَیرٌ مِن ألفِ جُمُعَهٍ فیما سِواها مِنَ البُلدانِ. (۵)

۱- الفردوس، ج ۴، ص ۲۲۵.

۲- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

۳- المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۲۸۸.

۴- سنن ترمذی، ج ۵، ص ۷۹.

۵- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۳۴.

ص: ۱۱۱

یـک رمضان در مـدینه بودن بهتر از هزار رمضان در شـهرهای دیگر بودن است و یک جمعه در مـدینه بودن، بهتر از هزار جمعه در شهرهای دیگر بودن است.

ب) مدینه هجرتگاه و شهر محبوب پیامبر (ص) و زداینده پلیدی ها

رسولُ اللهِ (ص) :

المَدینَهُ مُهاجَری ومَضجَعی فِی الأرضِ، حَقٌّ عَلی اُمَّتی أن یَکرِموا جیرانی مَا اجتَنَبُوا الکَبائِرَ. (۱)

پیـامبر خـدا (ص) فرمود: مـدینه، هجرتگـاه و آرامگـاه من در زمین است. بر امت من است که همسایگـانم را تـا وقتی که از گناهان کبیره پرهیز می کنند، احترام کنند.

عن أنَس: إنَّ النَّبی کانَ إذا قَدِمَ مِن سَفَرٍ فَنَظَرَ إلی جُدُراتِ المَدینهِ أوضَعَ راحِلَتَهُ وإن کانَ عَلی دابَّهٍ حَرَّکَها مِن حُبِّها. (۲)

انس می گویـد: هرگاه پیامبر (ص) از سـفر می آمـد و نگاهش به دیوارهای مدینه می افتاد، از شوق مدینه، وسایلش را بر زمین می نهاد و اگر سواره بود، مرکب خود را حرکت می داد.

عن زیـد بن ثـابت: رَجَعَ ناسٌ مِن أصـحابٍ مِن اُحُـدٍ وکانَ النّاسُ فیهِم فِرقَتَینِ، فَریقٌ یقولُ: اُقتُلهُم وفَریقٌ یقولُ: لا، فَنَزَلَت: فَما لَکُمْ فِی الْمُنافِقِینَ فِئَتَیْنِ وقال: إنَّها طیبَهُ تَنفِی الخَبَثَ کَما تَنفِی النّارُ خَبَثَ الفِضَّهِ. (۳)

زید بن ثابت می گوید: گروهی از اصـحاب پیامبر (ص) از احد بازگشـتند و مردم، درباره آنها، دو دسته شدند. گروهی می گفتند: آنها را بکشید و

۱- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۴۶.

۲- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۶۶.

۳- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۳۰.

ص: ۱۱۲

گروهی می گفتند: نکشید. پس این آیه نازل شد: «شما را چیست که درباره منافقان دو گروهید؟» و فرمود: مدینه پاک است، پلیدی را می زداید، آن گونه که آتش چرک های نقره را می زداید» .

ج) آداب مدینه

رسولُ اللهِ (ص) :

الصَّلاهُ فی مَسجِدِ قُباءَ کَعُمرَهٍ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: نماز خواندن در مسجد قبا، مانند گزاردنِ یک عمره است.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن خَرَجَ حَتّی یأتِیَ هذَا المَسجِدَ - مَسجِدَ قُباءَ - فَصَلّی فیهِ کانَ لَهُ عِدلُ عُمرَهٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس بیرون آید تا به این مسجد - مسجد قبا - بیاید و در آن نماز بخواند، برای او پاداشی برابر عمره است.

عن جابر: إنَّ النَّبی صَلّی فی مَسجِدِ الخَربَهِ ومَسجِدِ القِبلَتَینِ ومَسجِدِ بَنی حَرامٍ الَّذی بِالقاعِ. (۳)

جابر می گوید: پیامبر (ص) در مسجد خربه، مسجد قبلتین و مسجد بنی حرام که در دشت بود، نماز خواند.

الإمام الصّادق (ع) :

إذا دَخَلتَ المَدینَهَ فَاغتَسِل قَبلَ أن تَدخُلَها أو حینَ تَدخُلُها. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه وارد مدینه شدی، پیش از ورود یا هنگام ورود، غسل کن.

۱- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۵۲.

۲- سنن نسائی، ج ۲، ص ۳۷.

۳- تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۶۸.

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۵۰.

ص: ۱۱۳

عن مُعاويةِ بنِ عَمّار: قال أبو عَبدِاللهِ (ع) : لاتَـدَع إتيانَ المَشاهِـدِ كُلِّها: مَسـجِدِ قُباءَ فَإِنَّهُ المَسـجِدُ الَّذى اُسِّسَ عَلَى التَّقوى مِن أوَّلِ يوم ومَشـرَبَهِ اُمِّ ابراهيمَ ومَسـجِدِ الفَضـيخِ وقُبورِ الشُّهداءِ ومَسجِدِ الأحزابِ وهُوَ مَسجدُ الفَتحِ. قالَ: وَبَلَغَنا أنَّ النَّبى كانَ إذا أتَى قُبورَ الشُّهداءِ قالَ:

«السَّلامُ عَلَيكُم بِما صَبَرتُم فَنِعمَ عُقبَى الـدّارِ» وليكُنْ فيما تَقولُ عِنـدَ مَسـجِدِ الفَتحِ: «يا صَـريخَ المَكروبينَ ويا مُجيبَ دَعوَهِ المُضـطرّينَ، إكشِف هَمّى وغَمّى وكَربى، كَما كَشَفتَ عَن نَبيكَ هَمَّه وغَمَّهُ وَكَربَه وَكَفَيتَهُ هَولَ عَدُوِّهِ فى هذا المَكانِ» . (۱)

معاويه بن عمار مى گويـد: امام صادق (ع) فرمود: رفتن به همه مشاهـد را ترك نكن مانند مسـجد قبا؛ مسـجدى كه نخستين روز، بر پرهيزگارى بنا شده است. مشـربه ام ابراهيم، مسـجد فضيخ، قبور شهيدان و مسجد احزاب كه همان مسجد فتح است. آن گاه فرمود: به ما چنين رسـيده كه پيامبر (ص) هرگاه به زيارت قبر شـهدا مى رفت، مى فرمود: «سـلام بر شـما به خاطر شـكيبايى اى كه كرديـد. پس خانه آخرت چه نيكوست» و كنار مسـجد فتـح، دعاى تو چنين باشـد: «اى فريادرس گرفتاران! اى پاسخ دهنده دعاى بيچارگان! اندوه و غم و ناراحتى مرا بِزُداى، آن گونه كه از پيامبرت اندوه و غم و گرفتارياش را زدودى و در اين مكان، از هراس دشـمن او را كفايت كردى» .

د) فضیلت مسجد النّبی

رسولُ اللهِ (ص) :

إنَّ خَيرَ مارُكِبت إلَيهِ الرَّواحِلُ مَسجِدى هذا والبَيتُ العَتيقُ. (۲)

۱- كافى، ج ۴، ص ۵۶۰.

۲- كافى، ج ۴، ص ۵۵۵.

ص: ۱۱۴

پیامبر خدا (ص) فرمود: بهترین مقصدی که مرکب ها را به سوی آن سوار

می شوند، این مسجد من و خانه خداست.

رسولُ اللهِ (ص) :

انّما يُسافَرُ إلى ثَلاثهِ مَساجِدَ: مَسجدِ الكعبهِ ومَسجدی و مَسجدِ إيلياءَ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: شایسته است تنها به سوی سه مسجد، مسافرت شود: مسجد کعبه، مسجد من، مسجد ایلیاء [در بیت المقدس].

رسولُ اللهِ (ص) :

مَنْ خَرَجَ عَلى طُهْرٍ، لايُريدُ إلاّ مَسجدی هذا لِيُصَلّی فيه كانَ بِمَنزِلَهِ حَجَّهٍ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس با طهارت بیرون رود و قصدی جز آمدن به این مسجد مرا نداشته باشد تا در آن نماز بخواند، مانند گزاردن حج است.

الإمام علی (ع) :

لاتُشَدُّ الرِّحالُ إلاّ إلى ثلاثهِ مَساجِدَ: المسجدِ الحرامِ ومسجدِ رسولِ الله ومسجدِ الكوفهِ. (۳)

امام علی (ع) فرمود: [از میان مساجد] جز به قصد مسجدالحرام و مسجدالنبی (ع) و مسجد کوفه، نباید بار سفر بست.

ه) آداب مسجد النبی

اشاره

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا دَخَلتَ المسجدَ فإنِ استَطَعْتَ أنْ تُقيمَ ثلاثهَ أيامٍ: الأربعاءَ والخَميسَ والجُمُعَهَ، فَصَلِّ مابينَ القبرِ والمنبرِ يومَ الأربعاءِ. . . واليومَ الثانی عندَ اُسطوانهِ التّوبهِ ويومَ الجُمُعهِ عندَ مَقامِ النّبی. . . وتَصومُ

۱- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۷۱.

۲- شعب الایمان، ج ۳، ص ۵۰۰.

۳- الخصال، ج ۱، ص ۱۴۳.

ص: ۱۱۵

تِلکَ الثّلاثَهِ الأیامِ. (۱)

هرگاه وارد مسجد پیامبر شدی، اگر توانستی سه روز بمان: چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه؛ چهارشنبه مابین قبر و منبر، کنار ستونی که نزدیک قبر است نماز بخوان. . . ، روز دوم کنار ستون توبه و روز جمعه کنار جایگاه پیامبر (ص) . . . و این سه روز را روزه می گیری.

الإمام الصّادقُ (ع) : إذا

فَرَغْتَ مِنَ الدُّعاءِ عِندَ قبرِ النَّبی (ص) فَائتِ المِنبرَ فَامْسَحْهُ بیدِکَ. . . فانَّ رسولَ اللهِ (ص) قالَ: مابینَ مِنبری وبَیتی رَوضَهٌ مِن ریاضِ الجنَّهِ ومِنبری عَلَی تُرعَهٍ مِن تُرَعِ الجَنَّهِ - والتُّرعهُ هِی البابُ الصَّغیرُ-. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه از دعا نزد قبر پیامبر (ص) فارغ شدی، نزد منبر برو و بر آن، دست بکش و دو قبه پایین را بگیر و چشم ها و صورتت را به آن بمال که می گویند شفای چشم است. . . پیامبر (ص) فرمود: میان منبر و خانه ام بوستانی از بوستان های بهشت است و دریچه ای از دریچه های بهشت قرار دارد و ترعه همان در کوچک است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

أفضلُ مَوضعٍ یُصلَّی فیه منه ماقَرُبَ مِن القَبرِ، فإذا دَخلتَ المدینهَ فاغْتسِلْ وَائتِ المسجدَ فَابْدأ بِقبرِ النَّبیِّ. . . وَادْعُ مِنَ الدُّعا بِما فَتَحَ اللهُ لکَ فیهِ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: بهترین جای مسجد پیامبر (ص) که در آن نماز خوانده می شود، نزدیک قبر است. هرگاه وارد مدینه شدی غسل کن، به

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۷.

۲- مصباح المتهجد، ص ۷۱۰.

۳- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۹۶.

ص: ۱۱۶

مسجد برو، با قبر پیامبر (ص) آغاز کن. . . . بر او بسیار درود بفرست و هر چه خدا

برایت گشایش دهد، در آنجا دعا بخوان.

یک – فضیلت خواندن نماز در مسجدالنّبی

رسولُ اللهِ (ص) :

صَلاةٌ فی مَسجدی تَعدِلُ ألفَ صَلاةٍ فیما سِواهُ مِن المَساجدِ إلّا المسجدَ الحرامَ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: یک نماز در مسجد من، برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است، به جز مسجدالحرام.

رسولُ اللهِ (ص) :

الصَّلاةُ فی مسجدی کألفٍ فی غیره إلّا المسجدَالحرامَ، فانَّ الصّلاةَ فی المسجدِالحرامِ تَعدلُ ألفَ صلاةٍ فی مَسجدی. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: نماز خواندن در مسجد من، معادل هزار برابر در غیر آن است، جز مسجدالحرام. نمازخواندن در مسجدالحرام، معادل هزار برابر مسجد من است.

الإمام الصّادقُ (ع

) : تَتِمُّ الصَّلاةُ فی أربعهِ مَواطِنَ: فی مسجدِالحرامِ ومسجدِ الرَّسول ومسجِدِ الکوفهِ وحَرَمِ الحُسَینِ صلواتُ اللهِ علیه. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: چهار جا نماز تمام است: در مسجدالحرام، مسجد پیامبر (ص) ، مسجد کوفه و حرم امام حسین (ع) که درود خداوند بر او باد.

عَن ابی بکرِ الحَضرمی:

أمَرَنی ابو عبدالله (ع) أنْ اُکثِرَ الصَّلاةَ فی مسجدِ الرَّسول مَا استَطَعْتُ وقالَ: انَّکَ لاتَقدِرُ علیهِ کُلَّما شِئتَ. (۴)

ابوبکر حضرمی می گوید: امام صادق (ع) به من دستور داد که تا می توانم

۱– بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۶.

۲– کامل الزیارات، ص ۶۰.

۳– مصباح المتهجّد، ص ۷۳۱.

۴– کامل الزیارات، ص ۴۳.

ص: ۱۱۷

در مسجد پیامبر خدا (ص) بسیار نماز بخوانم و فرمود: چنین نیست که هر

وقت بخواهی، بتوانی.

دو – زیارت پیامبر (ص)

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن حَجَّ فَزار قَبری بَعدَ مَوتی، کانَ کَمَن زارَنی فی حَیاتی. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس حج به جا آورد و پس از مرگ من، مرا زیارت کند، همچون کسی است که در حال حیات من، مرا زیارت کرده است.

رسولُ اللهِ (ص

) : مَن حَجَّ ولَم یزُرنی فَقَد جَفانی. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس حج بگزارد و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن زارَنی بَعدَ مَوتی فَکَأَنَّما زارَنی فی حَیاتی وَمَن جاوَرَنی بَعدَ مَوتی فَکَأَنَّما جاوَرَنی فی حیاتی. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس مرا پس از مرگم زیارت کند، گویا در حال حیاتم مرا دیدار کرده است و هرکس پس از مرگم با من همسایه شود، گویا در حال حیاتم با من همسایه بوده است.

عَن یحیی بنِ یسار: حَجَجنا فَمَرَرنا بِأَبی عَبدالله فَقالَ: حاجَّ بَیتِ اللهِ وزُوّارَ قَبرِ نَبیهِ وَشیعَهَ آلِ مُحَمَّدٍ، هَنیئاً لَکُم. (۴)

۱- السنن الکبری، ج ۵، ص ۴۰۲.

۲- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۲.

۳- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۷۲.

۴- کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

ص: ۱۱۸

یحیی بن یسار می گوید: حج انجام دادیم و بر امام صادق (ع) گذر کردیم.

فرمود: ای زائران خانه خدا و قبر پیامبر خدا (ص) ! و [ای] پیروان خاندان محمد (ص) ! گوارای تان باد!

سه – سلام دادن بر پیامبر (ص)

رسولُ اللهِ (ص) :

خَلَقَ اللهُ تَعالی لی ملَکَینِ یرُدّانِ السَّلامَ عَلی مَنْ سَلَّمَ علیَّ مِن شرقِ البلادِ وغَربِها، الاّ مَن سَلَّمَ عَلَیَّ فی داری فإنّی أرُدُّ علیه السّلامَ بنَفْسی. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: خداوند متعال برایم دو فرشته آفریده است که هر کس از شهرهای شرق و غرب به من سلام دهد، سلام را به من می رسانند؛ مگر کسی که در خانه خودم بر من سلام دهد که خودم پاسخ سلام او را می دهم.

الإمام الصّادقُ (ع) :

مُرُّوا بِالمدینهِ فَسلِّمُوا عَلی رسولِ اللهِ (ص) مِن قریبٍ وإنْ کانَتِ الصّلاهُ تَبلُغُهُ مِن بَعیدٍ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: بر مدینه بگذرید و از نزدیک به پیامبر خدا (ص) ، سلام دهید؛ هرچند که درود از دور هم به او می رسد.

الإمام الصّادقُ (ع) :

صَلُّوا إلی جانبِ قبرِ النّبیِّ (ص) وإنْ کانتْ صَلاهُ المؤمِنینَ تَبلُغُه أینَما کانُوا. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: کنار قبر پیامبر (ص) بر او درود بفرستید؛ هرچند درود مؤمنان، هرجا که باشند به ایشان می رسد.

۱- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۵۶.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۲.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۵۳.

ص: ۱۱۹

چهار – شفاعت پیامبر (ص)

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن أتانی زائراً کُنتُ شفیعَهُ یومَ القیامَهِ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس به زیارت من بیاید، روز قیامت، شفیع او خواهم بود.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن جاءَنی زائراً، لایعمَلُهُ حاجَهً إلا زیارَتی، کانَ حقّاً عَلَیّ أن أکونَ لَهُ شَفیعاً یومَ القِیامَهِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس به زیارت من بیاید و هیچ کاری جز زیارت من نداشته باشد، بر من حق دارد که روز قیامت، شفیع او باشم.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن زارَ قَبری وَجَبَتْ لَهُ شَفاعَتی. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکه قبر مرا زیارت کند، شفاعت کردن او بر من واجب می شود.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن زار قَبری حَلَّت لَهُ شَفاعَتی، وَمَن زارَنی مَیِّتاً فَکَأنَّما زارَنی حَیّاً. (۴)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس قبر مرا دیدار کند، شفاعت او بر من رواست و هرکس مرا پس از مرگ زیارت کند، گویا مرا در حال حیات، زیارت کرده است.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن أتی مَکَّهَ حاجّاً ولَم یزُرنی إلَی المَدینَهِ جَفَوتُهُ یومَ القِیامَهِ ومَن أتانی زائراً وَجَبَت لَهُ شَفاعَتی وَمَن وَجَبَت لَهُ شَفاعَتی وَجَبَت لَهُ الجَنَّهُ. (۵)

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۴۸.

۲- المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۲۲۵.

۳- سنن الدار قطنی، ج ۲، ص ۲۷۸.

۴- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۹.

۵- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۶۱۷.

ص: ۱۲۰

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس برای حج به مکه بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند، من هم در روز قیامت بر او جفا می کنم و هرکه به زیارت من بیاید، شفاعت او بر من واجب است و شفاعت هر که بر من واجب می شود، بهشت برای او واجب است.

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن زارَنی بِالمَدینهِ مُحْتَسِباً کنتُ له شَهیداً وشَفیعاً یومَ القیامَهِ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس به خاطر خدا مرا در مدینه زیارت کند، روز قیامت گواه و شفیع او خواهم بود.

پنج – پاداش زیارت کردن پیامبر (ص)

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن حَجَّ إلی مکّهَ ثمَّ قَصَدَنی فی مَسجدی کُتِبَتْ لهُ حَجَّتانِ مَبرورَتانِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس برای حج به مکه برود، سپس در مسجد من به دیدار من بیاید، برای او دو حج پذیرفته شده نوشته می شود.

رسولُ اللهِ (ص)

: مَن زارَنی فی حَیاتی وبَعدَ مَوتی، کانَ فی جِواری یومَ القِیامَهِ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس در حال حیات و پس از وفاتم مرا زیارت کند، روز قیامت در همسایگی و پناه من خواهد بود.

الإمام الباقر (ع) :

إنَّ زیارَهَ قبرِ رسولِ اللهِ تَعْدِلُ حَجَّهً مَعَ رسولِ اللهِ مَبرورَهً. (۴)

امام باقر (ع) فرمود: زیارت قبر رسول خدا (ص) ، برابر است با یک حج مقبول

همراه رسول خدا (ص) .

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲- کنزالعمال، ج ۵، ص ۱۳۵.

۳- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۶۲۱.

۴- کامل الزیارات، ص ۴۷.

ص: ۱۲۱

عَن ابنِ ابی نجران: قلتُ لأبی جَعفر (ع) :

جُعِلْتُ فِداکَ، ما لِمَن زارَ رسولَ اللهِ (ص) متعمِّداً؟ فَقالَ: لَهُ الجنَّه. (۱)

ابن نجران می گوید: به امام باقر (ع) گفتم: فدایت شوم! کسی که با قصد و اراده به زیارت پیامبر خدا (ص) برود، چه پاداشی دارد؟ فرمود: پاداش او بهشت است.

شش - رعایت ادب در زیارت پیامبر (ص)

عَن محمّد بنِ مسعود: رأیتُ أبا عبدِاللهِ (ع) إنتهی إلی قبرِ النّبی (ص) فَوَضَعَ یدَهُ علیه وقالَ: «أَسألُ اللهَ الّذی اجتَباکَ واختارَکَ وهَداکَ وَهَدی بِکَ أن یصلّی علیکَ.» ثمّ قال:

إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً. (۲)

محمد بن مسعود می گوید: امام صادق (ع) را دیدم که به قبر پیامبر (ص) رسید، دست بر آن نهاد و گفت: «از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و تو را وسیله هدایت قرار داد، می خواهم که بر تو درود فرستد» . سپس گفت: «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر (ص) ، درود می فرستند. ای مؤمنان! شما هم بر او درود و سلام بسیار بفرستید» .

عَن إسحاقِ بنِ عمّار: قلتُ لأبی عبداللهِ (ع) : عَلِّمْنی تَسلیماً خَفیفاً عَلَی النّبی (ص) قالَ: قُل:

«أسألُ اللهَ الَّذی انتَجَبَکَ وَاصْطَفاکَ وَهَداکَ وَهَدی بِکَ أنْ یُصَلِّی عَلیکَ صَلاةً کَثیرةً طَیِّبَةً» . (۳)

اسحاق بن عمّار می گوید: به امام صادق (ع) گفتم سلامی کوتاه و سبک

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۳.

۲- کامل الزیارات، ص ۵۳.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۵.

ص: ۱۲۲

بر پیامبر (ص) به من بیاموز، فرمود: بگو «از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و وسیله هدایت قرار داد، می خواهم که درودی فراوان و پاک، بر تو بفرستد» .

عَن یونُسَ بنِ یعقوب: سألتُ أبا عبدالله (ع) عَن وِداعِ قبرِ النّبی (ص) ، قالَ: تَقُولُ:

«صَلَّی اللهُ علیکَ، السَّلامُ علیکَ، لاجَعَلَهُ اللهُ آخِرَ تَسلیمی عَلَیکَ» . (۱)

یونس بن یعقوب می گوید: از امام صادق (ع) درباره وداع با قبر پیامبر (ص) پرسیدم، فرمود: می گویی: «درود خدا بر تو! سلام بر تو! خداوند این را آخرین سلام من بر تو قرار ندهد» .

و) ثواب و آداب زیارت حضرت زهرا (س)

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن زارَ فاطمهَ فَکأنَّما زارَنی، وَمَن زارَ علی بنَ أبی طالبٍ فَکَأنَّما زارَ فَاطِمَهَ. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس فاطمه (س) را زیارت کند، گویی مرا زیارت کرده و هرکس علی بن ابی طالب (ع) را زیارت کند، گویی فاطمه (س) را زیارت کرده است.

رسولُ اللهِ (ص) : ما بَینَ بَیتی ومِنبَری رَوضهٌ مِن رِیاضِ الجَنَّهِ ومِنبَری عَلی حَوضی. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: میان خانه و منبر من، باغی از باغ های بهشت است و منبر من، بر حوض من است.

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۳۶.

۲- بشاره المصطفی، ص ۱۳۹.

۳- کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۲۵۹.

ص: ۱۲۳

. . . حدَّثنا أبو جعفر (ع) ذاتَ یوم، قالَ: إذا صِرتَ إلی قَبرِ جِدَّتِکَ فاطمهَ (س) فقُل: «یا مُمْتَحَنَهُ امْتَحَنکِ اللهُ الّذی خَلقکِ قبلَ اَنْ یخلُقَکِ، فَوَجَدَکِ لِمَا امْتَحَنَکِ صابرهً، . . . لِنُبشِّرَ أنفسَنا بأنّا قَدْ طَهُرْنا بِولایتِکِ» . (۱)

. . . امام باقر (ع) روزی با ما سخن گفت و فرمود: «هرگاه به زیارت جده ات فاطمه (س) رفتی بگو: «ای آزمون شده! خدایی که تو را آفریده، پیش از آفریدنت تو را آزمود. پس تو را برآنچه امتحان کرد، شکیبا یافت. . . تا به خودمان مژده دهیم که به سبب ولایت تو، پاک شده ایم» .

الامام الصادق (ع) : قال رسولُ اللهِ (ص) :

ما بَینَ بَیتی ومِنبَری رَوضهٌ مِن رِیاضِ الجنّهِ، وَمِنبَری عَلی تُرعَهٍ مِن تُرَعِ الجنَّهِ وَقَوائمُ مِنبری رَبَتْ فِی الجَنَّهِ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر خدا (ص) فرموده است: میان خانه و منبر من، باغی از باغ های بهشت است و منبر من بر دریچه ای از دریچه های بهشت است و پایه های منبر من، در بهشت روییده است.

ز) زیارت امامان اهل بیت (ع)

رسولُ اللهِ (ص) :

مَن زارَنی، أو زارَ أحداً مِن ذُرّیتی، زُرْتُه یَومَ القیامهِ، فأنْقَذْتُهُ مِن أهوالِها. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرکس مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، او را روز قیامت زیارت کرده، از هراس های آن روز نجاتش می دهم.

۱- المزار للمفید، ص ۱۸۷.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۶.

۳- کامل الزیارات، ص ۱۴۱.

ص: ۱۲۴

رسولُ اللهِ (ص) : . . .

أما الحسنُ. . . مَن زارَه فی بَقیعِهِ ثَبَتَتْ قدمُهُ علَی الصِّراطِ، یَومَ تَزِلُّ فیهِ الأقدامُ. (۱)

پیامبر خدا (ص) فرمود: اما حسن. . . هرکس در بقیعش او را زیارت کند، در روزی که قدم ها می لغزد، گام او بر صراط استوار می ماند.

عَن زَیدِ الشَّحّام: قلتُ لأبی عَبدِاللهِ (ع) : ما لِمَنْ زارَ أحداً مِنکُم؟ قالَ: کَمَنْ زارَ رَسولَ الله (ص) . (۲)

زید شحّام می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟ فرمود: مانند کسی است که پیامبر (ص) را زیارت کرده است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

مَن زارَنی غُفِرَتْ لَهُ ذُنوبُه ولَم یمُتْ فَقیراً. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرکس مرا زیارت کند، گناهانش بخشوده می شود و فقیر از دنیا نمی رود.

ح) زیارت قبور شهدا در مدینه منوره

الإمام الصّادقُ (ع) :

مِن المَشاهدِ فِی المَدینهِ الّتی یَنبغی أنْ یُؤتَی إلَیها وتُشاهَدَ ویُصلَّی فیها وتُعاهَدَ. . . قبرُ حمزهَ وقبورُ الشهداء. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: از قبوری که سزاوار است نزد آنها رفته زیارت شوند و آنجا نماز خوانده و پیمان بسته شود. . . قبر حمزه و قبور شهیدان است.

۱- امالی صدوق، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۷۹.

۳- المقنعه، ص ۴۷۴.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۹.

ص: ۱۲۵

الإمام الصّادقُ (ع) : بَلَغَنا أنّ النّبی (ص) کانَ اِذا أتَی قبورَ الشُّهداءِ قالَ:

«السَّلامُ علیکم بما صَبَرْتُم فَنِعمَ عُقبَی الدّارِ» . (۱)

امـام صادق (ع) فرمود: هرگاه پیامبر به دیـدار قبور شـهدا می رفت، می فرمود: «سـلام بر شـما به خاطر شـکیبایی شـما! پس چه خانه خوش فرجامی» .

الإمام الصّادقُ (ع) :

إنَّ فاطمهَ (س) کانتْ تَأتی قبورَ الشُّهداءِ فی کُلِّ غَداهِ سَبْتٍ، فَتَأتی قَبرَ حمزهَ وَتَتَرحّمُ علیهِ وتَستَغفِرُ لَهُ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: فاطمه (س) هر صـبح شـنبه به زیارت قبور شهدا می رفت. نزد قبر حمزه می رفت و برای او رحمت و آمرزش می طلبید.

الإمام الصّادق (ع) :

عاشتْ فاطمهُ سـلام الله علیها، بَعـدَ رسولِ اللهِ (ص) ، خَمسهً وسـبعینَ یوماً لَم تُرَ کاشِـرَهً ولا ضاحکهً، تأتی قبورَ الشُّهداءِ فی کلِّ جُمعهٍ مرَّتیْنِ: الإثنینِ والخمیسَ، فتقولُ: هاهُنا کان رسولُ الله وهاهنا کان المشرکونَ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: فاطمه (س) پس از پیامبر خدا (ص) ، هفتادوپنج روز زیست که هرگز خوش حال و خندان دیده نشد. در هر هفته، دو بار به زیارت قبور شهدا می رفت؛ دوشنبه و پنج شنبه و می فرمود: پیامبرخدا (ص) ، اینجا بود و مشرکان، آنجا بودند» .

الإمام الصّادق (ع)

إذا قَضَـیتَ هـذا الجانبَ [أی زیارهَ مساجِـد المـدینهِ] أتَیتَ جانبَ أحُدٍ، فَبَدأتَ بالمسـجِدِ الّذی دونَ الحَرَّهِ فَصَـلَّیْتَ فیهِ، ثمّ مَررْتَ بِقَبرِ حمزهَ بنِ عبدالمطَّلِبِ فَسَلَّمْتَ عَلیهِ، ثمَّ مَررْتَ بِقُبورِ

۱- کامل الزیارات، ص ۶۵.

۲- کفایه الأثر، ص ۱۹۸.

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۶۱.

ص: ۱۲۶

الشُهداءِ فَقُمْتَ عندَهم فَقُلتَ: «السّلامُ علیکم یا أهلَ الدّیارِ، أنتم لَنا فَرَطٌ وإنّا بِکم لاحقون» . (۱)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه این قسمت (زیارت مسجد مدینه) را به پایان رساندی، به سمت اُحد می روی و از مسجدی که پایین کوه است آغاز می کنی. آنجا نماز می خوانی، سپس بر قبر حمزه بن عبدالمطلب گذشته و بر او سلام می دهی. آن گاه بر قبر شهدا گذشته و نزد آنها می ایستی و می گویی: «سلام بر شما اهل این دیار، شما پیشتاز مایید، ما نیز به شما خواهیم پیوست» .

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۶۶۳.

ص: ۱۲۷

فصل پنجم: اخلاق در حج

اشاره

ص: ۱۲۸

ص: ۱۲۹

۱. اخلاق در موسم حج

حُسن خُلق

الإمام الباقر (ع) :

مایعبَأُ بِمَنْ سَلِکَ هـذا الطَّریقَ إذا لم یکنْ فیه ثلاثُ خصالٍ: وَرَعٌ یحْجُزُهُ عن معاصِی اللهِ وحِلْمٌ یملِکُ به غَضَبَه وحُسنُ الصُّحبَهِ لِمَنْ صَحِبَهُ. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: چه بهره می برد کسی که این راه را می پیماید، اگر این سه خصلت در او نباشد: پرهیزکاری که او را از نافرمانی خدا باز دارد؛ بردباری که به وسیله آن، بر خشم خود مالک شود؛ و همراهی خوب با همسفران خود.

کمک به همراهان

عَن اسماعیلِ الخَثعمِی: قلتُ لأبی عبدالله (ع

) : إنّا إذا قَدِمنا مکّهَ ذَهَبَ أصحابُنا یَطوفونَ ویَترکونی أحْفَظُ متاعَهم، قالَ: أنتَ أعظمُ أجراً. (۲)

اسماعیل خثعمی می گوید: به امام جعفر صادق (ع) گفتم: وقتی ما به مکّه

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۵۱.

ص: ۱۳۰

می رسیم، همراهان ما به طواف می روند و مرا به نگهبانی وسایلشان می گمارند. فرمود: پاداش تو، بیش از آنهاست.

عَن مُزارِمِ بن حَکیم: زامَلتُ محمّدَ بنَ مصادفٍ، فلمّا دَخلنا المدینهَ اعْتَلَلْتُ، فکانَ یمضی الی المسجدِ ویدَعُنی وَحدی، فَشَکَوتُ ذلکَ إلی مصادفٍ، فأخبَرَ بِهِ أبا عبدالله (ع) ، فأرسَلَ إلیه: قعودُکَ عندَهُ أفضلُ مِن صَلاتِکَ فی المسجِدِ. (۱)

مزارم بن حکیم می گوید: با محمد بن مصادف همراه بودم. چون به مدینه وارد شدیم، بیمار شدم. او به مسجد می رفت و مرا تنها می گذاشت. از این قضیه، به مصادف (پدر او) شکایت کردم. او هم به امام صادق (ع) خبر داد. ایشان به او چنین پیغام فرستاد: نشستن تو کنار او، برتر از نماز خواندنت در مسجد است.

حفظ ره توشه

عَن صفوانَ الجمّالِ: قلتُ لأبی عبدالله (ع) : إنّ مَعی أهلی وأنا أریدُ الحجَّ، فأشُدُّ نَفَقَتی فی حِقوی؟ قالَ، نَعَم، فانَّ أبی (ع) کانَ یقولُ: مِن قُوَّهِ المسافِرِ حِفظُ نَفَقَتِهِ. (۲)

صفوان جمّال می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: همراه خانواده ام قصد حج دارم، نفقه ام را به کمرم می بندم [نظر شما چیست؟]. فرمود: آری! [عیبی ندارد]. پدرم می فرمود: حفظ کردن خرجی، از توانمندی مسافر است.

عن یونسَ بنِ یعقوبَ: قلتُ لأبی عبدالله (ع) عن الرَّجُلِ المُحرِمِ یشُدُّ الهِمیانَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۰.

۲- کافی، ج۴، ص ۳۴۳.

ص: ۱۳۱

فی وَسطِهِ؟ فقالَ: نَعَم وما خیرُهُ بَعدَ نَفَقَتِهِ. (۱)

یونس بن یعقوب می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: مُحرِم، همیان خود را به کمر می بندد [چگونه است]؟ فرمود: آری! [عیبی ندارد] پس از [گم شدنِ] نفقه اش چه خیری برای اوست؟

عَن یعقوبَ بنِ سالم: قلتُ لأبی عبدِاللهِ (ع) : تکونُ مَعی الدَّراهمُ فیها تَماثیلُ وأنا مُحرِمٌ، فأجْعَلُها فی هِمیانی وأشُدُّهُ فی وَسَطی قالَ: لا بأسَ، أوَلیسَ هِیَ نَفَقَتُکَ وعَلَیها اعتمادُکَ بعدَ اللهِ عزّوجلّ؟ ! (۲)

یعقوب بن سالم می گوید: به امام صادق (ع) گفتم: همراه من درهم هایی است که روی آنها تصویر است و من در حال احرام هستم. آنها را در همیانم گذاشته به کمرم می بندم. فرمود: عیبی ندارد. مگر نه اینکه آنها خرجی توست و پس از خداوند عزوجل تکیه ات به آنهاست؟ !

شریک کردن دیگران در ثواب حج

الإمامُ الصّادقُ (ع) : - لهشام بن الحَکَمِ لَمّا سَألَهُ عنِ الرَّجلِ یشرِکُ أباهُ وأخاهُ فی حجِّهِ -: إذاً یکتَبُ لکَ حَجٌّ مثلَ حَجِّهِم وتَزدادُ أجراً بماوصَلْتَ. (۳)

امام صادق (ع) در جواب هشام بن حکم که درباره کسی که پدر و برادر و بستگانش را در حج خود شریک کند، پرسیده بود، فرمود: در این صورت برای تو پاداش حجی مثل حج آنها نوشته می شود و پاداشی هم به خاطر صله رحم به تو افزوده می شود.

الإمام الصّادقُ (ع) :

لَوْ أشرَکتَ ألفاً فی حَجَّتِکَ لکان لِکلِّ واحدٍ حَجَّةٌ مِن غیرِ

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲- المحاسن، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳- کافی، ج ۴، ص ۳۱۶.

ص: ۱۳۲

غیر أنْ تَنقُصَ حَجَّتُکَ شیئاً. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: اگر هزار نفر را هم در حج خود شریک کنی، برای هر یک پاداش یک حج خواهد بود، بی آنکه از پاداش حج تو، چیزی کاسته شود.

طواف کردن به نیابت از امامان

عَن موسَی بنِ القاسم: قلتُ لأبی جعفرٍ الثّانی (ع) : قد أردتُ أن أطوفَ عنکَ وعَن أبیکَ، فقیلَ لی: انّ الأوصیاءَ لایطافُ عَنهم: فقالَ لی: بَل طُفْ ما أمْکنکَ، فانّه جائز. . . قلتُ رُبَّما طُفْتُ عَن اُمِّکَ فاطمَهَ وربّما لَمْ أطُفْ، فقالَ: إستَکْثِر مِن هذا، فإنّه أفضلُ ما أنتَ عامِلُه ان شاءَالله. (۲)

موسی بن قاسم می گوید: به امام جواد (ع) گفتم: تصمیم گرفتم به نیابت از شما و پدرتان طواف کنم؛ ولی به من گفتند: به نیابت از اوصیاء طواف نمی کنند. حضرت فرمود: بله، هرچه می توانی طواف کن، جایز است» . . . ، گفتم گاهی از سوی مادرتان فاطمه (س) طواف کرده ام، گاهی هم نه. فرمود: این را بسیار انجام بده، این، برترین کاری است که انجام می دهی، ان شاءالله! .

دیدار امام

الإمام الباقر (ع) :

تمامُ الحجِّ لقاءُ الإمامِ. (۳)

امام باقر (ع) فرمود: حج تمام، دیدار با امام است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۳.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۴۷۶.

۳- عیون اخبار الرضا، ج۲، ص ۲۶۲.

ص: ۱۳۳

الإمام الباقر (ع) :

انّما اُمِرَ النّاسُ أنْ يَأتوا هذِهِ الأحجارَ فَيطوفوا بها، ثُمَّ يأتُونا فَيُخْبِرونا بِوِلايتِهِم ويُعرِضوا عَلينا نَصْرَهُم. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: همانا مردم مأمور شده اند که نزد این سنگ های خانه خدا آمده، گرد آنها طواف کنند و سپس پیش ما بیایند و ولایت و همبستگی خود را به ما خبر دهند و یاری خود را به ما عرضه بدارند.

الإمام الباقر (ع) – فی قوله تعالی: فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَيْهِمْ . . . : ينبغی لِلنّاسِ أنْ يحُجّوا هَذا البيتَ ويعَظِّمُوهُ لِتَعظيمِ اللهِ اياهُ وأنْ يلقَونا حيث كُنّا، نَحنُ الأدلّاءُ عَلَى الله. (۲)

امام باقر (ع) در تفسیر سخن خداوند متعال «[خدایا] دل هایی از مردم را چنان قرار بده که شیفته آنها شوند» . . . فرمود: سزاوار است مردم، این خانه را زیارت کنند و بزرگ بدارند؛ زیرا خداوند آن را بزرگ داشته است و سزاوار است هر جا که هستیم، به دیدار ما بیایند. ما راهنمایان به سوی خداوندیم.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا حَجَّ أحدُكُم فَلْيَخْتِم حَجَّهُ بِزيارتِنا: لأنّ ذلكَ مِن تَمامِ الحجِّ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از شما به حج رود، حج خود را با دیدار ما پایان بَرَد؛ زیرا این دیدار با امام، برای کامل شدن حج است.

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۴۹.

۲- تفسیر عیاشی، ج۲، ص ۲۳۳.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۴.

ص: ۱۳۴

توبه

رسولُ اللهِ (ص) – فی خُطبَتِهِ یومَ الغدیرِ –: مَعاشـرَ النّاسِ، حُجُّوا البیتَ بکمالِ الدّینِ والتَّفقُّهِ ولا تَنْصَـرِفوا عنِ المشاهدِ إلاّ بِتَوبةٍ واقلاعٍ. (۱)

پیامبر خـدا (ص) در سـخنرانی روز غدیر فرمود: [ای مردم] خانه خدا را با کمال دینداری و دین شناسـی زیارت کنید و از آن مکان های مقدس، جز با توبه و رها ساختن گناه بازنگردید.

اطعام

رسولُ اللهِ (ص) – لمّا سُئِلَ ما بِرُّ الحَجِّ؟ –: إطعامُ الطَّعامِ وطیبُ الکَلامِ. (۲)

پیامبر خدا (ص) – هنگامی که پرسیده شد: نیکی حج چیست؟ – فرمود: به دیگران طعام دادن و سخن پاکیزه گفتن.

وداع با خانه خدا

عَن قُثمِ بنِ کعبٍ: قـال أبو عبـدالله (ع) : إنَّکَ لَتُـدمِنُ الحـجَّ؟ قُلتُ: أجَل، قالَ: فَلیکُن آخِرُ عَهْـدِکَ بالبَیتِ أنْ تَضَعَ یـدَکَ عَلَی البابِ وتَقولَ: «المِسکینُ علی بابِکَ، فَتصدَّقْ علیهِ بالجَنّه» . (۳)

قثم بن کعب می گویـد: امام صادق (ع) به من فرمود: آیا پیوسـته به حج می روی؟ گفتم: آری! فرمود: آخرین دیدارت با کعبه این باشد که دست بر در کعبه نهاده می گویی: «بینوایی بر درگاه توست، پس بهشت را بر او عطا کن» .

۱– احتجاج، ج ۱، ص ۶۵.

۲– السنن الکبری، ج ۵، ص۲۶۲.

۳– کافی، ج۴، ص ۵۳۲.

ص: ۱۳۵

عَن ابراهیمَ بنِ أبی محمودٍ: رأیتُ أبا الحسن (ع) وَدَّعَ البیتَ، فلمّا أرادَ أنْ یخرُجَ مِن بابِ المسجِدِ خَرَّ ساجداً، ثُمّ قامَ فاسْتَقْبَلَ الکعبهَ فقالَ: «اللّهُمَّ إنّی أنْقَلِبُ عَلی أنْ لاإله إلاّ أنت» . (۱)

ابراهیم بن ابی محمود می گوید: امام کاظم (ع) را دیدم که خانه خدا را وداع می کرد، چون خواست از در مسجد بیرون رود، به سجده افتاد. سپس برخاست و رو به کعبه کرد و گفت: «خدایا! من برمی گردم، بر این عقیده که جز تو معبودی نیست» .

به مدینه رفتن

احمد بن أبی عبدالله عن أبیه: سألتُ أبا جعفرٍ (ع) : أبدأُ بالمدینهِ أو بمکَّهَ؟ قالَ: إبدأ بمکَّه واختِم بالمدینهِ، فانَّه أفضلُ. (۲)

احمد بن ابی عبدالله از پدرش چنین نقل می کند: از امام باقر (ع) پرسیدم: از مدینه شروع کنم یا مکّه؟ فرمود: از مکّه آغاز و به مدینه ختم کن، که این بهتر است.

الإمام الباقر (ع) : إبْدَأوا بِمَکَّهَ واخْتِمُوا بنا. (۳)

امام باقر (ع) فرمود: از مکّه آغاز و به ما ختم کنید.

زود برگشتن از حج

رسولُ اللهِ (ص) :

إذا قَضی أحدُکُم حَجَّهُ فَلْیُعَجِّلِ الرِّحلَهَ إلی أهلِه، فانّه أعظمُ لأجرِهِ. (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۷۰.

۲- حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۵۰۲.

۳- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۳.

۴- کنزالعمال، ج۵، ص ۲۴.

ص: ۱۳۶

پیامبر خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما حج خود را انجام داد، زود به سوی خانواده اش بازگردد که این کار، پاداش او را بیشتر می کند.

رسولُ اللهِ (ص) - حَولَ سُکنی مکّه -: ثَلاثٌ لِلْمهاجِرِ بعدَ الصَّدرِ. (۱)

پیامبر خدا (ص) - درباره مدت ماندن در مکّه - فرمود: پس از رفتن مردم، برای مهاجر، سه روز است.

رسولُ اللهِ (ص) :

یُقیمُ المُهاجِرُ بمکَّهَ بعدَ قضاءِ نُسُکِهِ ثلاثاً. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: مهاجر، پس از انجام مراسم حج خود سه روز در مکّه می ماند.

الإمام الصّادقُ (ع) :

إذا فَرغتَ مِن نُسُکِکَ فَارجِعْ، فانّه أشْوقُ لَکَ إلَی الرُّجوعِ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: هرگاه از اعمالت فارغ شدی بازگرد که این تو را برای برگشت به حج مشتاق تر می سازد.

صدقه دادن

الإمام الصّادقُ (ع) :

یَنبغی لِلْحاجِّ إذا قَضی نُسُکَه وأرادَ أنْ یَخرُجَ، أنْ یَبْتاعَ بِدِرهَمٍ تَمراً یتَصَدَّقُ به، فیَکونُ کفّارهً لِما لَعَلَّهُ دَخَلَ علیهِ فی حَجِّه مِن حَکٍّ أو قُمَّلَهٍ سَقَطَتْ أو نَحوِ ذلکَ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: وقتی حج گزار اعمالش را انجام داد و خواست بیرون بیاید، سزاوار است که یک درهم خرما بخرد و آن را صدقه دهد

۱- صحیح بخاری، ج۳، ص ۱۴۳۱.
۲- کنزالعمال، ج۵، ص ۱۰۰.
۳- کافی، ج۴، ص ۲۳۰.
۴- کافی، ج۴، ص ۲۳۰.

ص: ۱۳۷

تا کفاره چیزی باشد که شاید در حج او بر گردنش آمده است؛ مثل خاراندن بدن یا شپشی که افتاده یا مانند این.

لإمام الصّادقُ (ع) :

یُستَحبُّ للرَّجُلِ والمرأهِ أنْ لایَخرُجا مِن مکَّهَ حتّی یَشتَریا بِدِرهَمٍ تَمْراً فَیتصـدَّقا بِهِ لِما کانَ منهما فی إحرامِهما ولِما کانَ فی حَرَمِ الله عزّوجلّ. (۱)

امام صادق (ع) فرمود: برای زن و مرد مستحب است که از مکّه بیرون نشوند، مگر آنکه یک درهم خرما بخرند و به خاطر آنچه در حال احرامشان و در حرم خداوند عزّوجلّ از آنها سر زده است، صدقه دهند.

سوغات حج

الإمام الصّادقُ (ع) :

هَدیّهُ الحجِّ مِنَ الْحجِّ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: سوغات حج، جزو حج است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

الهَدیّهُ مِن نَفَقَهِ الحجِّ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: سوغات، از هزینه حج است.

یاری رساندن به خانواده حج گزار

الإمام الباقر (ع) :

مَن خَلَفَ حاجّاً فی أهلِهِ بخیرٍ کانَ لَهُ کَأجرِهِ حتّی کَأنَّهُ یَستَلِمُ الأحجارَ. (۴)

امام باقر (ع) فرمود: کسی که [در غیاب حج گزار] به خانواده اش رسیدگی

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲۹، ص ۴۸۳.

۲- کافی، ج۴، ص ۲۸۰.

۳- کافی، ج۴، ص ۲۸۰.

۴- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۳۸۷.

ص: ۱۳۸

رسیدگی کند، اجری چون او دارد تا حدی که گویی سنگ های کعبه را لمس کرده است.

الإمام الصّادقُ (ع) :

ثَلاثَةٌ دَعوَتُهُم مُستَجابَةٌ: الحاجُّ فَانظُروا كَيفَ تَخلُفونَه والغازی فی سبیل الله فَانظُروا كَيفَ تَخلُفونَهُ والمَريضُ فَلا تُغيظُوه ولاتُضجِروهُ. (۱)

دعای سه گروه مستجاب است: حج گزار. پس ببینید که چگونه به خانواده او رسیدگی می کنید؛ و جنگجوی در راه خدا. پس بنگرید که چگونه به خانواده او سرکشی می کنید؛ و بیمار. پس او را خشمگین و افسرده نکنید.

۲. اخلاق بعد از حج

وانهادن گناهان

رسولُ اللهِ (ص) :

آيهُ قَبولِ الحجِّ تَركُ ماكانَ عَلَيهِ العَبدُ مُقيماً مِنَ الذُّنوب. (۲)

پیامبر خدا (ص) فرمود: نشانه قبولی حج آن است که بنده، گناهانی را که مرتکب می شده است، ترک کند.

رسولُ اللهِ (ص) :

مِن عَلامَهِ قَبولِ الحَجِّ إذا رَجَعَ الرَّجُلُ عَمّا كانَ عَلَيهِ مِنَ المَعاصی، هذا عَلامهُ قَبولِ الحَجِّ. وإن رَجَعَ مِنَ الحَجِّ ثُمَّ انهَمَكَ فيما كانَ مِن زِناء أو خيانَهٍ أو مَعصِيهٍ فَقَد رُدَّ عَليهِ حَجُّهُ. (۳)

پیامبر خدا (ص) فرمود: از نشانه های قبولی حج آن است که فرد، از گناهانی که انجام می داده است، برگردد. این، نشانه قبولی حج است و

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۹.

۲- الجعفریات، ص ۶۶.

۳- الجعفریات، ص ۶۶.

ص: ۱۳۹

اگر از حج بازگردد، ولی همچنان در لجنزار زنا یا خیانت یا معصیت فرو رود، حج او به خودش برگردانده می شود.

دیدار با حج گزار

الإمام الباقر (ع) :

وَقِّروا الحاجَّ والمُعتَمِرينَ، فَإنَّ ذلكَ واجبٌ عَلَيكُم. (۱)

امام باقر (ع) فرمود: حاجی و عمره گزاران را محترم بدارید که این بر شما لازم است.

الإمام الصّادقُ (ع) -

كانَ عَليُّ بنُ الحسين (ع) يقولُ -: بادِروا بِالسَّلامِ عَلَى الحاجِّ والمُعتَمِرِ ومُصافَحَتِهِم، مِن قَبلِ أن تُخالِطَهُمُ الذُّنوبُ. (۲)

امام صادق (ع) فرمود که امام زین العابدین (ع) می فرمود: به کسانی که از حج و عمره برمی گردند، سلام بگویید و با آنها دست بدهید، پیش از آنکه با گناهان، درآمیزند.

الإمام الصّادقُ (ع) : مَن

لَقِيَ حاجّاً فَصافَحَهُ كانَ كَمَنِ استَلَمَ الحَجَرَ. (۳)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که به دیدار حج گزار برود و با او دست دهد، همچون کسی است که حجرالأسود را لمس کرده است.

الإمام الصّادقُ (ع) : مَن عانَقَ حاجّاً بِغُبارِهِ كانَ كَأنَّما استَلَمَ الحَجَرَ الأسوَدَ. (۴)

امام صادق (ع) فرمود: کسی که با حج گزار تازه از گرد راه رسیده معانقه کند، گویا حجرالأسود را لمس کرده است.

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص۳۲۷.
۲- کافی، ج ۴، ص ۲۵۶.
۳- ثواب الأعمال، ص۷۴.
۴- مکارم الأخلاق، ج ۱، ص۵۵۵.

ص: ۱۴۰

ص: ۱۴۱

فصل ششم: امورمتفرقه

اشاره

ص: ۱۴۲

ص: ۱۴۳

حاجی واقعی

عَن عبدالكريم بنِ كثير: حَجَجْتُ مع أبى عبدالله (ع) ، فلمّا صِرنا فى بَعْضِ الطريقِ صَعِدَ عَلى جَبلٍ، فأشْرَفَ فَنَظَرَ إلَى النّاسِ، فَقال: ما أكثرَ الضَجيجَ وأقلَّ الحَجيجَ. (۱)

عبدالکریم بن کثیر می گوید: با امام صادق (ع) حج گزاردم، بخشی از راه را رفته بودیم که امام (ع) بالای کوهی رفت و از آنجا به مردم نگاه کرد و فرمود: ناله ها، چه بسیار است و حاجیان چه اندکند.

حدیث شبلی

العالمُ الجليلُ الأوّاهُ السيد عبدُالله سبطُ المُحدِّث الجزائرى فى شرحِ النُّخبَهِ قالَ: وَجدتُ فى عِدَّهِ مَواضِعَ أوثقُها بِخطِّ المشايخِ الّذينَ عاصَرناهم مُرسلاً أنّه لَمّا رَجعَ مَولانا زين العابِدينَ (ع) مِن الحجِّ استقبلَه الشِبلى فقالَ له: حجَجْتَ يا شبلى؟ قال نَعَم يابنَ رسولِ الله. فقالَ (ع) : أنزلتَ الميقاتَ وتَجرّدتَ عَن مَخيط الثِّيابِ واغْتَسَلْتَ؟

قال: نعم.

قالَ: فَحينَ نزلتَ الميقاتَ نَوَيتَ أنّكَ خَلعتَ ثَوبَ المعصيهِ ولَبستَ ثوبَ

۱- بصائر الدرجات، ص ۳۵۸.

ص: ۱۴۴

الطّاعهِ؟ قالَ: لا.

قال: فَحينَ تَجرّدْتَ عن مَخيطِ ثيابِکَ نَويتَ أنّکَ تَجَرّدتَ مِنَ الرِّياء والنِّفاقِ والدّخولِ فی الشُّبهاتِ؟

قال: لا.

قالَ: فَحينَ اغْتَسَلْتَ نَويتَ أنَّکَ اغْتَسَلتَ مِنَ الْخطايا والذّنوبِ؟

قالَ: لا.

قالَ: فَما نَزَلْتَ الميقاتَ ولاتجرّدتَ عَن مَخيطِ الثّيابِ ولا اغْتَسَلْتَ.

ثمَّ قالَ: تَنظَّفْتَ وأحْرَمْتَ وعَقَدْتَ الحجَّ؟

قال: نَعَم.

قالَ: فحينَ تَنظَّفتَ وأحْرَمتَ وَعقَدْتَ الحجَّ نَويتَ أنَّکَ تَنظَّفتَ بِنورَهِ التّوبهِ الخالصهِ للهِ تعالی؟

قال: لا.

قالَ: فَحينَ أحْرَمتَ نَويتَ أنّک حَرَّمْتَ عَلی نفسِکَ کُلَّ مُحَرَّمٍ حَرَّمَه اللهُ عزّوجلّ؟

قال: لا.

قالَ: فَحينَ عَقَدْتَ الحجَّ نويتَ أنّکَ قدحَلَلْتَ کلَّ عقدٍ لِغَيرِ الله؟

قال: لا.

قال (ع) له: فماتنظَّفتَ ولا أحْرَمْتَ ولا عَقدتَ الحجَّ.

قال له: أدخَلْتَ الميقاتَ وصَلَّيتَ رَکعَتَی الإحرامِ ولبَيتَ؟

قال: نعم.

قالَ: فَحينَ دَخلتَ الميقاتَ نَويتَ أنّکَ بِنيهِ الزِّيارهِ؟

قال: لا.

قال: فحينَ صَلَّيتَ الرّکعَتَينِ نَويتَ أنّکَ تَقرَّبتَ إلَی اللهِ بخَيرِ الأعمالِ مِن

ص: ۱۴۵

الصَّلاهِ وأکبرِ حَسناتِ العبادِ؟

قال: لا.

قالَ: فحینَ لَبَّیتَ نَوَیتَ أنّکَ نَطَقْتَ للهِ سبحانَه بکلِّ طاعهٍ وصُمتَ عَن کلِّ معصیهٍ؟

قال: لا.

قال له: مادَخَلْتَ المیقاتَ ولا صَلَّیتَ ولا لَبَّیتَ.

ثمّ قال له: أدَخلتَ الْحَرمَ ورأیتَ الکَعبهَ وصَلَّیتَ؟

قال: نعم.

قال: فحینَ دَخَلْتَ الحَرَم نَوَیتَ انَّ کَ حَرَّمتَ عَلی نفسِکَ کُلَّ غیبهٍ تَستَغیبُها المُسلمینَ مِن أهلِه ملَّهَ الإسلامِ؟

قال: لا.

قالَ: فحینَ وَصَلْتَ مکّهَ نویتَ بقَلبِکَ أنّکَ قَصَدْتَ اللهَ؟

قال: لا.

قال: فَما دَخَلْتَ الحَرَمَ ولا رأیتَ الکَعبهَ ولا صَلَّیتَ.

ثمَّ قال: طُفْتَ بِالبَیتِ ومَسَسْتَ الأرکانَ وَسَعَیتَ؟

قال: نعم.

قال: فَحینَ سَعَیتَ نویتَ أنَّکَ هَرَبْتَ إلَی اللهِ وعَرَفَ مِنکَ ذلکَ عَلاّمُ الغیوبِ؟

قال: لا.

قال: فَما طُفْتَ بالبَیتِ ولا مَسَسْتَ الأرکانَ ولا سَعَیتَ.

ثمّ قالَ له: صافَحْتَ الحَجَرَ ووقَفْتَ بمقامِ ابراهیمَ (ع) وصَلَّیتَ بِهِ رَکعَتَین؟

قال: نعم.

ص: ۱۴۶

فَصاح (ع) صَيحَهً كادَ يفارِقُ الدُّنيا، ثمّ قال: آه آه، ثمَ قال (ع) : مَن صافَحَ الحَجَر الأسودَ فَقدْ صافَحَ الله تَعالى، فانظُر يا مسكينُ لا تُضَيعْ أجرَ ماعَظُمَ حُرمتُه وتَنقُضِ المُصافحهَ بالمُخالفهِ وقَبضِ الحرامِ نظيرَ أهلِ الآثام.

ثمّ قال (ع) : نَويتَ حينَ وَقَفْتَ عند مقامِ ابراهيم (ع) أنّكَ وَقَفتَ عَلى كلِّ طاعهٍ وتَخَلَّفْتَ عَن كلِّ مَعصيهٍ؟

قال: لا.

قالَ: فحينَ صَلَّيتَ فيهِ رَكعَتين نَويتَ أنّكَ صَلَّيتَ بِصلاهِ ابراهيم (ع) وأرغَمْتَ بِصلاتِكَ أنْفَ الشَّيطانِ؟

قال: لا.

قال له: فَما صافَحْتَ الحجرَ الأسودَ ولا وَقَفْتَ عِندَ المقامِ ولا صَلَّيتَ فيه رَكعَتَينِ.

ثمّ قالَ (ع) له: أشرَفْتَ عَلى بِئرِ زمزَمَ وشَرِبْتَ مِن مائها؟

قال: نعم.

قال: نويتَ انَّكَ أشرَفْتَ عَلَى الطّاعهِ وغَضَضْتَ طَرْفَكَ عَنِ المَعصيهِ؟

قال: لا.

قال (ع) : فَما أشْرَفتَ عليها ولا شَربتَ مِن مائها.

ثمّ قال (ع) له: أسَعَيتَ بينَ الصَّفا والمَروهِ ومَشَيتَ وتَردَّدْتَ بَينَهما؟

قال: نعم.

قال له: نَويتَ انّكَ بينَ الرَّجاءِ والخَوفِ؟

قال: لا.

قال: فَما سَعَيتَ ولا مَشَيتَ ولا تَرَدَّدْتَ بَينَ الصَّفا والمَروهِ.

ثم قال: أخَرَجتَ إلى مِنى؟

قال: نعم.

ص: ۱۴۷

قال: نویتَ أنّکَ آمنتَ النّاسَ مِن لسانِک وقلبِک ویدِکَ؟

قال: لا.

قال: فَما خَرَجْتَ إلی مِنی.

ثمّ قال له: أوقَفْتَ الوَقفهَ بِعَرفهَ وطَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحمهِ وعرفتَ وادی نَمِرَهَ ودَعَوتَ الله سُبحانَه عِندَ المِیلِ والجَمَراتِ؟

قال: نعم.

قال: هَلْ عَرَفْتَ بِمَوقِفِکَ بِعرَفهَ معرفهَ اللهِ سبحانَه أمْرَ المَعارِفِ والعلومِ وعَرفتَ قَبضَ اللهِ عَلی صَحیفَتِکَ واطِّلاعِهِ عَلی سَریرتِکَ وقلبِکَ؟

قال: لا.

قال: نویتَ بطلوعِکَ جَبلَ الرَّحمه أنَّ الله یرحَمُ کُلَّ مؤمنٍ ومؤمنهٍ ویتَولَّی کلَّ مُسلِمٍ ومُسلِمهٍ؟

قال: لا.

قال: فَنَویتَ عند نَمِرهَ أنّکَ لاتَأمُرُ حتّی تأتَمِرَ ولا تَزْجُرُ حتّی تَنزَجِرَ؟

قال: لا.

قال: فعِندَما وَقَفْتَ عِندَ العَلَمِ والنَّمِراتِ نَویتَ أنّها شاهدهٌ لکَ عَلَی الطّاعاتِ حافظهٌ لکَ مَعَ الحفظهِ بأمرِ رَبِّ السَّماواتِ؟

قال: لا.

قال: فَما وَقَفْتَ بِعَرَفهَ ولا طَلَعْتَ جَبلَ الرَّحمه ولا عَرَفْتَ نَمِرهَ ولا دَعَوتَ ولاوقَفْتَ عِندَ النَّمراتِ.

ثمّ قال: مَرَرْتَ بَینَ العَلَمَینِ وصَلَّیتَ قَبلَ مرورِکَ رَکعتینِ ومَشَیتَ بِمُزدَلِفه ولَقَطْتَ فیها الحَصی ومَرَرْتَ بالمَشعرِ الحرامِ؟

قال: نعم.

قالَ: فحین صلَّیت رکعتین نویتَ أنّها صَلاهُ شکرٍ فی لَیلهِ عَشرٍ تَنْفی کلَّ

ص: ۱۴۸

عُسْرٍ وتُيَسِّرُ كُلَّ يسْرٍ؟

قال: لا.

قال: فعندما مَشَيتَ بينَ العَلَمينِ و لم تَعدِلْ عنهما يميناً وشِمالاً نَوَيتَ أنْ لاتَعدِلَ عَن دينِ الحقِّ يميناً وشِمالاً لا بقلبِكَ ولا بِلسانِكَ ولا بجَوارِحِكَ؟

قال: لا.

قال: فعندما مَشَيتَ بمُزدَلِفه ولَقَطْتَ مِنها الحَصى نويتَ أنَّكَ رَفَعْتَ عنكَ كُلِّ معصيهٍ وجَهْلٍ وثَبَّتَّ كُلَّ علمٍ وعملٍ؟

قال: لا.

قالَ: فَعِندَما مَرَرْتَ بِالمَشعَرِ الحَرامِ نويتَ أنَّكَ أشْعَرْتَ قلبَكَ إشعارَ أهلِ التَّقوى والخوفِ للهِ عزّوجلَّ؟

قال: لا.

قال: فما مَررتَ بِالعَلَمينِ ولا صَلَّيتَ رَكعَتَينِ ولا مَشَيتَ بمُزدلفه ولا رَفَعْتَ منها الحَصى ولا مَررتَ بالمشعرِ الحرامِ.

ثمّ قال له: وَصَلْتَ مِنى ورَميتَ الجَمرهَ وحَلَقْتَ رأسَكَ وذَبَحْتَ هَدْيكَ وصَلَّيتَ فى مسجدِ الخَيفِ ورَجعتَ إلى مكَّهَ وطُفْتَ طوافَ الإفاضهِ؟

قال: نعم.

قالَ: فَنَوَيتَ عندما وَصَلْتَ مِنى ورَميتَ الجِمارَ أنّكَ بَلَغْتَ إلى مَطلَبِكَ و قدقضى ربُّكَ لكَ كلَّ حاجَتِكَ؟

قال: لا.

قال: فعندما حَلَقْتَ رأسَكَ نويتَ انّكَ تَطَهَّرْتَ مِن الأدناسِ ومِن تَبِعهِ بنى آدمَ وخَرَجْتَ مِن الذُّنوبِ كَما وَلَدتْكَ اُمُّكَ؟

قال: لا.

قال: فعندما صَلَّيتَ فى مسجِدِ الخَيفِ نَوَيتَ أنّكَ لاتَخافُ الاّ اللهَ عزَّوجلَّ

ص: ۱۴۹

وذَنبَکَ ولاتَرجوا الاّ رحمه اللهِ تَعالی؟

قال: لا.

قال: فعندما ذَبَحْتَ هَدْیکَ نَوَیتَ أنّکَ ذَبَحْتَ حَنجَرَهَ الطَّمَعِ بِما تَمَسَّکتَ به مِن حقیقهِ الوَرَعِ وانّکَ اتَّبَعْتَ سنَّهَ ابراهیمَ (ع) بِذَبحِ وَلدِهِ وثَمَرهِ فؤادِهِ ورَیحانِ قَلبِهِ وحاجَّه سنَّتُه لِمَن بَعدَه وقَرَّبه إلَی اللهِ تعالی لِمَنْ خَلفَه؟

قال: لا.

قال: فعندما رَجَعْتَ إلی مکَّهَ وطُفْتَ طوافَ الإفاضهِ نویتَ أنّکَ أفَضْتَ مِن رَحمهِ اللهِ تعالی ورَجَعْتَ إلی طاعتِهِ وتَمَسَّکت بِوُدِّهِ وأدَّیتَ فَرائضَهُ وتَقَرَّبْتَ الی اللهِ تعالی؟

قال: لا.

قال له زَینُ العابدین (ع) : فما وَصَلْتَ مِنی ولا رَمَیتَ الجِمارَ ولا حَلَقْتَ رأسَکَ ولا أدَّیتَ نُسُکَکَ ولا صَلَّیتَ فی مسجدِ الخَیفِ ولاطُفْتَ طوافَ الإفاضهِ ولا تَقَرَّبتَ. إرجعْ فَإنّکَ لَمْ تَحُجَّ.

فَطَفِقَ الشِّبلی یبکی عَلی مافَرَّطَه فی حجِّهِ وما زالَ یتَعَلَّمُ حتّی حَجَّ مِن قابِلٍ بمعرفهٍ ویقینٍ. (۱)

... شبلی به حج رفته بود و پس از انجام اعمال حج، به حضور امام سید الساجدین (ع) که از حج بازگشته بود، مشرف شد. امام (ع) از وی پرسید: ای شبلی! حج گزاردی؟

شبلی: آری، یابن رسول الله!

امام (ع) : آیا در میقات جامه دوخته را از تن درآوردی و غسل نمودی؟

شبلی: بله.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص ۱۶۷ - ۱۷۲.

ص: ۱۵۰

امام (ع) : زمانی که به میقات فرود آمدی، آیا نیت کردی که جامه معصیت را از خود درآوری و جامه طاعت بپوشی؟

– شبلی: نه.

– امام (ع) : زمانی که از جامه خود برهنه شدی، آیا نیت کردی که از ریا و نفاق و دخول در شبهات برهنه شوی؟

– شبلی: نه.

– امام (ع) : زمانی که غسل کردی، آیا نیت کردی که خویشتن را از بدی ها و گناه ها شست وشو دهی؟

– شبلی: نه.

– امام (ع) : پس [در واقع] برمیقات فرود نیامدی و از جامه خود برهنه نشدی و خود را شست وشو ندادی. سپس فرمود: آیا خویشتن را پاکیزه کردی و احرام بستی و عقد حج بستی؟

– شبلی: آری.

امام (ع) : آیا در چنین حالی، نیت کردی که با نور توبه خالص الهی خود را پاکیزه کنی؟

شبلی: نه.

– امام (ع) : زمانی که خود را پاکیزه کردی و عقد بستی، آیا نیت کردی که آنچه خداوند متعال حرام کرده است را برخویشتن حرام کنی؟

– شبلی: نه.

– امام (ع) : زمانی که عقد حج بستی، آیا نیت کردی هر عقدی که برای غیر خداوند عزوجل است را باز کنی؟

– شبلی: نه.

– امام (ع) : خویشتن را پاکیزه نکردی و احرام نبستی و عقد حج نبستی.

ص: ۱۵۱

- امام (ع) فرمود: آیا داخل میقات شدی و دو رکعت نماز احرام خواندی و تلبیه گفتی؟

- شبلی: بله.

- امام (ع) : آن گاه که داخل میقات شدی، آیا نیت کردی که به نیت زیارت داخل شوی؟

- شبلی: نه.

امام (ع) : آن گاه که دو رکعت نماز گزاردی، نیت کردی که به خداوند متعال به بهترین اعمال و بزرگ ترین حسنات عبادت که نماز است، تقرب بجویی؟

- شبلی: نه.

امام (ع) : آن گاه که تلبیه گفتی، آیا نیت کردی که برای خدا به هر طاعتی گویا شدی و از معصیت او خود را بازداری؟

- شبلی: نه.

امام (ع) : در میقات داخل نشدی و نماز نخواندی و تلبیه نگفتی.

سپس امام (ع) فرمود: آیا در حرم داخل شدی و کعبه را دیدی و نماز خواندی؟

- شبلی: آری.

- امام (ع) : آن گاه که داخل حرم شدی، آیا نیت کردی که بر خود هرگونه عیب اهل ملت اسلام را حرام کنی؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : آن گاه که به مکه رسیدی و کعبه را دیدی و دانستی که آن خانه خداست، آیا قصد خداوند سبحان کردی و از غیر او بریدی؟

- شبلی: نه.

ص: ۱۵۲

- امام (ع) : پس نه داخل حرم شدی و نه کعبه را دیدی و نه نماز گزاردی.

سپس امام (ع) فرمود: آیا طواف بیت را به جا آوردی و ارکان را مس کردی و عمل سعی را انجام دادی؟

- شبلی: آری.

- امام (ع) : آن گاه که سعی کردی، آیا نیت کردی که از همه بگریزی و به سوی خداوند فرار کنی و صدق این نیتت را علام الغیوب شناخت؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : نه طواف بیت کردی و نه سعی به جا آوردی و نه ارکان را مس کردی.

سپس امام (ع) فرمود: آیا استلام حجر کردی و در مقام ابراهیم (ع) وقوف کردی و در آن مقام دو رکعت نماز گزاردی؟

- شبلی: آری.

امام (ع) در این هنگام، صیحه ای برآورد که نزدیک بود از دنیا مفارقت کند. سپس فرمود: آه، آه، کسی که با حجرالأسود مصافحه کند با خدا مصافحه کرده است. پس ای مسکین، حرمت چنین پروردگار مهربان را ضایع نکن. هرگز چنین نیست که کسی با خداوند مصافحه کند و پس از آن با او مخالفت کند. پس از آن فرمود: آن گاه که در مقام ابراهیم (ع) ایستادی، آیا نیت کردی که بر انجام هر طاعت بایستی و پشت به هر معصیت کنی؟

- شبلی: نه.

امام (ع) : آن گاه که در مقام ابراهیم (ع) دو رکعت نماز گزاردی، آیا نیت کردی که همچون نماز ابراهیم (ع) نماز بخوانی؟ و با نمازت بینی شیطان

ص: ۱۵۳

را به خاک بمالی؟

– شبلی: نه.

امام (ع) : با حجرالأسود مصافحه نکردی و در مقام نایستادی و در آن نماز نخواندی.

پس از آن فرمود: آیا بالای چاه زمزم برآمدی و از آب نوشیدی؟

شبلی: بله.

امام (ع) : آیا نیت کردی که بر طاعت برآیی و چشمت را از معصیت بپوشانی؟

– شبلی: نه.

امام (ع) : پس بر چاه زمزم برنیامدی و از آن ننوشیدی.

پس از آن فرمود: آیا سعی میان صفا و مروه را به جا آوردی و در میان آن دو، مشی و تردد کردی؟

– شبلی: آری.

– امام (ع) : از سعی میان صفا و مروه، آیا نیت کردی که در میان خوف و رجایی؟

– شبلی: نه.

– امام (ع) : پس نه سعی کردی و نه مشی و تردد میان صفا و مروه.

پس از آن فرمود: آیا از مکه خارج شدی و به منا رفتی؟

– شبلی: آری.

امام (ع) : آیا نیت کردی که مردم را از زبان و دل و دست خود ایمن گردانی؟

– شبلی: نه.

ص: ۱۵۴

- امام (ع) : پس به منا نرفتی.

پس از آن امام (ع) فرمود: آیا در موقف عرفه وقوف کردی و بر جبل الرحمه برآمدی؟ و وادی نمره را شناختی و خداوند متعال را در جبل الرحمه و جمرات خواندی؟

- شبلی: آری.

- امام (ع) : آیا با وقوفت در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفت ها و دانش ها شناختی و به اینکه خداوند نامه عمل تو را دریافت می کند و به آنچه در درون قلبت می گذرد، آگاه است، پی بردی؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : بر جبل الرحمه که بالا رفتی، آیا نیت کردی که خداوند هر مؤمن و مؤمنه را رحمت کند و هر زن و مرد مسلمانی را سرپرستی کند؟

- شبلی: نه.

امام پرسید: آیا نزد وادی نمره نیت کردی که فرمان ندهی تا آنکه خود، فرمان ببری و نهی نکنی تا آنکه خود، پرهیز کنی؟

گفت: نه.

امام پرسید: آن گاه که کنار نشانه و نمرات ایستادی، نیت کردی که آنها بر طاعت های تو گواه باشند و به دستور خداوند آسمان ها، همراه نگهبانان به نگاهبانی تو بپردازند؟

گفت: نه.

امام فرمود: پس نه در عرفات وقوف کردی، نه از جبل الرحمه بالاـ رفتی، و نه نمره را شناختی، و نه دعا کردی و نه کنار نمرات ایستادی.

سپس فرمود: آیا بین دو نشانه، مرور کردی و قبل از گذشتن از آنجا، دو رکعت نماز خواندی؟ آیا به مزدلفه (مشعر) رفتی؟ و از آنجا

ص: ۱۵۵

سنگ ریزه ها را از زمین جمع کردی؟ به مشعرالحرام مرور کردی؟

- شبلی: آری.

امام پرسید: وقتی دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که آن نماز، نماز شکر شب دهم است؛ هر مشکلی را برطرف می سازد و هر آسانی را فراهم می آورد؟

گفت: نه.

امام پرسید: وقتی از میان دو نشانه گذشتی و به چپ و راست توجه نکردی، آیا نیت کردی که از دین حق، به چپ و راست روی نگردانی، نه با قلب، نه با زبان، و نه با اعضایت؟

گفت: نه.

امام (ع) : آن گاه که در مزدلفه مشی می کردی و از آن سنگ ریزه ها جمع می کردی، آیا نیت کردی که هر معصیت و جهل را از خود بزدایی و هر علم و عمل صالح را در خود ملکه سازی؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : به مشعرالحرام مرور کردی، آیا نیت کردی شعائر اهل تقوا و اهل خوف را شعار قلب خود قرار دهی؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : از دو نشانه نگذشتی و در مزدلفه مشی نکردی و از آن سنگ ریزه ها برنداشتی و به مشعرالحرام مرور نکردی.

پس از آن امام (ع) فرمود: در منا نماز گزاردی؟ و رمی جمره کردی؟ و حلق رأس (سر تراشیدن) را انجام دادی؟ و فدیه (قربانی) خود را ذبح کردی؟ و در مسجد خیف نماز خواندی؟ و به مکّه بازگشتی؟ و طواف کوچ به جا آوردی؟

ص: ۱۵۶

- شبلی: آری.

امام (ع) : آن گاه که به منا رسیدی و رمی جمره کردی، آیا نیت کردی که به مطلب خود رسیدی و هرگونه حاجت تو برآورده شده است؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : آن گاه که سر تراشیدی، آیا نیت کردی که از پلیدی ها پاک شوی و از هر گناه و بدعاقبتی که [دامنگیر] بنی آدم است، به در آمدی و مثل آن روزی شوی که از مادر متولد شدی؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : آن گاه که در مسجد خیف نماز خواندی، آیا نیت کردی که نترسی مگر از خدا و گناه خویش و امیدوار نباشی مگر به رحمت او؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : آن گاه که قربانی خود را ذبح کردی، آیا نیت کردی که گلوی طمع را با حقیقت ورع سر ببری و از سنت ابراهیم (ع) پیروی کنی که فرزندش، میوه دلش و گل خوشبوی قلبش را به قربانگاه آورد و آن را سنتی برای آیندگان و وسیله ای برای تقرب به خداوند برای نسل های بعد قرار داد؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : هنگامی که به مکه برگشتی و طواف کوچ کردی، آیا نیت کردی که افاضه (کوچ کردن) به رحمت خدا کنی و به طاعت او بازگردی و به سوی او تقرب جویی و واجبات الهی را ادا کنی؟

- شبلی: نه.

- امام (ع) : به منا نرسیدی و رمی جمره نکردی و حلق رأس انجام ندادی و قربانی ات را ذبح نکردی و در مسجد خیف نماز نگزاردی و طواف افاضه

ص: ۱۵۷

به جا نیاوردی و به سوی خداوند تقرب نجستی، چه اینکه تو حج نکردی.

پس شبلی، از کوتاهی و قصور در حجش به ناله و زاری افتاد و [پس از آن] پیوسته آداب حج می آموخت تا سال دیگر از روی معرفت و یقین حج بگزارد.

آنچه در تاریخ اسلام بر کعبه گذشت

عمرو بن دینارٍ وعُبیدالله بن أبی یزید: لَم یکُن عَلی عَهدِ النَّبی حولَ البَیتِ حائِطٌ، کانوا یصلّونَ حَولَ البَیتِ حتّی کانَ عُمَرُ، فَبَنی حولَهُ حائِطاً. قال عُبیدُاللهِ: جَدرُهُ قَصیرٌ فبناهُ ابنُ الزُّبیرِ. (۱)

عمرو بن دینار و عبیدالله بن ابی یزید گفته اند: در زمان پیامبر (ص) اطراف خانه کعبه دیواری نبود و در اطراف کعبه نماز می خواندند. زمان عمر که فرا رسید، بر گرد آن دیوار کشید. عبیدالله گفته بود: دیوارش کوتاه است. پس ابن زبیر آن را بنا کرد [و بالا آورد].

الإمام الصادق (ع) : کانَتِ الکعبهُ عَلی عَهدِ إبراهیمَ تِسعَهَ أذرُعٍ وکانَ لَها بابانِ، فَبَناها عبدُالله بنِ الزُّبیر، فَرَفَعَها ثَمانِی عَشرَهَ ذِراعاً، فَهَدَمَها الحَجّاجُ فَبَناها سَبعَهً وعشرینَ ذِراعاً. (۲)

امام صادق (ع) فرمود: کعبه در زمان ابراهیم (ع) ، نُه ذراع بود و دو در داشت. عبدالله بن زبیر آن را باز ساخت و ارتفاعش را هجده ذراع قرار داد. حجاج، آن را خراب کرد و آن را به ارتفاع بیست وهفت ذراع ساخت.

۱- صحیح بخاری، ج ۳، ص۱۳۹۲.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۰۷.

ص: ۱۵۸

ص: ۱۵۹

کتابنامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، ما اختاره أبوالحسن الشریف الرضی محمدبن الحسینبن موسی الموسوی من کلام الإمام أمیرالمؤمنین (ع) ، تحقیق: السید الکاظم المحمدی و محمد الدشتی، چاپ دوم، قم، دارالنشر الإمام علی (ع) ، ۱۳۶۹ه. ش.

۱. إتحاف الساده المتقین بشرح إحیاء علوم الدین، محمدبن محمد الزبیدی، بیروت، دارالفکر.

۲. أخبار مدینه الرسول، أبو عبدالله محمدبن محمود النّجار البغدادی، تحقیق: صالح محمد جمال، چاپ سوم، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۰۱ه. ق.

۳. أخبار مکه، محمدبن عبدالله الأزرقی، تحقیق: رشدی الصالح ملحس، چاپ اول، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۱ه. ق.

۴. إقبال الأعمال، أبوالقاسم علی بن موسی الحلی (ابن طاووس) ، تحقیق: جواد القیومی، چاپ اول، قم، مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ه. ق.

۵. الأمالی، محمدبن علیبن بابویه القمّی (شیخ صدوق) ، تحقیق: مؤسسه البعثه، چاپ اول، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ه. ق.

۶. بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار، محمدباقر بن محمدتقی المجلسی (العلامه المجلسی) ، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ه. ق.

ص: ۱۶۰

۷. بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، محمدبن محمدالطبری، چاپ دوم، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۸۳ه. ق.

۸. بائر الدرجات، محمدبن الحسین الصفار القمی (ابن فروخ) ، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ه. ق.

۹. تاریخ اصفهان، أحمدبن عبدالله الإصفهانی (أبونعیم) ، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۰. تاریخ بغداد أو مدینه السلام، أحمدبن علی الخطیب البغدادی، مدینه، المکتبه السلفیه.

۱۱. تاریخ المدینه المنوّره، عمربن شبّه النمیری البصری، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، چاپ اول، بیروت، دار التراث، ۱۴۱۰ه. ق.

۱۲. تحف العقول عن آل الرسول، الحسن بن علی الحرانی (ابن شعبه) ، تحقیق: علیاکبر الغفّاری، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ه. ق.

۱۳. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن جریر الطبری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ه. ق.

۱۴. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمدبن علیبن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، تحقیق: علی اکبر الغفّاری، تهران، مکتبه الصدوق.

۱۵. جامع الأحادیث، جعفربن أحمد القمّی (ابن رازی) ، تحقیق: السید محمد الحسینی النیشابوری، مشهد، چاپ اول، مؤسسه الطبع و النشر التابعه الرضویه المقدسه، ۱۴۱۳ه. ق.

۱۶. الجعفریات (الأشعثیات) ، محمدبن محمدبن الأشعث الکوفی، تهران، مکتبه نینوی (طبع شده در ضمن: قرب الإسناد) .

۱۷. حلیه الأولیاء و طبقات الأصفیاء، أحمدبن عبدالله الأصبهانی (أبو نعیم) ، چاپ دوم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۸۷ه. ق.

ص: ۱۶۱

۱۸. الخصال، محمدبن علی بن بابویه القمی (شیخ صدوق) ، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ه. ق.

۱۹. دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضایا و الأحکام، النعمان بن محمد التمیمی المغربی (القاضی أبوحنیفه) ، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۹ه. ق.

۲۰. روضه المتقین، محمدباقر بن محمدتقی المجلسی، چاپ دوم، تهران، المرکز الثقافی الإسلامی (کوشانپور) ۱۴۰۶ه. ق.

۲۱. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمدبن منصور الحلّی (ابن إدریس) ، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ه. ق.

۲۲. سنن ابن ماجه، محمدبن یزید القزوینی (ابن ماجه) ، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ اول، بیروت، دار إحیاء التراث، ۱۳۹۵ه. ق.

۲۳. سنن أبی داوود، سلیمان بن أشعث السجستانی الأزدی، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، دار إحیاء السنّه النبویه.

۲۴. سنن التّرمذی (الجامع الصحیح) ، محمدبن عیسی الترمذی (أبوعیسی) ، تحقیق: أحمد محمد شاکر، بیروت، دار إحیاء التراث.

۲۵. سنن الدار قطنی، علیبن عمر البغدادی (الدار قطنی) ، تحقیق: أبوالطیب محمدآبادی، چاپ چهارم، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶ ه. ق.

۲۶. السنن الکبری، أحمدبن الحسین البیهقی، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه. ق.

۲۷. سنن النسائی بشرح الحافظ جلال الدین السیوطی و حاشیه الإمام السندی، أحمدبن شعیب النسائی، چاپ اول، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۷ه. ق.

۲۸. شُعب الإیمان، أحمدبن الحسین البیهقی، تحقیق: محمد السعید بسیونی زغلول، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ه. ق.

ص: ۱۶۲

۲۹. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ اوّل، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۲ه. ق.

۳۰. عوالی اللّئالی العزیزیه فی الأحادیث الـدینیه، محمـدبن علی الأحسائی (ابن أبی جمهور) ، تحقیق: مجتبی العراقی، چاپ اول، قم، مطبعه سیدالشهداء، ۱۴۰۳ه. ق.

۳۱. عیون أخبار الرضا، محمدبن علی بن بابویه القمی (شـیخ صدوق) ، تحقیق: السـید مهدی الحسـینی اللاجوردی، تهران، منشورات جهان.

۳۲. الغیبه، محمدبن الحسن الطوسـی (شـیخ طوسـی) ، تحقیق: عباداللہ الطهرانی و علی أحمد ناصح، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۳۳. الفردوس بمـأثور الخطـاب، شـیرویه بن شـهردار الـدیلمی الهمـدانی، تحقیق: محمـد السـعید بسـیونی زغلول، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ه. ق.

۳۴. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر الحِمیری القمی، تحقیق: مؤسسه آل البیت، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۳ه. ق.

۳۵. کامل الزیارات، جعفربن محمد القمی (ابن قولویه) ، تحقیق: السید جواد القیومی، قم، چاپ اول، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ه. ق.

۳۶. کشف الغمّه فی معرفه الأـئمّه، علیبن عیسـی الإـربلی، تصـحیح: السـید هـاشم الرسولی المحلاتی، چاپ اول، بیروت، دارالکتاب، ۱۴۰۱ه. ق.

۳۷. کنز العمـال فی سـنن الأـقوال و الأفعال، علی المتّقی بن حسام الـدین الهنـدی، تصـحیح: صـفوه السـقّا، بیروت، چاپ اول، مکتبه التراث الإسلامی، ۱۳۹۷ه. ق.

۳۸. کنز الفوائد، محمدبن علی الکراجکی الطرابلسی، تصحیح: عبدالله نعمه، چاپ اول، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ه. ق.

ص: ۱۶۳

۳۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، الفضل بن الحسن الطبرسی (أمین الإسلام) ، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی و السید فضل الله الیزدی الطباطبایی، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ه. ق.

۴۰. المحاسن، أحمدبن محمد البرقی القمی، تحقیق: السید مهدی الرجائی، چاپ اول، قم، المجمع العالمی لأهل البیت، ۱۴۱۳ه. ق.

۴۱. المزار، محمدبن محمدبن النعمان العکبری البغدادی (شیخ مفید) ، تحقیق: محمدباقر الأبطحی، چاپ اول، قم، المؤتمر لألفّیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ه. ق.

۴۲. المستدرک علی الصحیحین، محمدبن عبدالله الحاکم النیشابوری، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ه. ق.

۴۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۷ه. ق.

۴۴. مسند أبی یعلی الموصلی، أحمدبن التمیمی الموصلی (أبویعلی) ، تحقیق: إرشاد الحق الأثری، چاپ اول، جدّه، دار القبله، ۱۴۰۸ه. ق.

۴۵. مصباح المتهجّد، محمدبن الحسن الطوسی (شیخ طوسی) ، تحقیق: علی أصغر مروارید، چاپ اول، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ه. ق.

۴۶. المعجم الأوسط، سلیمان بن أحمد اللحمی الطبرانی، تحقیق: طارق ابن عوض الله و عبدالحسن بن إبراهیم الحسینی، قاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ه. ق.

۴۷. المعجم الکبیر، سلیمان بن أحمد اللحمی الطبرانی، تحقیق: حمدنی عبدالمجید السلفی، چاپ دوم، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ه. ق.

۴۸. المقنعه، محمدبن محمدبن النعمان العُکبری البغدادی (شیخ مفید) ، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ه. ق.

۴۹. مکارم الأخلاق، الفضل بن الحسن الطبرسی (أمین الإسلام) ، تحقیق: علاء آل جعفر، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ه. ق.

ص: ۱۶۴

۵۰. مناقب آل أبیطالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، محمدبن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) ، قم، المطبعه العلمیه.

۵۱. من لایحضره الفقیه، محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق) ، تحقیق: علی اکبر الغفاری، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

۵۲. المواعظ العددیه، علی المشکینی الأردبیلی، تحقیق: علی الأحمدی المیانجی، چاپ چهارم، قم، الهادی، ۱۴۰۶ه. ق.

۵۳. الموطّأ، مالکبن أنس، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ اول، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ه. ق.

۵۴. وسائل الشیعه إلی تحصیل الشریعه، محمدبن الحسن الحرّ العاملی، تحقیق: مؤسسه آل البیت، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ه. ق.

۵۵. حج و عمره در قرآن و حدیث، محمدی ریشهری، مؤسسه دارالحدیث، چاپ سوم، ۱۳۸۶ه. ش.

۵۶. توحید صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۲۲ه. ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹